

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

ٿڌ پېر ۾ ۾

نگاندگی ولی فقیہ در ساہ
پ

دفتر تائید شرعی ضوابط و برنامہ ها

نام نشریه:	تدبیر ماه
تنظیم و نشر:	نمایندگی ولی فقیه در سپاه
نوبت چاپ:	دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها
شماره:	۹۶ (شهریور و مهر ۹۴)
تاریخ چاپ:	۱۳۹۴ آبان
شمارگان:	۳۰۰۰ نسخه
چاپ:	مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

فهرست

مقدمه	۷
حدیث	۹
تدابیر تربیتی و معنوی	۱۱
تدابیر آموزشی	۱۹
تدابیر فرهنگی و هنری	۲۳
تدابیر مدیریتی	۳۳
تدابیر طرح و برنامه‌ای	۳۹
تدابیر سیاسی و اجتماعی	۴۱
تدابیر دفاعی و رزمی	۱۳۵
تدابیر اقتصادی و مالی	۱۴۹
تدابیر نظارت و بازرسی	۱۷۵
تدابیر امنیتی و حفاظتی	۱۸۱
تدابیر حقوقی و قانونی	۱۸۵
تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی	۱۸۷
تدابیر نیروی انسانی	۲۰۵
تدابیر برون مرزی	۲۱۱
سایر تدابیر	۲۲۳
پی‌نوشت‌ها	۲۶۴

معاونت تدابیر و قوانین دفتر تأیید شرعی

تلفن مستقیم: ۳۵۲۳۳۷۱۲

کوثر: ۳۳۷۱۲ و ۳۳۹۳۹

پایگاه داخلی: www.pasdar.org

سبت‌گالی

حرکت خروشان و با صلابت انقلاب اسلامی،
در مسیر تحقق اهداف سالار شهیدان علی‌الله آرامش را
از سران استکبار و مرتجعان منطقه سلب کرده است.
تحرکات مذبوحانه تروریست‌های اجاره‌ای و مزدور
صهیونیست‌ها و مرتجuan منطقه در عراق و سوریه،
و فاجعه دلخراش جان باختن حاجیان در منا،
پرده‌هایی از سناریوی خصومت استکبار جهانی با
حرکت توفنده عاشورایی انقلاب اسلامی است
بهترین راهبردی که تلاش دشمنان در شرایط کنونی
در آن شکل گرفته است، راه «نفوذ» از طرق مختلف
سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.
رهبر معظم انقلاب اسلامی، با درایت علوی و
صلابت حسینی، این تلاش دشمن را شناسایی کرده

و در شرایط کنونی، بیش از هفتاد بار خطر «نفوذ» را در بیاناتشان تبیین فرموده‌اند.

ضمن تسليت ایام شهادت سالار شهیدان حضرت سید الشهدا علیهم السلام و یاران با وفای آن حضرت و نیز شهادت امام زین العابدین علیهم السلام و گرامی داشت سالروز تبعید امام خمینی روز دانش آموز و سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، نود و ششمین شماره نشریه «تدبیر ماه»، شامل گزیده رهنمودهای و تدابیر امام خامنه‌ای علیه السلام در شهریور و مهر ماه سال جاری، به حضور شما طلایه‌داران میدان جهاد و شهادت و دفاع از حریم ولایت تقاضیم می‌شود.

بدین امید که با عنایت الهی و الهام از توجهات حضرت ولی‌عصر سد پولادینی در مقابل تحرکات و نفوذ دشمنان اسلام باشیم. ان شاء الله

والسلام عليکم و رحمة الله و برکاته

دفتر تأیید شرعی ضوابط و برنامه‌ها

* * *



حَدِيث

عَنْ الصَّادِقِ قَالَ:

لَمْ يَطْلُبْ أَحَدُ الْحَقَّ بَاباً أَفْضَلَ مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا.
وَهُوَ ضِدٌ لِمَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ قُلْتُ: جَعَلْتُ فَدَأَكَ مَمَّا دَأَكَ.
قَالَ: مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا.^۱

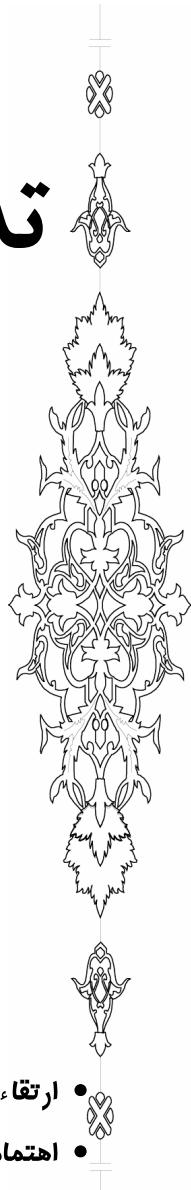
الشافی ص ۵۳۳ توضیح مقام معظم رهبری

راههایی، درهایی که انسان می‌تواند از آن درها و از آن راهها برود تا به حق برسد، حق را درک کند، که طبعاً راههای گوناگونی است. هیچ‌یک از این ابواب و این طرقی که انسان را به حق می‌رساند، مثل زهد در دنیا نیست. برای رسیدن به حق، شناختن حق از باطل، بهترین

۱- امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ‌کس حق را از دری بهتر از زهد در دنیا جستجو نکرده است
و آن ضد مطلوب دشمنان حق است.
(راوی می‌گوید) گفتم: فدای شما شوم! از چه راهی می‌جویند؟
فرمود: از رغبت به دنیا.

راه‌ها عبارت است از زهد در دنیا. خیلی مطلب عمیق و پر مغزی است این حرف. چون مهم‌ترین چیزی که انسان را از حق منصرف می‌کند، دل انسان را مشوب می‌کند، انسان را از حق به باطل گرایش می‌دهد، هوای نفس است، دنیاطلبی است. اگر چنانچه این دنیاطلبی، این هوای نفس، و رغبت به رخارف دنیا را انسان نداشته باشد، شناخت حق برای او از باطل آسان می‌شود. بهترین راه‌ها برای شناخت حق این است. «وَ هُوَ ضِدٌ لِّمَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ». این زهد دنیا نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان حق، یعنی اهل باطل، طلب می‌کنند، همین هم آنها را به باطل می‌اندازد. «قُلْتُ جُعْلْتُ فِدَاكَ مَمَّاً؟» آن چیزی که دشمنان حق به آن علاقه‌مندند و در آن راه قرار دارند چیست؟ «قَالَ: مِنَ الرَّغْبَةِ فِيهَا». رغبت به دنیا، عشق به دنیا، دلباختگی به دنیا. این آن چیزی است که انسان را از راه حق منصرف می‌کند، به باطل می‌اندازد، از شناختن راه حق از راه باطل جلوگیری می‌کند.



تداپیر

تریبیتی

و معنوی

- ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی
- اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام
- ویژگی‌های پاسداری

ارتقاء و تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی

مجلس خبرگان منبع آرامش الهی

اهمیت مجلس و اعضای مجلس بهنحوی است که انسان واقعاً احساس می‌کند که حضور شما در هرجایی ان شاء الله ما یه برکت خواهد بود. مجلس خبرگان می‌تواند مظہر تام و تمام این انزال سکینه الهی باشد؛ چون این انزال سکینه الهی از نشانه‌های ایمان است: «**هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدَادُوا إِيمَانًا مَعَ اِيمَانِهِمْ**»؛ (فتح ۴) او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.» این سکینه الهی، ما یه از دیاد ایمان و ما یه تقویت ایمان است. معنای سکینه هم آرامش در مقابل تلاطم است؛ حواس گوناگون، خبرهای گوناگون، دشمنی‌ها، وضعیت‌های مختلف، در روح انسان‌ها به‌طور طبیعی تلاطم ایجاد می‌کند.

این آرامش خیلی از اوقات مایه استقرار فکر و ذهن و استقامت در طریق می‌شود. خدای متعال این سکینه را، آرامش را به مؤمنین می‌دهد به برکت ایمانشان و به آنها خاطر جمعی می‌دهد که «وَاللهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». از چه انسان واهمه کند؟ همه نیروهای زمین و آسمان، همه سنن طبیعت، جنود الهی هستند و متعلق به خدایند؛ اگر ما مؤمن باشیم، اگر ما بنده خدا باشیم، این نیروها در خدمت مؤمنین قرار می‌گیرند. این همان آرامشی است که انسان پیدا می‌کند. باز در یکی دو آیه بعد می‌فرماید: «وَاللهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (فتح ۷ «و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده کار است.») این عزّت الهی و قدرت الهی، نشانه همین «اللهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» است. مؤمنین در یک چنین عالمی، در یک چنین فضایی حرکت می‌کنند، زندگی می‌کنند و تنفس می‌کنند. مجلس خبرگان یکی از جاهایی است که می‌تواند منبع و منشأ یک چنین آرامشی باشد.^۳

اجر دائمی و رو به افزایش جانبازان

زحمات شما و اجر شما پیش خدای متعال، هم محفوظ است و هم انشاء الله روزبه روز رو به افزایش است؛ چون کار شما یکسره تمام نشد؛ به تدریج این ابتلاء و این امتحان بر شما حاکم است، برخلاف شهدا. شهدا یک خمپاره خوردنده، یک گلوله خوردنده و رفتند بهشت، پرکشیدند بهشت، کارشان تمام شد؛ شما نه! هر روزی که می‌گذرد، هر ساعتی که می‌گذرد، رنجی دارید، مشکلی دارید، اگرچه به آن مشکل رضایت دادید و خدای متعال می‌داند در دل‌های شما که شما صبر می‌کنید؛ اما هر دقیقه، هر ساعت، هر روز همین صبرتان یک اجر مضاعفی است! بنابراین، این حرف دقیق است که اجر جانبازان روزبه روز رو به افزایش است. هر ساعتی که شما بیشتر عمر کنید، به همان اندازه اجر شما رو به افزایش است. در روایات داریم که: گاهی انسان یک چیزی را - یک درهمی یا مثلاً یک پول کمی را - در راه خدا می‌دهد، خدای متعال در قیامت آن را مثل کوه اُحد به او برمی‌گرداند؛ کار شما این جوری است؛ عضوی را دادید، محرومیتی را قبول کردید که البته خیلی بزرگ و خیلی مهم است و خیلی اجر دارد، اما این اجر همین‌طور به طور دائم رو به تزايد و رو به افزایش است. خدا را شاکر باشید به خاطر این افزایش اجر.^{۱۱}

مژده الهی به همسران ایثارگر جانبازان

این خانم‌ها ... که از شما به عنوان همسر پذیرایی می‌کنند و پذیرای رنج شما هستند. بله! همان‌طور که این آقا در این شعر قشنگشان بیان کردند، این خانم‌ها به معنای واقعی کلمه ایثارگرند؛ این ایثار است، ایثار بزرگی است؛ خدمت آنها ارزش خیلی بالایی دارد. رنج مریض‌داری از رنج مریضی اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. اینکه انسان یک جانباز را با مشکلاتش، با محدودیت‌های جسمی‌اش پذیرایی کند، تروخشک کند، به حرف او گوش بدهد، در مقابل بی‌حوصلگی‌های طبیعی‌ای که جانباز ممکن است داشته باشد، بی‌حوصله نشود، خیلی اجر بالایی پیش خدای متعال دارد. من به خانم‌ها - همسران شما جانبازان - می‌توانم این عرض را بکنم که خدای متعال مژده می‌دهد به شما به‌خاطر عظمت این کاری که انجام می‌دهید؛ این واقعاً یک جهاد و یک حماسه است.^{۱۱}

ضرورت حفظ ثروت معنوی عظیم جانبازی

هم شما جانبازان عزیز، هم خانم‌ها، هم فرزنداتان و وابستگانتان و کسانی که در پذیرایی از شما سهمی دارند و نقشی دارند، سعی کنند این ثروت معنوی عظیم را حفظ کنند. بدانید که گاهی با غفلت ما، ثروت‌های بزرگی که در اختیار ماست، از دستمان می‌رود. اگر غفلت بکنیم، بی‌توجهی کنیم، به اقتضای این شأن معنوی و الهی عمل نکنیم، آنچه در اختیار ماست به عنوان این ثروت معنوی، از بین می‌رود؛ باید مراقب بود. خداوند به همهٔ ما توفیق بدهد تا بتوانیم این موهبت‌های الهی را - که بعضی از موهبت‌ها موهبت‌های مادی است، بعضی موهبت معنوی است - انشاء‌الله حفظ کنیم و شکرگزار اینها باشیم.^{۱۱}

اهتمام به نقش تربیتی قرآن و اسلام

وعده تخلف‌ناپذیر الهی

بدانيد که خدای متعال پشتیبان شماست؛ در این هیچ تردید نکنيد که «انْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُم».(محمد ۷ «اگر خدا را یاری کنید، یاری قان می‌کند.») همت ما باید این باشد که «انْ تَنْصُرُوا اللَّهَ» را تأمین کنیم؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با «انْ تَنْصُرُوا اللَّهَ»، دنبالش «ینصر کم» حتماً وجود دارد؛ وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. این حرکت را دنبال کنید، این کار را دنبال کنید؛ این جذیت‌ها را دنبال کنید؛ آینده مال شماست. دشمنان اسلام و مسلمین، هم در منطقهٔ غرب آسیا شکست خواهند خورد، هم در مناطق دیگر؛ هم در زمینهٔ امنیتی و نظامی شکست خواهند خورد، هم به توفیق الهی در زمینه‌های اقتصادی و در زمینه‌های فرهنگی؛ به شرط اینکه ما کار کنیم. اگر ما پابه رکاب باشیم، اگر ما به درستی و به معنای واقعی کلمه حضور داشته باشیم، پای کار باشیم، قطعاً دشمن شکست خواهد خورد؛ در این هیچ تردیدی وجود ندارد.^{۱۷}

ویژگی‌های پاسداری

راه سپاه، راه دستیابی به رضوان الهی

راهی که شما[سپاه پاسداران انقلاب اسلامی] در پیش دارید، راه طولانی، دشوار و بسیار ارزشمندی است. خب! راه‌های زندگی زیاد است؛ همه دارند زندگی می‌کنند، همه دارند نان درمی‌آورند، کار می‌کنند - کارهای مباح، کارهای مستحب، کارهای حرام - اما این راهی که شما انتخاب کردید، راه بی‌نظیری است؛ جواهر است در قبال خاک و خاشاک و سنگ‌ریزه‌ها؛ راه مهمی است. از جمله آن راه‌های زندگی است که تاریخ را می‌سازد، ملت‌ها را سربلند می‌کند، کشورها را نجات می‌دهد، آینده‌ها را می‌سازد و برتر از همه، رضوان الهی و بهشت اخروی و دنیوی را نصیب شما می‌کند؛ این راه، یک چنین راهی است. خب! طبعاً به موازات اهمیت این راه، خستگی‌ها و دشواری‌ها و خار و خاشاک‌ها هم در این راه زیاد است؛ نیرو لازم دارد، نشاط لازم دارد؛ این اعمال، این توجهات، آن نشاط را در شما به وجود می‌آورد. از معنویت، از توسل، از خشوع غافل نباشد. هر دقیقه تصرع در مقابل پروردگار، یک ذخیره ارزشمندی در دل انسان به وجود می‌آورد.^۹

تدابیر آموزشی

• پیوند علم و ایمان در مراکز آموزش

پیوند علم و ایمان در مراکز آموزش

لزوم تقویت ایمان، شجاعت و دانش

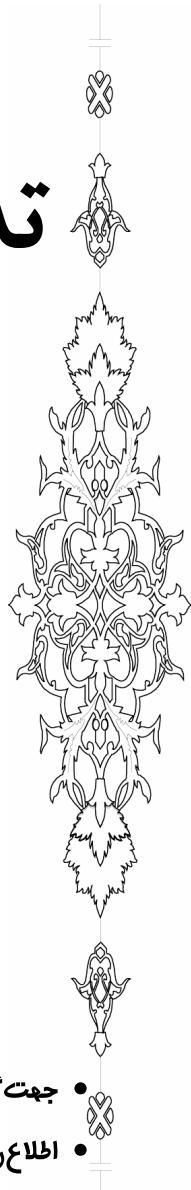
در دانشجویان

از جمله بر جستگی های یک نیروی مسلح عبارت است از ایمان و شجاعت و دانش. این سه عنصر از جمله عناصر بسیار مهم در تشکیل هویت یک نیروی مسلح است. اگر شجاعت نباشد،

نیروی مسلح به وظیفه خود در هنگامه خطر عمل نخواهد کرد؛ یعنی قادر نخواهد بود. اگر ایمان نباشد، نیروی مسلح روحیه ضعیف‌کشی پیدا خواهد کرد. شما می‌بینید ابزارهای جدید نظامی که به کاربرنده آن هیچ خطرپذیری ندارد؛ سوار هوایپما می‌شود، می‌آید مردم بی‌پناه یمن را، بازار را، مسجد را، مجلس عروسی را، مجلس عزادرای را، محل کسب‌وکار را بمباران می‌کند؛ یعنی وقتی روحیه ایمانی نبود، وقتی خدا در بین نبود، فرق نمی‌کند که ابزار خونبار و مرگ‌افرین خود را بر سر چه کسی بربزد، با چه کسی به‌وسیله این ابزار جنگاوری کند. در میدان خطر، آنجایی که باید وجود انسان و هویت انسان خود را نشان بدهد، غایب‌اند اما در مواجهه با مظلومان، با بی‌پناهان، با بی‌سلاح‌ها شجاعاند؛ در آنجایی که باید نیروی خود را نشان بدهند، غایب‌اند اما آنجایی که طرف مقابل، انسان بی‌دفاعی است، دم از شجاعت می‌زنند با هوایپما و موشک و بقیه ابزارهای مرگ‌آور! ما که با ابزارهای جنگی مرگ‌افرین

عمومی مثل سلاح اتمی، سلاح شیمیایی مخالف هستیم، به خاطر همین است؛ قابل تمیز نیست.

معروف است که امیر المؤمنین علیه الصّلاة و السّلام در جنگ‌ها حتّی آینده این طرف مقابل خود را در نظر می‌گرفت، آنوقت شمشیر را فرود می‌آورد؛ با حساب و با کتاب. وقتی ایمان نبود آنجور است، وقتی شجاعت نبود، آنجور است؛ وقتی دانش نبود، ابزارهای در اختیار، در مقابل ابزارهای شیاطین کُند خواهد بود؛ اینها همه لازم است. شما جوانید، نورچشم ما هستید، عزیزان ما هستید، آینده هم مال شماست، این کشور هم مال شماست؛ هرچه می‌توانید این عناصر اصلی را در خودتان تقویت کنید؛ ایمانتان را، شجاعتنان را، ابتکار تحقیقاتی خود را، دانش‌آموزی و دانش‌پژوهی خود را تقویت کنید. این ارتش هم متعلق به شماست؛ چند صباح دیگر شما سکاندار این مجموعه عظیم خواهید بود؛ هر کدام در بخشی، در نقطه‌ای.^{۱۴}



تداپیر فرهنگی و هنری

- جهت‌گیری فعالیتهای هنری و تبلیغی
- اطلاع‌رسانی و تبیین
- مقابله با تهاجم فرهنگی

جهت‌گیری فعالیت‌های هنری و تبلیغی

مدیریت فرهنگ

بر مبنای شعارها و مبانی انقلاب

مسئولین فرهنگی کشور ... حساسیت این حقیر را نسبت به مسئله فرهنگ می‌دانند. گاهی اوقات مشکلات فرهنگی موجب شده که من شب خوابم نبرده؛ به خاطر مسائل فرهنگی؛ یعنی اهمیت مسائل فرهنگی این جور است.

دو کار اساسی و اصلی است که باید انجام بگیرد:

- ۱- تولیدات فرهنگی سالم در زمینه‌های مختلف،
- ۲- جلوگیری از تولیدهای مضر و به اصطلاح متاع و کالای مضر فرهنگی؛ به نظر من این جزو کارهای اساسی است. در همه دنیا مراقبت از محصولات فرهنگی و کتاب و مانند اینها وجود دارد؛ کجای دنیاست که وجود نداشته باشد؟ یکجا را به من نشان بدهید. این خانم ابتکار اینجا حاضر است؛

خود ایشان به من گفت کتابی که ایشان نوشته بود، در آمریکا امکان چاپ پیدا نکرد؛ هیچ ناشری حاضر نشد – نه اینکه آن ناشر آن قدر تعصّب داشته باشد؛ نه، اگر کتاب پروفروشی باشد، هر ناشری می‌آید این کار را انجام بدهد؛ بلکه از ترس و از مراقبت – تا بالاخره در کانادا مثلاً فرض کنید یک ناشری را پیدا می‌کند و آن ناشر، آن هم به نظرم با ترس و لرز چاپ کرد یا نکرد؛ چون تفاصیلش را چند سال پیش ایشان می‌گفت، شاید جزئیاتش یادم نماند. اینها را بگویید تا این آقایان بدانند و بفهمند که این جور نیست که اگر ما جلوی کتاب را گرفتیم، فقط آقای جتّی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) است که این کار را می‌کند؛ نخیر، در آمریکا هم همین کار می‌شود، در اروپا هم همین کار می‌شود. راجع به هولوکاست کسی جرأت ندارد حرف بزند؛ خب! هولوکاست که یک مسئله اعتقادی نیست. بله، وقتی نوبت به کاریکاتورهای اهانت‌آمیز به مقدسات دینی اسلام می‌رسد، آنجا آقایان می‌شوند آزادی‌خواه و طرفدار آزادی بیان! اما راجع به هولوکاست که پیش می‌آید، نه؛ آزادی بیان وجود ندارد. مسئله حجاب همین جور

است، مسائل ديگر همین جور است؛ بله، هر کشوری يك اصولي دارد که اين اصول باید مراقبت بشود و دستگاه‌های حاكمیتی باید اين اصول را رعایت کنند؛ رودربایستی ندارد. اگرچنانچه می‌بینيد فلاں تئاتر، فلاں فيلم، فلاں كتاب، فلاں نشریه با مبانی انقلاب و مبانی اسلام مخالف است، جلویش را بگیرید و با آن برخورد بکنید. حالا چگونه برخورد بکنید، آن يك بحث ديگر است، آن مربوط به دستگاه‌هاست و نگاه کنيد ببینيد مقرراتتان چه می‌گويد؛ لكن رودربایستی نکنيد و اين را صريح بگويند. پس بنابراین خوراک فرهنگی سالم و جلوگیری از خوراک فرهنگی ناسالم و مضر، اساس کار است.

رهاسازی فرهنگ اصلاً جاييز نیست. مدیریت فرهنگ يك کار بسيار لازم است؛ و مدیریت هم باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد؛ يعني مراقبت بشود آنچه اصل است، اين است که مبانی انقلاب و مبانی استقلال کشور امام و مانند آينها باید محفوظ باشد. اين هم مطلب دوم که جزو اولويت‌هایی است که به نظر من در اين برهه است.^۱

ضرورت اجرای دقیق و عالمنانه راهبردها

تعريف و تدوین یک تفکر مبنایی و اصولی ...
به عنوان پایه همه تولیدات و برنامه‌ها رسانه ملی
برای پیگیری محسوس‌تر و هنرمندانه وظایف
خود، ضروری است. ... راهبردهایی که در آغاز
مسئولیت آقای سرافراز به رسانه ابلاغ شده است.
... همه این راهبردها باید دنبال و برای اجرای آنها
برنامه‌ریزی دقیق و عالمنانه شود که البته در برخی
موارد کارهای خوبی شده است.^{۱۸}

صدا و سیما قرارگاه مقدم مقابله با جنگ نرم
سازمان صدا و سیما ... یک سازمان فرا قوه‌ای
است ... رسانه ملی، رسانه نظام و کشور و انقلاب
است. ... صدا و سیما قرارگاه مقدم و فعال مقابله
با جنگ نرم است و مدیران و کارکنان رسانه ملی،
سرداران و سربازان این جنگ نرم هستند.^{۱۹}

اطلاع‌رسانی و تبیین

لزوم پخش گزارش‌ها از صداوسیما

لازم می‌دانم از اعضای محترم دولت، به خصوص از رئیس‌جمهور محترم تشکر کنم و تقدیر کنم به‌خاطر زحماتی که می‌کشید. گزارش‌های امروز گزارش‌های خوبی بود، و خیلی مناسب است که این گزارش‌ها منعکس بشود، مردم بشنوند از شما. از جناب آقای سرافراز (رئیس سازمان صداوسیما) درخواست می‌کنیم که با صدای خود آقایان این گزارش‌ها را پخش کنید، یعنی مردم از آقای نعمت‌زاده، از آقای زنگنه، از آقای چیت‌چیان، از بقیه برادرها، آن کارهایی را که انجام گرفته بشنوند. این خیلی خوب است؛ یعنی مردم خاطرجمع بشوند که برادرها دارند کار می‌کنند، دارند زحمت می‌کشند، همه سرگرم‌اند.^۱

طرح اقدامات مثبت و در دسترس مردم

همواره در ذهن همه ما باید باشد که آن چیزی را بیان بکنیم که وقتی مردم به واقعیت زندگی خودشان نگاه می‌کنند، تصدیق کنند آن را، یعنی ببینند که واقعاً همین جور است. من آن وقتی که آفای دکتر هاشمی این طرح سلامت را مدتی بود شروع کرده بودند، عمدتاً از بعضی‌ها سؤال کردم؛ از مراودین و کسانی که از آحاد مردم - خویشاوند، دوست، گاهی در سفر مشهد، در جایی دیگر - دیدم مردم احساس کردند این را، یعنی می‌گفتند بله، ما مثلاً بیمارستان رفتیم این جوری بود؛ خب! این خیلی خوب است. بعضی از کارها از دسترس مردم دور است و اینها را مردم نمی‌بینند، آثار ثانویه آن به آنها خواهد رسید لکن بعضی از کارها هست که در اختیار مردم است؛ یک چنین چیزهایی را بایستی مطرح کرد. آنچه حالا من عرض می‌کنم، آرامش نسبی و ثبات نسبی در مسئله اقتصاد محسوس است؛ این را همه گزارش می‌کنند، به ما هم که از جاهای مختلف گزارش می‌رسد، می‌گویند که این وجود دارد. این یکی از امتیازات است که نوسانات تندری مهار شده و وجود ندارد در عرصه اقتصاد، که خب! باید این را مراقبت کرد که

محفوظ بماند.^۱

مقابله با تهاجم فرهنگی

الزمات حضور تأثیرگذار در فضای مجازی

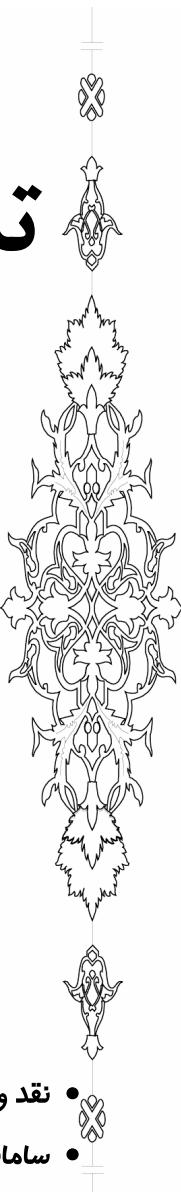
فضای مجازی به عنوان یک قدرت نرم فوق العاده در عرصه‌های مختلف از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد، سبک زندگی، ایمان، اعتقادات دینی و اخلاقیات، تأثیرگذاری گسترشده[دارد]... با گسترش روزافرون و پرسرعت پدیده عظیم و بی‌نظیر فضای مجازی ... باید با استفاده از توانایی‌ها و استعدادهای جوان کشور و با سیاستگذاری صحیح و اقدامات سنجیده و هماهنگ و بدون از دست دادن زمان به سمت خروج از حالت انفعال در عرصه فضای مجازی، و حضور فعال و تأثیرگذار و تولید محتوای اسلامی متقن و جذاب حرکت کنیم. ... لزوم طراحی مناسب و دقیق برای حفظ حریم امنیت فکری و اخلاقی جامعه در این عرصه[مورد تأکید] است. ... این شورا[شورای عالی فضای مجازی] مرکز اصلی سیاستگذاری آگاهانه، مسئولانه و مقتدرانه در خصوص فضای مجازی است. ... لازمه حضور فعال و تأثیرگذار در فضای مجازی، «تمرکز در تصمیم‌گیری»، «جدیت در اجرا بدون از دست دادن زمان»، «هماهنگی میان دستگاه‌ها» و «پرهیز از موازی کاری و تعارض» است.^۶

خنثی‌سازی توطئه‌های فرهنگی در حال اجرا

باید در کشور کار بشود. ... این مفاهیم بالارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.

خب! البته با تظاهرات بیرونی، بخشی از این مقصود انجام می‌گیرد، یعنی من مخالف نیستم با پرده‌نویسی و تندیس و سردیس و اسم خیابان مانند اینها - اینها چیزهای خوبی است؛ اینها لازم است، بیش از خوب - لکن اینها اصلاً کافی نیست؛ اینها یک بخش خیلی کوچکی از آن کاری است که باید انجام بگیرد. کار را عمقی انجام بدھید؛ سعی کنید اثر بگذارید بر روی ذهن‌ها؛ مخاطبان خود را اقناع کنید با سخنان درست خودتان. این کار، فکر کردن لازم دارد. اصحاب فکر، مردمانی که دارای قدرت تفکر هستند و مسائل را می‌فهمند، همراه با اصحاب هنر، کسانی که هنر ارائه دارند، هنر تبلیغ دارند - از نقاش و شاعر و فیلم‌ساز و نویسنده و امثال اینها - باید

همه با هم دست به دست هم بدهند، محصول کار چيزی از آب دربيايد که بر روی ذهن مخاطبين اثر بکند. يعني آن توطئه‌اي را که الآن دارد اجرا می‌شود - نه اينکه دارد برنامه‌ريزي می‌شود؛ برنامه‌ريزي اش خيلي قبل شده؛ الآن دارد در كشور اجرا می‌شود - ختنی بکند. اين کار، هم به عهده دولتی‌هاست، هم به عهده مردمان مؤمن است، هم مسئولین رسمي، هم مسئولین غير رسمي؛ هر کسی که تعهدی دارد، در اين زمينه باید فعالیت کند. يك قلم کار همین کار شماست؛ يعني کار احياء مفهوم شهادت و ارزش شهادت و ارزش شهید. در اين جهت انشاء الله حرکت کنيد، خدای متعال هم کمک خواهد کرد.^{۱۶}



تداپیر

مدیریتی

- نقد و پاسخگویی
- ساماندهی و همگایی درون سازمان
- جهت‌گیری در مدیریت

نقد و پاسخگویی

گزارش پیشرفت کار به مردم

پیشرفت کار را به مردم گزارش بدهید؛ ببینید واقعاً چه اتفاقی می‌افتد! شما شش ماه مثلاً فرض کنید به همین شکلی که ما گفتیم، یعنی این برنامه وقتی تدوین شد، این ستاد[ستاد فرماندهی] تشکیل بشود و شش ماه فعالیت کند؛ کار به صورت چشمگیری پیش خواهد رفت؛ بعد بباید همان را به مردم بگویید؛ بگویید این کارها را کردیم، آن کارها را کردیم؛ مردم در زندگی خود احساس می‌کنند؛ آن امید و خوشبینی به آینده که شما می‌خواهید در مردم باقی بماند، به طور کامل تأمین خواهد شد؛ یعنی به مردم گزارش داده بشود. و البته تعیین شاخص‌هایی هم برای ارزیابی باید باشد.^۱

ساماندهى و همگرايى درون سازمان

تشكيل ستاد قوى، هوشمند و نافذالكلمه

در بخش عملياتى كارها

قدم بعدى[در بخش عملياتى كارها] اين است که يک ستاد قوى و هوشمند و نافذالكلمه تشکيل بشود. ... يک ستادى لازم است - مثل ستادهای فرماندهى که ما در دوره جنگ داشتيم ... يک ستاد فرماندهى لازم دارد که به طور دائم رصد کند، نگاه کند، بینند کدام دستگاه توانسته و پیش رفته، کجا مشکل وجود دارد. چون حرف زدن آسان است، برنامه‌ریزی هم خيلي مشکل نیست، ولی عمل کردن با اينها فرق دارد؛ خب! آدم بخواهد در ميدان وارد بشود و پیش برود، گاهی اوقات يک موانعی پیش می‌آيد که قبلًا پیش‌بینی نشده، بعضی پیش‌بینی هم شده لكن موانعی است که پیش می‌آيد؛ بايستى آن ستاد بتواند به صورت ضربتى آن موانع را برطرف کند، راه را باز کند و پیش برود؛ و نافذالكلمه باشد، يعني باید گوش کنند ... هرچه آن ستاد گفت، واقعاً همه آن حرف را پذيرند.^۱

جهت‌گيري در مدرييت

ضرورت الگوپذيری از اخلاص

و روحیه خدمتگزاری شهیدان رجائی و باهنر

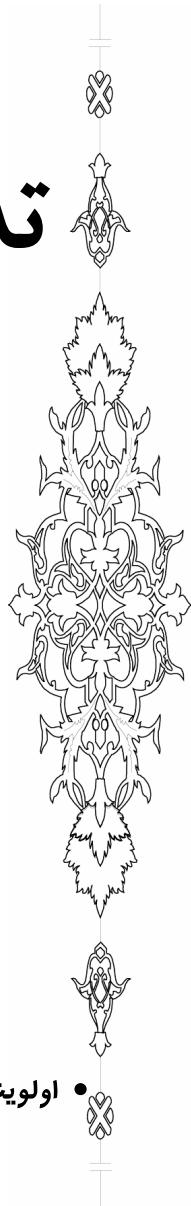
خب! زمان تغيير پيدا مى‌کند؛ جريان گوناگون فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و مانند اينها هم مى‌آيد و مى‌رود - طبيعت زمانه اين است - تحولاتي در ذهن‌ها، در فكرها به وجود مى‌آيد لكن يك اصول ثابتی وجود دارد که اين اصول را بايستی همواره در نظر داشت. برای ما مسئولين در نظام مقدس جمهوري اسلامي، اين اصول ثابت را مى‌توان در شخصيت اين دو مرد عزيز و بزرگوار جستجو کرد و يافت. خب! ما با اينها به خصوص با مرحوم باهنر، سال‌های متماطي مأنوس بوديم، با مرحوم رجائی هم همين‌جور؛ از قبل از انقلاب تا دوران مسئوليت‌ها و در مجلس و بیرون مجلس؛ واقعاً خصوصياتي داشتند که ما اينها را بايستی از ياد نبريم. به نظر من ايمانشان به اين راه، به اين اهداف، اهدافي که امام ترسيم کرده و جمهوري اسلامي مظهر آن اهداف است، شاخص خيلي مهم است؛ اخلاصشان؛

روحie خدمتگزاری‌ای که در اينها وجود داشت که واقعاً شب و روز نمي‌شناختند و برای خدمتگزاری کار می‌كردند.

روحie مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن؛ راههایی باز کردن - خب ما به حکم مسئولیت یک محصور بودن‌هایی داریم، یک محدودیت‌هایی داریم - که گذرگاهی باشد برای تماس با متن زندگی مردم. من به آفای رئيس جمهور هم چندبار تا حالا گفته‌ام که اين سفرهای استانی خيلي چيز خوبی است، اين يکی از آن کارهای بسیار مثبت است، به دولت‌های قبل هم همین سفارش را من همیشه می‌کردم؛ يکی از راهها این است؛ رفتن به خانه مردم، رفتن منزل شهدا - که حالا الحمد لله اين کار تا حدودی باب شده و کار خوبی است - راهی برای تماس‌های گوناگون مردم؛ اينها خيلي مهم است. اين کارها روحie مردمی بودن و شناخت مردم را در انسان حفظ می‌کند و نگه می‌دارد. وقتی اين نباشد، انسان از حال جامعه غافل می‌شود و همیشه نگاهش به کلیات است؛ مثل کسی که با هواپیما دارد از روی

یک شهری عبور می‌کند؛ بله، کلیت شهر را انسان بهتر از کسی که پایین است می‌بیند، اما اینکه داخل این کوچه‌ها، داخل این خیابان‌ها چه خبر است، داخل خانه‌ها چه خبر است، در مغازه‌ها چه خبر است، مراجعه‌کنندگان چه کسانی هستند، اینها را آن کسی می‌فهمد که برود در این کوچه‌ها راه برود؛ حالا همان مقدار محدودی که ممکن هست؛ مردمی بودن خیلی مهم است.

برای خودشان از مقامی که داشتند، کیسه ندوخته بودند؛ این یکی از چیزهای مهم است. این جور نباشد که ما فکر کنیم حالا که یک مسئولیتی داریم، این را وسیله‌ای قرار بدھیم برای تأمین آینده؛ همچنان‌که در مسئلان بسیاری از کشورهای دنیا این هست و این را وسیله‌ای قرار می‌دهند برای اینکه در آینده در هیئت‌مدیره فلان شرکت عضو باشند، در فلان مرکز مالی حساس سهم داشته باشند. پاییندی به مبانی انقلاب و امثال اینها؛ اینها خصوصیت این دو شخصیت بود؛ اینها را باید در نظر داشته باشیم و خودمان را با اینها تطبیق بکنیم.^۱



تداپیر

طرح و

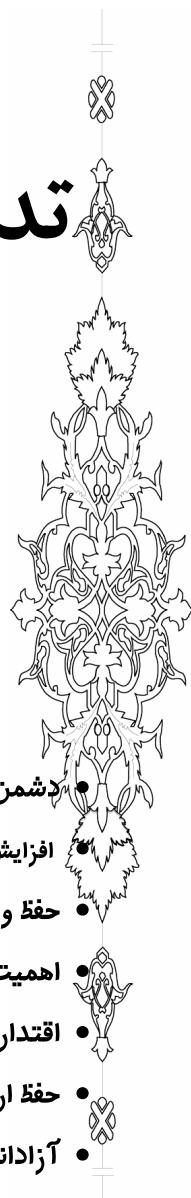
برنامه‌ای

- اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

اولویت‌بندی و جهت‌گیری طرح‌ها و برنامه‌ها

برنامه‌ریزی و تقسیم‌بندی کارها

رفته بودیم یکی از استان‌ها - به نظرم سفر همدان بود - آنجا دوستان ما که می‌رفتند بررسی می‌کردند، اطلاع دادند به ما که کشاورزی‌های مناطق گوناگون آن استان رونق خیلی خوبی دارد؛ وقتی پرسیدند، معلوم شد که جوان‌های مهندس کشاورزی را اینها به کار گرفته‌اند و آن استان خوشبختانه زیاد هم داشت. رفته‌اند آنجا و به اینها کمک کرده‌اند، حرف اینها را گوش کرده‌اند؛ این کمک می‌کند به این کار. این یک برنامه‌ریزی می‌خواهد؛ خیلی کار سختی هم نیست؛ یک فراخوان می‌خواهد، یک شناسایی می‌خواهد، یک برنامه‌ریزی می‌خواهد، یک تقسیم‌بندی می‌خواهد و این کارها را می‌توانید انجام بدھید که از اینها استفاده بشود.^۱



تدایر سیاسی و اجتماعی

- دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن
- افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی
- حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام
- اهمیت و سلامت انتخابات
- اقتدار ملی
- حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب
- آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف
- حضور در صنعت‌ها و عرصه‌های اجتماعی

دشمن‌شناسی و شناخت شیوه‌های دشمن

ستیزه‌جویی استکبار جهانی با منظومه فکری انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی یک منظومه فکری دارد.

اهمیت این انقلاب و علت اینکه این انقلاب زلزله در دنیا ایجاد کرد، این نبود که یک حکومتی را سرنگون کرد؛ نه، علت این بود که یک منظومه فکری نو را به دنیا عرضه کرد و امروز هم همچنان در اکناف عالم، این منظومه فکری در حال پیشرفت است. ... نتیجه این نگاه‌های فکری، [منظومه فکری انقلاب اسلامی] این است که ملت خودباوری پیدا می‌کند که امروز ملت ما این خودباوری را پیدا کرده. این خودباوری در کشور ما بحمدالله روزبه روز هم زیاد شده است. با اینکه دائمًا مانع ایجاد کرده‌اند، مدام بر سرش زده‌اند، مدام جلویش گرفته شده به انحصار مختلف، اما خوشبختانه خودباوری در کشور ما روزبه روز رو به رشد است. خودباوری هست، آزادی فکری هست، آزادی عملی هست - یعنی آزادی فردی نه با منطق آزادی فردی غربی و آمریکایی؛ آنها ضد آزادی است؛ آزادی به معنای حقیقی کلمه - سبک

زندگی اسلامی هست، نوآوری هست، همافزایی هست، اتحاد ملی هست. اینها چیزهایی است که با داشتن آن تفکرات، اینها در ذهنیت جامعه، در عمل جامعه، در واقعیت جامعه تحقق پیدا می‌کند و همه اینها در جهت ارزش‌های اسلامی است. خب! اینها یک ملت را رشد می‌دهد. وقتی در یک ملتی، نگاه فکری مستقلی بود، اعتماد به نفس ملی وجود داشت، ابتکار وجود داشت، نوآوری وجود داشت، تلاش و کار وجود داشت، وحدت کلمه بین همه نیروها وجود داشت، حرکت مستمری وجود داشت، این خصوصیات موجب می‌شود که یک ملت رشد پیدا کند. و ملت ما رشد پیدا کرده خوشبختانه. و البته موانع زیاد بوده که عرض می‌کنم.

شما تصوّر کنید آن روزی را که ایران در پیشرفت‌های مادی در سطح کشورهای پیشرفته امروز باشد؛ از لحاظ علم، از لحاظ فناوری، از لحاظ ثروت‌آفرینی. یک کشوری با این خصوصیات: با علم پیشرفته، با صنعت پیشرفته، با یک جمعیت ۱۵۰ میلیونی یا ۲۰۰ میلیونی، و با برخورداری از معنویت، یعنی دنبال سلطه نیست، دنبال زورگویی نیست، دنبال تحمیل حرف خودش به دیگران نیست، به مظلومین کمک می‌کند، و در مقابل گنده‌گویی‌های زورگوهای دنیا می‌ایستد؛ یک

کشور این جوری را تصوّر کنید؛ ببینید این چقدر برای استکبار جهانی سنگین است! همه تلاشی که امروز می‌شود در مواجهه با جمهوری اسلامی، برای این است که چنین روزی پیش نیاید؛ برای این است که این آینده برای جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند: یک کشور پیشرفتنه و دارای همه شاخص‌های پیشرفته‌ی مادی و در عین حال برخوردار از معنویت، برخوردار از صفاتی معنوی، برخوردار از سبک زندگی اسلامی، برخوردار از برادری، وحدت ملی، هم‌افزایی ملی و بدون تعددی و تجاوز به دیگران؛ می‌خواهند چنین روزی برای ایران اسلامی پیش نیاید و همه فعالیت‌ها، همه تلاش‌ها، همه توطئه‌ها برای یک‌چنین چیزی است؛ دعوا این است. دعوا بر سر این است که اگر یک کشور اسلامی با این خصوصیات به وجود بیاید، بساط استکبار برچیده است، بساط کفر برچیده است. کشوری که بتواند این جور پیشرفت بکند، این جور ظواهر مادی را برای خودش تأمین بکند، در عین حال متکی به خدای متعال، ذاکر الله، شاکر الله، عابد الله، ساجد الله و در مقابل احکام الهی تسلیم و خاضع، می‌دانید چه جاذبه‌ای، چه مغناطیسی در دنیا درست می‌کند و چگونه دل‌های ملت‌ها را جذب می‌کند! می‌خواهند این پیش نیاید؛ دعواها سر این است.

اگر با پیشرفت علمی ما مقابله می‌کنند، اگر با حضور سیاسی ما در کشورها مقابله می‌کنند - که صریحاً می‌گویند که ایران در منطقه نفوذ دارد، در کشورها نفوذ دارد، روی ملت‌ها نفوذ دارد - اگر این فشارهای اقتصادی را وارد می‌کنند، برای این است که چنین وضعی پیش نیاید؛ چنین روزی پیش نیاید.

نقاطه مقابلش ما هستیم؛ ما ملت ایران، ما جوان‌ها، ما اهل ابتکار، ما علمای دین، ما روشنفکران دانشگاهی. ما هستیم که باید در مقابل این حرکت، آن حرکت اساسی خودمان را حول محور همان منظومه فکری پیش ببریم. باید همه تلاش کنند، همه کوشش کنند، همه کار کنند و همه بدانند دشمن می‌خواهد چه کار کند؛ حواسشان همه جمع باشد. این آن حسّاستی است که من می‌خواهم در همه مسئولین کشور به وجود بیاید، بدانند که دشمن در چه کار است؛ بدانند که هدف دشمن چیست؛ با لبخند دشمن، با احیاناً یک مساعدت کوتاه‌مدت دشمن در یک امری، در یک مسئله‌ای، یا فرض کنید مساعدتی که در یکجا کرد، یک همراهی‌ای کرد، یک کلمه حرفی احیاناً - که خیلی هم بعید است - به نفع جمهوری اسلامی بر زبان آورد، به این حرف‌ها ما فریب نخوریم؛ بدانیم دشمن چه کار می‌خواهد بکند.^۳

نقش عوامل آمریکایی

در حوادث پر خاطره شهریور ماه

خاطرات شهریور ماه هم خاطرات پرمعنا و پرمغزی است. ... هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷، یعنی چند ماه به پیروزی انقلاب، در همین میدان شهدای تهران، عوامل رژیم طاغوت مردم بی‌پناه را به رگبار مسلسل بستند و تعداد زیادی - که هنوز هم برای ما معلوم نیست لکن تعداد کثیری بودند - از مردم را در آن میدان به قتل رساندند. در همین ماه شهریور، ترور ناجوانمردانه رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر کشور - مرحوم شهید رجائی و مرحوم شهید باهنر - اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور، ترور شهید آیت‌الله قدوسی - دادستان کل کشور - اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور، شهادت امام جمعهٔ تبریز (آیت‌الله شهید سید‌اسد‌الله مدنی) به‌دست منافقین اتفاق افتاد. در همین ماه شهریور - روز آخر شهریور - حملهٔ نظامی رژیم بعضی صدام به کشور اتفاق افتاد. اینها خاطرات عجیبی است، پرمعنا است، پرمغز است. در همهٔ این حوادث، رژیم آمریکا پشت قضیه بود؛ عوامل آمریکایی بودند که یا به‌طور مستقیم کمک کردند یا تشویق کردند یا حداقل چشمنشان را بر این

^۸ جنایات بستند.

دشمنی تمام‌نشدنی آمریکا

بعد از قضیه «برجام» و این توافقی که سرنوشت آن هم اینجا و آنجا درست معلوم نیست، الان همین حالا در کنگره آمریکا علیه ایران مشغول توطئه‌اند؛ خبرهایی که به ما می‌رسد، نشان می‌دهد که همین حالا یک عده‌ای در داخل کنگره آمریکا مشغول طراحی مصوبه‌ای هستند برای اذیت کردن و برای ایراد درست کردن و برای مشکل فراهم کردن برای جمهوری اسلامی ایران؛ دشمنی اینها این‌جور است؛ تمام‌شدنی نیست.

این دشمنی‌ها ادامه پیدا می‌کند؛ تا کی ادامه پیدا می‌کند؟ تا وقتی شما قوی بشوید، تا وقتی ملت ایران آنچنان قوی بشود که دشمن مأیوس بشود از تهاجم سیاسی یا امنیتی یا نظامی یا اقتصادی یا تحریم و غیرذلک. باید ما قوی بشویم؛ باید در داخل، خودمان را قوی کنیم.^۸

ضرورت توجه به اغواگری شیطان بزرگ

و مقابله با نفوذ دشمن

امام بزرگوار فرمود: آمریکا شیطان بزرگ است؛

(صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۸۹؛ سخنرانی درباره توطئه آمریکا ۱۳۵۸/۸/۱۴)

این «شیطان بزرگ» خیلی حرف پرمغزی است.

رئیس همه شیطان‌های عالم، ابلیس است؛ اما ابلیس

بنا به تصریح قرآن، تنها کاری که می‌تواند بکند این

است که انسان‌ها را اغواء می‌کند؛ بیشتر از اغواه،

کاری نمی‌تواند بکند؛ انسان‌ها را اغواء می‌کند، فریب

می‌دهد، وسوسه می‌کند؛ اما آمریکا، هم اغواه

می‌کند، هم کشتار می‌کند، هم تحریم می‌کند، هم

فریب می‌دهد، هم ریاکاری می‌کند؛ پرچم حقوق

بشر را بلند می‌کند، ادعای طرفداری از حقوق بشر

می‌کند اما هر چند روز یک بار در خیابان‌های

شهرهای آمریکا یک بی‌گناهی، یک بی‌سلاحی به

دست پلیس آمریکا به خاک و خون می‌غلتند؛ غیر از

بقیه جنایات و فجایعشان. این هم رفتارشان در ایران

در دوران رژیم طاغوت و جنگ‌آفرینی‌هایشان،

جنگ‌افروزی‌هایشان، به راه انداختن جریان‌های

جنگ‌افروز از قبیل همین‌هایی که حالا در عراق و

سوریه و بقیه جاها مشغول خرابکاری هستند؛ اینها کارهای آمریکاست. حالا بعضی‌ها اصرار دارند این شیطان بزرگ را با این خصوصیات - که از ابلیس بدتر است - بزرگ کنند و به شکل فرشته وانمود کنند. چرا؟ دین به کنار، انقلابی‌گری به کنار؛ وفاداری به صالح کشور چه می‌شود؟ عقل چه می‌شود؟ کدام عقلی و کدام وجودانی اجازه می‌دهد که انسان قدرتی مثل قدرت آمریکا را به عنوان دوست، به عنوان مورد اعتماد، به عنوان فرشته نجات انتخاب بکند؟ اینگونه هستند؛ حقیقت امر این است. بله، خودشان را می‌آرایند؛ با ظاهر اتوکشیده، با کراوات، با ادکلن، با ظواهر به ظاهر چشمگیر، خودشان را در چشم افراد ساده‌لوح جور دیگری جلوه می‌دهند؛ حقیقت رژیم آمریکا اینهاست. این در مورد ماست؛ در مورد کشورهای دیگر هم همین جور است. ملت بزرگ ایران این شیطان بزرگ را از کشور بیرون کرد؛ نباید بگذاریم دوباره برگردد؛ نباید بگذاریم از در رفت، از پنجه برگردد؛ نباید اجازه بدھیم نفوذ پیدا کند؛ دشمنی اینها تمام نمی‌شود.^۸

مذاکره، بهانه‌ای برای نفوذ و تحمیل خواسته‌ها

آمریکا دشمنی خودش را پنهان هم نمی‌کند. بله، تقسیم وظایف می‌کنند؛ یکی لبخند می‌زند، یکی مصوبهٔ علیه جمهوری اسلامی تهیه می‌کند و دنبال می‌کند؛ این به‌نحوی تقسیم وظایف است. دنبال چیزی به نام مذاکره با ایران‌اند؛ اما مذاکره بهانه است، مذاکره وسیله برای نفوذ است، مذاکره وسیله برای تحمیل خواسته‌است. ما فقط در قضیهٔ هسته‌ای به دلایل مشخصی که مکرر هم این دلایل را ذکر کرده‌ایم، موافقت کردیم بروند مذاکره کنند؛ خب! مذاکره کردند. بحمدالله مذاکره‌کنندگان ما هم در این عرصهٔ خوب ظاهر شدند؛ اما در عرصه‌های دیگر ما اجازهٔ مذاکره ندادیم و با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم؛ با همهٔ دنیا ما مذاکره می‌کنیم، اما با آمریکا نمی‌کنیم. ما اهل مذاکره‌ایم، اهل تفاهمیم؛ هم مذاکرات در سطح دولت‌ها، هم مذاکرات در سطح اقوام، هم مذاکرات در سطح ادیان؛ ما اهل مذاکره‌ایم و با همهٔ مذاکره می‌کنیم جز با آمریکا؛ و البته رژیم صهیونیستی به‌جای خود محفوظ که اصل وجود رژیم صهیونیستی، وجود نامشروع و دولت جعلی است.^۸

موضع آمریکا در برابر نظام مردم‌سالار

و رژیم‌های مستبد و موروثی منطقه

نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردم‌سالار به معنای واقعی است. خب! دشمن البته حرف می‌زند؛ آمریکایی‌ها و عوامل تبلیغاتی شان دائمًا علیه انتخابات ما به شکل‌های مختلف حرف می‌زنند. آمریکایی‌ها ۲۵ سال در دوران رژیم طاغوت، در ایران حضور داشتند، اما مجلس‌های شورای فرمایشی و مسخره آن روز، یک بار مورد انتقاد آمریکایی‌ها قرار نگرفت. اگر به تاریخ مراجعه کنید و قضایای انتخابات دوران محمد رضا را بخوانید – و قبل از آن هم بدتر از آن، دوران رضا شاه – اول که انگلیس‌ها در اینجا مسلط بودند و بعد هم آمریکایی‌ها مسلط شدند، یک بار به این انتخابات فرمایشی نمایشی مسخره اعتراض نکردند؛ الآن هم به رژیم‌های مستبد و دیکتاتور و وراثتی‌ای که در این منطقه هست، یک کلمه اعتراض نمی‌کنند، اما به ایران که این جور پشت سر هم انتخابات انجام گرفته است و همه ارکان نظام – از رهبری نظام و رئیس جمهوری نظام، تا نمایندگان مجلس، تا نمایندگان خبرگان، تا نمایندگان شوراهای شهری – به وسیله مردم انتخاب می‌شوند، دائم اعتراض می‌کنند، اشکال می‌کنند،^۸ ایرادهای دروغین می‌کنند.

زمینه‌های نفوذ دشمن و وظیفه اساسی خبگان

امروز نفوذ دشمن، یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذاند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم اهمیت‌ترین هم نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست. اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم اهمیت است. نفوذ امنیتی، عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون - از جمله خود سپاه - جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان شاء الله می‌گیرند.

در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواطن باشند که دشمنان نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنجاهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجاهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملت‌ها مثل یک بختکی (کابوس) سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد! اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفت‌منطقه ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد، به من گفت: آقا! ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گذا! راست

می‌گفت. فلان سرمایه‌دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده می‌کند این کشور را به زانو دربیاورد: سرمایه خودش را می‌کشد بیرون یا تصرفاتی می‌کند که اقتصاد آن کشور به زانو دربیاید. این هم البته خیلی مهم است؛ اما در قبال اقتصاد فرهنگی، اقتصاد سیاسی، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی اهمیتش، کمتر است و از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است.

دشمن سعی می‌کند در زمینه فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جایه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به وجود بیاورد. خرچ‌ها می‌کنند؛ میلیاردها خرج می‌کنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است.

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آنوقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور می‌شوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده آنها است؛ آنها هم همین را می‌خواهند. آنها دوست

نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بگنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. هدف این است که در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی نفوذ کنند؛ زیرا جاهایی هست که تصمیم‌سازی می‌کند. اینها کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.

اگر چنانچه ما بیدار باشیم، امید آنها نامید خواهد شد. آنها منتظر نشسته‌اند که یک روزی ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران خوابش ببرد؛ منتظر این هستند! و عده‌می‌دهند که ده سال بعد، ایران آن ایران نیست و دیگران هم که دیگر کاری نمی‌کنند! تصوّر شان این است. نباید گذاشت این فکر و این امید شیطانی در دل دشمن پا بگیرد؛ باید آن چنان پایه‌های انقلاب و فکر انقلابی در اینجا مستحکم باشد که مُردن و زنده بودن این و آن و زید و عمرو، تأثیری در حرکت انقلابی این کشور نگذارد؛ این وظيفة اساسی نخبگان سپاه و همه نخبگان انقلابی این کشور است.^۹

عقب‌نشینی استکبار

با مشت کوبنده انسان‌های مؤمن

امروز در دنیا سرمایه‌داران بزرگ، کمپانی‌داران بزرگ، جهان‌خواران، قدرت‌طلبان، با مجھّز شدن به علم و دستگاه‌های تبلیغاتی، بر سیاست دنیا دارند. زورگویی می‌کنند و حکمرانی می‌کنند؛ هر ملت مستقلی که بخواهد بایستد، مورد دشمنی اینها است. بعضی از کشورها می‌ایستند، بعضی‌ها اندکی می‌ایستند، بعضی‌ها طاقت می‌آورند؛ بعضی‌ها بالاخره طاقت نمی‌آورند؛ ایران اسلامی نشان داد پرطاقت است، آگاه است، بصیر است، برای هویت خود احترام قائل است، برای بشریت هم احترام قائل است. ایستادگی در مقابل استکبار، احترام به بشریت است؛ احترام به همه ملت‌ها و همه انسان‌هاست. البته دندان نشان می‌دهند لکن مشت کوبنده انسان‌های مؤمن می‌تواند آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ همیشه همین‌جور بوده است، بعد از این هم ^{۱۴} همین‌جور خواهد بود.

مقابله با حمله همه جانبی دشمن

ما مواجهیم با یک حمله همه جانبی فرهنگی و اعتقادی و سیاسی اعلام نشده؛ یعنی شما حالا که من دارم می‌گوییم، قاعده‌تاً از من قبول می‌کنید لکن اطلاع ندارید از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ بنده اطلاع دارم از آنچه دارد اتفاق می‌افتد؛ من دارم می‌بینم چه دارد اتفاق می‌افتد؛ لشکر فرهنگی دشمن و لشکر سیاسی دشمن با همه ابزارهایی که برایشان ممکن بوده، حمله کرده‌اند به ما برای سست کردن اعتقادات دینی ما، سست کردن اعتقادات سیاسی ما، تقویت نارضایی‌ها در داخل کشور، جذب جوان‌ها به خصوص جوان‌های فعال و اثرگذار در سطوح مختلف برای مقاصد خودشان؛ دارند کار می‌کنند. خب! در مقابل اینها کارهایی دارد انجام می‌گیرد؛ بچه‌های حزب‌الله‌ی، مردمان مؤمن، مسئولان با تعهد کارهای خوبی دارند انجام می‌دهند لکن بیش از اینها باید در کشور کار بشود. یکی از قلم‌های مهم، همین است که این مفاهیم بالارزش مثل مفهوم جهاد، مفهوم شهادت، مفهوم شهید، مفهوم خانواده شهید، مفهوم صبر برای خدا، احتساب لله باید زنده بماند.^{۱۶}

نفوذ! هدف آمریکا از مذاکره با ایران

یک عده‌ای در قضیه مذاکره و مسئله مذاکره سهل‌انگاری می‌کنند، سهل‌اندیشی می‌کنند، مطلب را درست نمی‌فهمند. حالا بعضی‌ها بی‌خيال‌اند - بی‌خيالان جامعه، که هرچه پیش بباید، برایشان اهمیتی ندارد. مصالح کشور از بین برود، منافع ملی نابود بشود - که حالا با آنها کاری نداریم. اما بعضی بی‌خيال هم نیستند. لکن سهل‌اندیش‌اند، عمق مسائل را نمی‌فهمند. وقتی صحبت مذاکره می‌شود، می‌گویند: آقا! شما چرا با مذاکره با آمریکا مخالفت می‌کنید؟ خب! امیرالمؤمنین هم مذاکره کرد با فلان‌کس، امام حسین هم مذاکره کرد. خب! اینها نشان‌دهنده سهل‌اندیشی است، نشان‌دهنده نرسیدن به عمق مسئله است. این جور نمی‌شود مسائل کشور را تحلیل کرد؛ با این نگاه عامیانه و ساده‌اندیشانه نمی‌شود به مصالح کشور رسید. اولًاً امیرالمؤمنین که با زبیر یا امام حسین که با ابن‌سعد حرف می‌زند، او را نصیحت می‌کند؛ بحث مذاکرة به معنای امروزی نیست؛ مذاکرة امروزی یعنی معامله، یعنی یک چیزی بده، یک چیزی بگیر. امیرالمؤمنین با زبیر معامله می‌کرد که یک چیزی بده، یک چیزی بگیر؟! امام حسین با ابن‌سعد معامله می‌کرد که یک چیزی بده یا یک چیزی بگیر؟!

هدف این بود؟ تاریخ را این جور می‌فهمید؟ زندگی ائمه را این جور تحلیل می‌کنید؟ امام حسین رفت نهیب زد، نصیحت کرد، گفت: از خدا بترس! امیرالمؤمنین زبیر را نصیحت کرد، خاطره زمان پیغمبر را یادش آورد و گفت از خدا بترس! اتفاقاً اثر هم کرد، زبیر خودش را از جنگ کنار کشید. امروز مذاکره به این معنا نیست؛ برای اینکه ما با آمریکا که شیطان بزرگ است، باید مذاکره کنیم یک عده‌ای واقعاً با نگاه سهل‌اندیشانه و عوامانه و بدون فهمِ حقیقت حال مثال می‌آورند و در روزنامه می‌نویسند، در سایت می‌نویسند و در سخنرانی می‌گویند که چرا امیرالمؤمنین با زبیر مذاکره کرد، شما با آمریکا مذاکره نمی‌کنید؟ یعنی این قدر اشتباه در فهم مسئله وجود دارد! این که حالا به این معنا مذاکره نبود.

ثانیاً ما با مذاکره با همان معنای امروزی مخالفتی نداریم؛ ما الان با همه دنیا داریم مذاکره می‌کنیم. ما با دولت‌های اروپایی مذاکره می‌کنیم، با دولت‌های آمریکایی لاتین مذاکره می‌کنیم؛ همه اینها مذاکره است؛ ما با مذاکره مسئله‌ای نداریم. معنای اینکه می‌گوییم با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم این نیست که با اصل مذاکره مخالفیم؛ نه! با مذاکره با آمریکا مخالفیم. این یک علتی دارد، این را انسان هوشمند باید بفهمد که چرا؟! والا با دیگران هم که مذاکره می‌کنیم، آنچنان دوستان یقه‌چاک ما که نیستند - بعضی از

آنها دشمن‌اند، بعضی بی‌تفاوت‌اند، با آنها مذاکره می‌کنیم مشکلی هم نداریم – اما مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، یعنی نفوذ!! تعریفی که آنها برای مذاکره کردند این است و آنها می‌خواهند راه را برای تحمیل باز کنند. امروز غول عظیم تبلیغاتی دنیا در مشت آمریکاست؛ امروز جریان صهیونیستی به شدت دشمن بشریت و دشمن فضیلت، با آمریکا، هر دو در یک لباس‌اند، دستشان از یک آستین می‌آید بیرون و با هم هستند. مذاکره با اینها یعنی راه را باز کردن برای اینکه بتوانند، هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه‌های سیاسی و امنیتی کشور نفوذ کنند.

در همین مذاکرات مربوط به مسائل انرژی هسته‌ای، هرجا فرصت پیدا کردند و میدان به آنها داده شد – که البته طرف‌های ایرانی بحمدالله حواسشان جمع بود اما یک جاهایی بالاخره آنها فرصت‌هایی پیدا کردند – یک نفوذی کردند، یک حرکت مضرّ برای منافع ملّی انجام دادند؛ آنچه ممنوع است این است. مذاکره با آمریکا ممنوع است به خاطر ضررهاي بيشماری که دارد و منفعتی که اصلاً ندارد؛ اين فرق می‌کند با مذاکره با فلان دولتی که نه چنین امکاناتی دارد، نه چنان انگیزه‌ای دارد؛^{۱۷} اينها با همدیگر متفاوت است، اين را نمی‌فهمند.

تأمین امنیت منطقه خلیج فارس

و شناخت طبیعت دشمن

اینکه در منطقه خلیج فارس سعی همه کسانی که از این موجود منحوس و شوم، یعنی صدام، حمایت می‌کردند و دفاع می‌کردند، همین‌ها یی که مدعی حقوق بشرند، ... سعی‌شان این بود که خلیج فارس را برای جمهوری اسلامی نامن کنند. این اهمیت امنیت خلیج فارس را نشان می‌دهد. نشان می‌دهد که چقدر این امنیت مهم است که دشمنی آنها با این هدف بود که این منطقه را برای ایران که بیشترین ساحل را در این منطقه آبی دارد - خلیج فارس و دریای عمان - نامن کنند.

حضور جوان‌های انقلابی و سپاه پاسداران و نیروی دریایی و تشکیل این نیرو و ورود در عرصه، موجب شد که دریا برای خود آنها نامن شد. به ناوشنان صدمه خورد، به بالگردشان صدمه خورد، به نفتکش‌شان صدمه خورد؛ فهمیدند جمهوری اسلامی آن موجودی نیست که بتوانند با سرنوشت او هرجور می‌خواهند بازی کنند؛ این اقتدار معنوی نظام جمهوری اسلامی است. اینکه قرآن به ما امر می‌کند:

وَ أَعْدُوا لَهُم مَا أَسْتَطَعْتُم مِّنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ (انفال ۶۰) «هرچه در توان داريد از نير و
واسپهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان
را بترسانید.» بايست حضور شما، وضعیت شما، حرکت
شما جوری باشد که دشمن را دچار رعب کند.
دشمن، متجاوز بالطبع است؛ طبیعت جهان خواران
تجاوز است، جلو آمدن است، تصرف است، پنجه
انداختن است، طبیعت اینهاست؛ اگر خاکریز شما
قابل نفوذ باشد، نفوذ می کند؛ باید جوری حرکت کنید
که او احساس کند نمی تواند نفوذ کند. تشکیل جبهه
انقلابی در جنوب کشور و حضور نیروهای انقلاب در
قالب نیروی دریایی سپاه و بچه های استان های ساحلی
- این جوان های شجاع، این جوان های دل به دنیا نداده -
موجب شد که این هدف قرآنی حاصل بشود: «تُرْهِبُونَ
بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ این باید همیشه استمرار داشته
باشد. بارها ما گفته ایم که ما شروع کننده جنگ
نخواهیم بود؛ دلایل خودمان را داریم برای این کار؛
هیچ جنگی را ما شروع نمی کنیم اما باید جرأت شروع
جنگ را از دشمن گرفت، دشمن را باید شناخت،
طبیعت دشمن را باید شناخت.^{۱۷}

ضرورت بیدارباش

در برابر آماج‌های دشمن

مشکل کنونی کشور متأسّفانه به خاطر وجود آدم‌های بعضًا بی‌خیال و بعضًا سهل‌اندیش است که البته معدوداند، اقلیّت‌اند؛ در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعال‌اند: می‌نویسند، می‌گویند، تکرار می‌کنند؛ تکرار می‌کنند! دشمن هم به اینها کمک می‌کند. امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی - که البته ما از آنها اطلاع داریم و حواس ما هست که چه کار دارند می‌کنند - همین است که محاسبات مسئولین را تغییر بدھند و افکار مردم را دست‌کاری بکنند و اینها را در ذهن جوان‌های ما جا بیندازند؛ چه افکار انقلابی، چه افکار دینی، چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است. آماج اصلی هم جوان‌ها هستند؛ در چنین وضعیتی، جوان‌های کشور خیلی باید بیدار باشند. الحمد لله بیدارند؛ هم دانشگاه‌های ما بیدارند، هم نیروهای مسلح ما بیدارند و

سازمان‌های نظامی ما - هم ارتش، هم سپاه، هم بسیج، هم نیروی انتظامی - بحمدالله پای کاراند؛ بنده از این جهت هیچ نگرانی‌ای ندارم. خطاب من به شما بچه‌های انقلاب، جوان‌های انقلاب که بحمدالله در یکی از مسائل مهم کشور، یعنی امنیت دریا سهیم و فعال هستید، این مضمون است که اهمیت کار خودتان را امروز بفهمید و بدانید. همان‌طور که در مباهله همه ایمان در مقابل کفر قرار گرفت، امروز، همه ایمان در نظام جمهوری اسلامی در مقابل کفر قرار گرفته است؛ و همان‌طور که معنویت و صفا و اقتدار معنوی پیغمبر اکرم و خانواده‌اش توانست دشمن را از میدان خارج کند، به فضل الهی و به حوال و قوّة اللهی ملت ایران با اقتدار خود و با معنویت خود دشمن را از میدان خارج خواهد کرد.^{۱۷}

تغییر و دستکاری باورها آماج اصلی جنگ نرم

جنگ نرم برنامه‌ریزی شده، گسترده و همه‌جانبه نظام سلطه با جمهوری اسلامی است. ... در این کارزار جدی ... مخاطبان اصلی جنگ نرم، مردم به ویژه نخبگان، دانشگاهیان، دانشجویان، جوانان و عناصر فعال هستند. ... مردم ما باورهای اعتقادی درخصوص دین، خانواده، مسئله «زن و مرد»، استقلال، مقابله با بیگانه، مردم‌سالاری اسلامی و مسائل گوناگون فرهنگی دارند. ... آنها بدنبال تأثیرگذاری بر مردم و تغییر طیف وسیعی از باورهای آنان به ویژه جوانان و نخبگان هستند که باورهای اعتقادی دینی، سیاسی و فرهنگی مردم از جمله این باورهاست. ... و طرف مقابل تلاش دارد این باورها را دستکاری کند و یا تغییر دهد.^{۱۸}

افزایش بصیرت، قدرت تحلیل و هدایت سیاسی

نگرانی‌ها و دغدغه‌ها از قرار گرفتن در داخل نقشهٔ طراحی شده دشمن یک نکته‌ای را من در این مسئله هسته‌ای و تمام شدن مسئله هسته‌ای در ذهنم هست که جزو نگرانی‌های من است، جزو دغدغه‌های بندۀ است و آن این است که ما توجه کنیم به هدف‌هایی که دشمنان صریح جمهوری اسلامی در ذهن خودشان دارند می‌پرورانند و کارهایی که می‌خواهند انجام بدهند. مسلم است که دشمنی‌های دشمنان جمهوری اسلامی از اوّل انقلاب تا حالا کاسته نشده؛ بله، یک جاهایی دشمنی‌ها و اعمال دشمنی مهار می‌شود - در این شکّی نیست - لکن این به معنای این نیست که دشمنی‌ها کم شده. اعتقاد ما این است که دشمنی رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی یا دولت ایالات متحده آمریکا با ما از اوّل تا حالا هیچ کم نشده؛ البته هر کدام به یک دلیل؛ رژیم صهیونیستی به یک دلیل با ما دشمنی دارد، آمریکایی‌ها به یک دلیل دیگری است، منتها همان اندازه آنها هم با ما بندۀ، آنها هم با ما دشمن‌اند، و این دشمنی کاسته نشده؛ همان

کارهایی که از روز اوّل انقلاب می‌کردند، امروز هم می‌کنند؛ متنها خب! کارها تطور پیدا کرده، شیوه‌های کاری آنها تحول پیدا کرده؛ پیشرفت پیدا کرده؛ یکوقت یک جور دشمنی می‌کردند، ضربه می‌زدند، حالا با ابزار دیگری، با وسیله دیگری؛ این را نباید از نظر دور داشت. این را مطلقاً همهٔ مسئولین مختلف - فقط مخصوص وزارت خارجه و آقای دکتر ظریف نیست؛ دستگاه‌های مختلف، دستگاه‌های اقتصادی، دستگاه‌های فرهنگی - توجه داشته باشند که ما در داخل نقشهٔ طراحی شدهٔ دشمن قرار نگیریم و بازی نکنیم؛ که فلان تصمیمی که ما می‌گیریم، چه در زمینهٔ سیاست، چه در زمینهٔ اقتصاد، چه در زمینهٔ تجارت، چه در زمینهٔ فرهنگ، کمک بکند به آن بسته تعیین شدهٔ دشمن که برای خودشان هست. ما از حرف‌های اینها و از نوشه‌جات اینها و از اظهارات گوناگونشان می‌توانیم مقاصدشان را بفهمیم؛ یعنی اینکه بندۀ دارم می‌گوییم دشمنی، نه اخبار از غیب و نه خواب دیدن و نه تخیلات و توهّمات است؛ نه، واقعیت‌هایی است که جلوی چشم ماست. ممکن است اظهارات آنها جور دیگری باشد اماً واقعیت‌های

خارجی - آنچه محسوس و ملموس ماست - همان دشمنی را نشان می‌دهد و شاخص‌های دشمنی است؛ متنها با شیوه‌های خاص خودش. حالا ما در مقابل این دشمنی باید چه کار بکنیم، آن بحث دیگری است اما دشمنی را فراموش نکنیم؛ حرف من این است. وقتی که شما از یاد نبردید که یک جبهه‌ای روبروی شماست، پشت سنگر نشسته‌اند، سلاح‌هایشان را آماده کرده‌اند، آنوقت به اقتضا عمل می‌کنید؛ یک وقت نگاه می‌کنید، می‌بینید لازم است تیراندازی کنید [یا] لازم است ساکت بشوید [یا] لازم است داخل سنگر بروید [یا] لازم است از سنگر بیرون بیایید؛ آنها بحث‌های بعدی است؛ عمدۀ این است که فراموش نکنیم که در مقابل ما یک جبهه‌ای وجود دارد - جبهه دشمن - که بنای بر دشمنی دارد. البته این خطاب فقط به مسئولان دولتی نیست؛ همه آحاد مردم، بهخصوص عناصر دلسوز انقلاب و کسانی که آماده خدمت به انقلاب هستند، بایستی مورد توجه‌شان باشد؛ متنها مسئولیت دولتمردان در این زمینه طبعاً بیشتر است و بیش از دیگر وفاداران به انقلاب است.^۱.

اهمیت استقلال فکری ارکان نظام و ضرورت

عدم توجه به کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه

مجلس خبرگان بایستی استقلال فکری داشته باشد که حالا عرض می‌کنم این استقلال فکری بر چه مبنایست. عمدۀ این است که اسیر کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه نباید بشود. یک تفکراتی، یک مفاهیمی از سوی تبلیغات پُر حجم نظام سلطه، به طور شباهنروزی در سرتاسر عالم دارد پراکنده می‌شود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل این است که ما باید اسیر نشویم. این سفارش فقط به مجلس خبرگان نیست، این سفارش به همه مسئولان کشور است، به همه ارکان نظام است بلکه سفارش به همه صاحب‌نظران است - صاحب‌نظران سیاسی، صاحب‌نظران اجتماعی، صاحب‌نظران دینی - که مراقب باشند: «وَ انْ تُطِعِ الْكَثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكُ عَنْ سَبِيلِ اللهِ»؛ (انعام ۱۱۶) و اگر از بیشتر کسانی که در این سرزمین می‌باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند.» این را بدانند. این جور نیست که چون حالا با یک حجم عظیمی از تبلیغات بر روی یک موضوعی تمرکز می‌کنند، تکیه می‌کنند، تکرار می‌کنند، با زبان‌های مختلف آن را بیان می‌کنند، ناچار ما هم

بایستی هم‌رنگ جماعت بشویم و همان را مطرح کنیم، همان را تکرار کنیم؛ نه، ما خودمان مبانی داریم، ما فکر داریم.

استکبار در صدد آن است که کلیشه‌های مورد نظر خودش را به همه مردم دنیا تحمیل کند؛ هم به آحاد ملت‌ها، هم بالخصوص به مسئولان و مؤثران کشورها؛ یعنی دولت‌ها، نمایندگان مجالس، تصمیم‌گیران، تصمیم‌سازان، به قول خودشان اتفاق‌های فکر، به همه اینها می‌خواهند آن کلیشه‌های خودشان را تحمیل کنند و آن را وارد ذهن آنها و فضای ذهنی آنها بکنند. مایل‌اند همه، جهان را از منظر آنها ببینند؛ مفاهیمی را که آنها بر روی آن تکیه می‌کنند، با همان رویکرد آنها، با همان نگاه آنها تشخیص بدھند و بشناسند. این رویکرد رویکرد سلطه‌طلبانه است؛ با این رویکرد سلطه‌طلبانه مفاهیمی را یا جعل می‌کنند یا دست‌کاری می‌کنند و معنا می‌کنند و مایل‌اند همه، طبق معنای آنها این مفاهیم را بفهمند و به کار بگیرند و در ادبیات‌شان از آنها استفاده کنند. فرض بفرمایید تروریسم یک مفهومی است که استکبار آن را در یک معنای خاصی به کار می‌برد؛ یا حقوق بشر یا

دموکراسی. فرض بفرمایید که شش ماه بمباران یمن و کوییدن خانه‌ها و مدارس و بیمارستان‌ها و مانند اینها تروریسم نیست؛ مکرّر در مکرّر حمله کردن به مناطق فلسطینی‌ها در غزه و غیر غزه و کشتن صدھا بلکه هزارها کودک و زن و مرد بی‌گناه و انسان بی‌دفاع تروریسم نیست؛ اینکه مردم بحرین می‌گویند که ما هر نفر در داخل این کشور یک رأی داشته باشیم، این ربطی به حقوق بشر ندارد، این مطالبه حقوق بشر نیست؛ اما دفاع نیروهای مقاومت در فلسطین و لبنان تروریسم است؛ گروه‌هایی که در لبنان یا در فلسطین مقاومت می‌کنند، با اشغالگر می‌جنگند، از سرزمین خودشان و از خانه خودشان دفاع می‌کنند، اسمش تروریسم است! آنچه در کشورهای مستبد دنیا – که جزو اطرافیان و حلقة نزدیک سلطه و آمریکا در این منطقه محسوب می‌شوند – می‌گذرد، ضد حقوق بشر نیست؛ اما فرض کنید مجازات مجرمی که اعتراف به جرم کرده و می‌کند یا مجازات یک اخلاق‌گری که دھا یا صدھا یا هزارها نفر را در یک کشور معتماد می‌کند به مواد مخلّر، می‌شود ضد حقوق بشر! اینها این جوری هستند؛ یعنی مفاهیم را خودشان معنا می‌کنند؛

می خواهند آن جور که خودشان معنا می کنند، دیگران هم آن جور بفهمند و با ادبیات آنها حرف بزنند. ترور دانشمندان هسته‌ای تروریسم نیست - در حالی که صهیونیست‌ها تقریباً به صراحة اعتراف کردند که کار آنها بود؛ بعضی از کشورهای اروپایی تقریباً اعتراف کردند به اینکه آنها پشتیبان این کار بودند - و اصلاً جزو تروریسم محسوب نمی شود و محکوم کردن لازم ندارد؛ اما یک حادثه خیلی کوچک‌تر از این که فرض کنید در لبنان یا در یک جای دیگری اتفاق می افتد، برایش جلسه شورای امنیت تشکیل می دهند! یعنی نگاه آنها به مسائل جهانی این است؛ مفاهیمی را دست کاری می کنند، مفاهیمی را وضع می کنند، یک فهمی را به طور مستبدانه نسبت به یک مفهومی ابراز می کنند و توقع دارند همه دنیا از جمله ما در جمهوری اسلامی بر طبق فهم آنها بفهمیم، از منظر آنها ببینیم، بر طبق ادبیات آنها حرف بزنیم؛ این را از ما انتظار دارند؛ این یکی از نشانه‌ها و مظاهر واضح سلطه و استکبار است؛ در حالی که خود انقلاب اسلامی یک منظومه فکری دارد.^۳

شکسته شدن شیشه عمر استکبار

با پیشرفت‌های جمهوری اسلامی

امروز البته دشمن، استکبار جهانی است.

استکبار جهانی هم یک امر موهم نیست؛ یک امر واقعی است و دارای مصاديق روشنی است؛ آمریکا بزرگ‌ترین مصدقاش است و پشت سر هیئت حاکمه آمریکا، کمپانی‌ها و تراست‌ها و کارتل‌ها و سرمایه‌داران جهان‌خوار غالباً صهیونیست هستند که در همه‌جا هم گسترده‌اند؛ مخصوص آمریکا هم نیست؛ در اروپا هم اینها به‌شدت نفوذ دارند، در بعضی جاهای دیگر هم همین‌جور؛ این معنای استکبار است. شیشه عمر این استکبار با یک چنان حرکت اسلامی شکسته خواهد شد که پیدایش این حرکت با انقلاب اسلامی انجام گرفته، ادامه آن با جمهوری اسلامی و تداوم حرکت جمهوری اسلامی در خط انقلاب تأمین شده، و آینده هم همین‌طور دارد پیش می‌رود. چیزهایی را انسان مشاهده می‌کند که واقعاً انسان امیدوار می‌شود. گاهی این نمایشگاه‌های پیشرفت‌های گوناگون را

در بخش‌های مختلف، می‌آورند پيش ما - بعضی‌ها يش اعلام‌شدنی است که اعلام می‌شود، بعضی‌ها هم اعلام‌شدنی نیست که اعلام نمی‌شود ولی ما از نزدیک می‌بینیم - واقعاً دستان این جوان‌های ما دستان معجزه‌گر است. جوان‌های کم‌سال، با انگیزه، با ایمان، با توانایی، با قابلیت، با روحیه خوب، و آنوقت با توکل به خدا، با صلوات، با نماز، با توجه، با خواندن آیه قرآن، کارهای بزرگی را دارند انجام می‌دهند، کارهای خوبی را دارند انجام می‌دهند؛ و انشاء الله این پیشرفت‌ها در انتظار جمهوری اسلامی است.^۳

ضرورت توجه به مسائل بعد از برجام

اماً مسائل بعد از برجام، به نظر ما برخی از مسائل هست که اینها را مسئولین کشور - که البته ما با برادران عزیز و صمیمی خودمان در دولت هم اینها را در میان می‌گذاریم و گذاشته‌ایم، برای اطلاع آقایان هم عرض می‌کنیم - باید مورد توجه قرار بدهند:

۱- اولاً اگرچه به‌ظاهر در مقابل ما شش دولت‌اند اماً در واقع آن که فعال است یک دولت است؛ و آن دولت آمریکاست که به‌طور کامل در این مسئله وارد میدان است و مشغول عرق ریختن و فعالیت کردن و تلاش کردن هستند. مسئولین آمریکایی خیلی بد حرف می‌زنند؛ باید تکلیف این حرف‌ها روشن بشود؛ بالاخره یک طرف قضیه ما هستیم، یک طرف هم آمریکایی‌ها هستند. یکبار می‌گویند که چارچوب تحریم‌ها حفظ خواهد شد؛ پس ما نشسته‌ایم این چند وقت، برای چه صحبت کرده‌ایم؟ صحبت کردیم که چهارچوب تحریم‌ها برداشته بشود، تحریم‌ها برداشته بشود. قرار است که چارچوب تحریم‌ها حفظ بشود! حالا من نمی‌دانم معنای «چارچوب تحریم‌ها حفظ بشود» چیست؟ ممکن است باز این را هم یک جور معنا کنند اماً آنچه از این حرف برمی‌آید، درست مخالف آن

علتی است که ما رفتیم برای مذاکره؛ والاً ما چرا مذاکره کنیم! ما داشتیم کار خودمان را می‌کردیم؛ نوزده هزار سانتریفیوژ ما درست کرده بودیم، می‌توانستیم در مدت نه چندان بلندی آن را برسانیم به پنجاه هزار سانتریفیوژ یا شصت هزار سانتریفیوژ؛ هیچ مشکلی برای ما وجود نداشت که این کار را بکنیم؛ سوخت بیست درصد را تولید می‌کردیم، می‌توانستیم ادامه بدھیم؛ تحقیق و توسعه را انجام می‌دادیم، همچنان به همان شکل و با همان سرعت می‌توانستیم انجام بدھیم؛ و همچنین بقیه چیزها را. اینکه نشستیم مذاکره کردیم، در بعضی از موارد کوتاه آمدیم، یک امتیازاتی دادیم، عمدتاً برای این بود که تحریم‌ها برداشته بشود؛ اگر بناست تحریم‌ها برداشته نشود، پس معامله‌ای وجود ندارد، دیگر اصلاً این معنا ندارد. مسئولین این را باید مشخص کنند و نگویند که مثلاً او برای قانع کردن رقبای داخلی خودش این حرف را می‌زند. بله، دعوایی که در آمریکا هست، دعوای واقعی است؛ بنده عقیده ندارم که دعوای صوری و ظاهری است، واقعاً اختلاف دارند، علت اختلافشان هم برای ما روشن است؛ لکن به هر حال آنچه رسماً گفته می‌شود، پاسخ

لازم دارد؛ اگر پاسخ داده نشود همان ثبیت خواهد شد. این یک مطلب است.

۲- نکته دوم این است که اینها راجع به همان بخشی از تحریم‌ها هم که اظهار می‌کنند که برداشته خواهد شد، می‌گویند تعلیق یا متوقف می‌شود؛ مسئله ما این نبوده. مشخص است که تحریم‌های اقتصادی باید برداشته شود؛ گفتم هم فوراً! حالا «فوراً» را معنا کردند، ما هم حرفی نزدیم، اشکال ندارد؛ دوستان ما در اینجا آن «فوراً» را به یک شکلی معنا کردند، یک ترتیبی برایش انتخاب کردند، ما هم مخالفتی نکردیم. لکن بالاخره تحریم‌ها باید برداشته بشود، توقف تحریم نداریم، تعلیق تحریم نداریم؛ اگر آنها تعلیق می‌کنند، خب! پس ما هم اینجا تعلیق می‌کنیم، اگر این جور است ما اقدام اساسی روی زمین چرا انجام بدهیم؛ بنابراین منظور لغو تحریم‌هاست. البته در بعضی از موارد گفتند که لغو دست دولت آمریکا که طرف مذاکره ماست، نیست؛ آنها را گفتند که متوقف می‌کنیم و از حقوق قانونی خودمان استفاده می‌کنیم و کارهایی از این قبیل؛ اما آن چیزهایی که دست خود دولت آمریکاست یا آنچه دست دولت‌های اروپایی است، آنها به طور کامل باید برداشته شود.

۳- مطلب دیگر این است که آنها در اظهاراتشان

حرف‌هایی می‌زنند که به‌کلی خارج از مقوله توافق هسته‌ای و مانند این حرف‌هاست؛ یک چیزهایی که به‌کلی دور از این حرف‌هاست. آقایان و خانم‌ها در مجموعه هیئت حاکمه آمریکا مثل انگلیسی‌های قرن نوزدهم حرف می‌زنند؛ یعنی از دنیا و از تاریخ، واقعًا دو قرن عقب‌اند! یک‌جوری حرف می‌زنند که فرض کنید لرد گُرزوُن (لرد جرج گُرزوُن وزیر امور خارجه بریتانیا در سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ میلادی) در یک زمانی در خلیج فارس نسبت به ایران یا نسبت به منطقه حرف می‌زد؛ حرف‌زدن‌شان این‌جوری است؛ دنیا فرق کرده. امروز ابرقدرت‌ها چنین قدرتی ندارند، چنین توانایی‌ای ندارند، عرضه یک چنین کاری را ندارند؛ بعد هم طرف، جمهوری اسلامی است؛ طرف، فلان کشور عقب‌افتاده فلان قاره نیست که شما هم هرچه که دلتان بخواهد بگویید؛ نخیر، جمهوری اسلامی است، با توانایی‌هایی که خود شما بعضی از این توانایی‌ها را می‌شناسید، بعضی را هم که نمی‌شناسید ممکن است در هنگام عمل بشناسید؛ این‌جوری نیست که بنشینند مرتب تهدید بکنند؛ این‌جوری حرف می‌زنند: از جمله حرف‌هایی که می‌زنند این است که ما انتظار داریم که مسئولین جمهوری اسلامی یا دولت

جمهوری اسلامی، کاری متفاوت انجام بدهد! متفاوت یعنی چه؟ متفاوت از چه؟ متفاوت از گذشته جمهوری اسلامی؟ نخیر، چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد؛ متفاوت، یعنی از ارزش‌های اسلامی عبور کردن، یعنی پاییندی به احکام اسلامی را از دست دادن؛ معنای متفاوت از نظر آنها این است؛ چنین اتفاقی نمی‌افتد. نه دولت، نه مجلس، نه مسئولین مطلقاً چنین کاری را نمی‌کنند و اگر کسی هم بخواهد چنین کاری را بکند، مردم از او قبول نمی‌کنند، نظام جمهوری اسلامی قبول نمی‌کند و چنین چیزی معنی ندارد. منظورشان از متفاوت این است که ایران وارد چارچوب سیاست‌های آمریکا در این منطقه بشود؛ آمریکا در این منطقه سیاست‌هایی دارد، نظراتی دارد. یکی از این نظرات این است که بایستی نیروهای مقاومت این منطقه به کلی محو بشوند، نابود بشوند؛ یکی از نظراتشان این است که بایستی دولت آمریکا بر کشورهای عراق و سوریه و بقیه اینها تسلط کامل داشته باشد؛ نظرات آنها اینهast، کارهایی که می‌خواهند انجام بدهند همین کارهایی است که به این چیزها منتهی می‌شود. آنها توقع دارند که مسئولین ما، دولت ما و سیاست‌مداران ما در جهت این سیاست‌ها عمل کنند؛ چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد.

از جمله حرف‌هایی که می‌زنند و ما را حساس می‌کند، این است که می‌گویند برجام فرصت‌هایی را - هم در داخل ایران و هم در بیرون از ایران و در منطقه - در اختیار آمریکا قرار داده؛ این را آمریکایی‌ها می‌گویند و جزو حرف‌های آنهاست. عرض من به دولت‌مان در دولت و در مسئولیت‌های گوناگون این است که اجازه این فرصت‌طلبی را در داخل مطلقاً به آمریکا ندهید؛ در خارج هم تلاش کنید که این فرصت‌ها در اختیار آمریکا قرار نگیرد. هرچه آنها به این فرصت‌های خودشان نزدیک بشوند، یقیناً ذلت ملّت‌ها و عقب‌ماندگی و محنت کشورها از آنجا شروع خواهد شد، مطلقاً باید اجازه داده بشود که اینها در داخل کشور از فرصت‌هایی استفاده کنند. ما این را گفته‌ایم و اعلام کرده‌ایم که در هیچ مسئله‌ای جز مسئله هسته‌ای با آمریکایی‌ها طرف صحبت نمی‌شویم؛ هم به مسئولین سیاست خارجی‌مان گفته‌ایم، هم به بقیه مسئولین گفته‌ایم که داخل نمی‌شویم. علت هم همین است که جهت‌گیری آنها درست نقطه مقابل جهت‌گیری ماست، ۱۸۰ درجه ما با هم تفاوت داریم.

یک بخش این قضیه است.^۳

حاکمیت مطلق آمریکا بر رژیم شاه

یک کشتار دیگری مثل کشتار هفدهم شهریور، در هشتم بهمن در همین میدان انقلاب در اینجا اتفاق افتاد که غالباً بی توجه به آن هستند؛ عوامل رژیم افتادند به جان مردم. از خاطرات این ژنرال آمریکایی (ژنرال رابرت هایزر) که در روزهای آخر عمر رژیم گذشته برای نجات رژیم به تهران آمده بود، نقل کردند؛ او می گوید من ژنرالهای شاه را جمع کردم و به آنها گفتم که لوله‌های تفنگ‌ها را پایین بیاورید؛ یعنی مسلحین رژیم شاه که با مردم مواجه بودند، خیلی اوقات تیرهای هوایی می‌زدند که مردم را بترسانند، این آقا به ژنرالهای شاه توصیه می‌کند و می گوید لوله تفنگ‌ها را بیاورید پایین و به مردم بزنید؛ آنها هم اینجا در این میدان انقلاب به این دستور عمل کردند؛ لوله‌های تفنگ را پایین آوردند، مردم را هدف قرار دادند، عدد زیادی را به شهادت رسانندند؛ ولی اثر نکرد، مردم عقب نرفتند، مردم ادامه دادند. بعد یکی از فرماندهان ارتش شاه – ارشبد قره‌باغی – می‌آید پیش هایزر و

می‌گوید این دستور تو فایده‌های نداشت و مردم را نتوانست به عقب براند. هایزر در خاطراتش می‌نویسد که چقدر اینها تحلیل‌های کودکانه‌ای دارند! یعنی چه؟ یعنی می‌گوید توقع قره‌باغی این بود که با یک بار مردم را به رگبار بستن قضیه تمام می‌شود؛ نه، باید ادامه پیدا کند، باید هرجا با مردم مواجه می‌شوند، آنها را قتل عام کنند! آمریکا این است؛ آمریکا ۲۵ سال در این کشور حاکمیت مطلق داشته است؛ به ژنرال‌های رژیم شاه این جور دستور می‌دهد؛ در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های امنیتی، در زمینه‌های سیاست خارجی، در ایران حرف حرف آمریکایی‌ها بود؛ حاکمیت مطلق آمریکا در دوران رژیم طاغوت. این جور رژیمی بر کشور ما حکومت می‌کرد که افسرش هم تابع آمریکایی است، وزیر دارایی‌اش هم تابع اوست، وزیر دفاعش هم تابع اوست، نخست‌وزیرش هم تابع اوست، خود شاه هم تابع آمریکاست؛ بی‌چون و چرا! یک چنین رژیمی بر این مملکت حکومت می‌کرد.^۸

علت دشمنی آمریکا با ایران

آمریکا در کشور ما فرعونیت می‌کرد، مثل فرعون: «**يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَذْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحِي نِسَاءَهُمْ**»؟ (قصص ۴ «طبقه‌ای از آنان را زیبون می‌داشت، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را [برای بدره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت.») با مردم ما این جور رفتار می‌کردند؛ موسای زمان آمد، تخت و بخت این فرعون و دنباله‌روهای او را واژگون کرد و از بین برد؛ انقلاب این است. یک‌سال و دو ماه بعد از همین حادثه شهریور - یعنی در آبان ۱۳۵۸ - جوانان امام بزرگوار ما، جوانان پیرو خط امام، رفتند این جاسوس خانه آمریکا را فتح کردند؛ آمریکایی‌ها را دست‌بسته و چشم‌بسته اسیر خودشان کردند؛ موسی این دفعه فرعون را این‌جور شکست داد. حالا بعضی می‌گویند چرا آمریکایی‌ها با ایران بدلند؟ خب! علت‌ش همین است؛ ایران یک‌سره در مشت آمریکا بود، در دست آمریکا بود؛ همه اجزای اصلی وجود کشور با اراده آمریکایی‌ها حرکت می‌کرد؛ امام آمد و به وسیله این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد؛ باید هم دشمن باشند، باید هم دشمنی بکنند؛ و دارند می‌کنند، همین حالا دارند دشمنی می‌کنند.^۸

نگرانی از یاد بردن

عبرت‌های بزرگ دوران معاصر

جوان‌های ما باید این خاطرات[شهریورماه] را فراموش نکنند؛ یکی از چیزهایی که بندۀ نگران آن هستم، این است که این نسل جوان بالنده ما که بحمدالله، هم آگاه و با بصیرت است، هم دارای انگیزه است، آماده به کار است، وسط میدان است، انقلابی است، به تدریج این حوادث مهم^[هفدهم شهریور سال ۱۳۵۷ - ترور رئیس جمهور شهید رجائی و نخست وزیر کشور شهید باهنر - ترور شهید آیت الله قدوسی دادستان کل کشور - شهادت امام جمعه تبریز(آیت الله شهید سید اسدالله مدنی) - حمله نظامی رژیم بعضی صدام به کشور] را، این عبرت‌های بزرگ دوران معاصر را از یاد ببرد؛ این کمکاری ماست، کمکاری دستگاه‌های مسئول است؛ این حوادث نباید کهنه بشود؛ حافظه تاریخی یک ملت نباید ضعیف بشود. اگر جوان‌های ما در سرتاسر کشور این حوادث را ندانند، تحلیل نکنند، عمق‌یابی نکنند، در شناخت کشورشان و در شناخت آینده دچار اشتباه خواهند شد. جوان‌ها باید این حوادث را درست بشناسند و بدانند که چه شد، چه اتفاق افتاد، چه کسی بود؛ اینها را باید جوان‌ها بفهمند.^۸

رسانه ملی و عرصه بسیار مهم جنگ نرم

جنگ نرم برنامه‌ریزی شده، گستردۀ و همه‌جانبه نظام سلطه با جمهوری اسلامی است. ... در جنگ نرم، همان اهداف جنگ سخت دنبال می‌شود اما به صورتی فراگیرتر و عمیق‌تر. ... جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، آشکار، قابل فهم و ملموس نیست و حتی در برخی موارد طرف مقابل ضربه خود را می‌زند اما جامعه هدف، دچار خواب‌آلودگی و عدم احساس حمله است. ... تغییر باورهای مردم، مهمترین هدف این جنگ پیچیده است. ... رسانه ملی در صحنه چنین نبرد عجیب و عظیم و درگیری ناخواسته و ناگزیر قرار دارد ... در این کارزار جدی، که همان عرصه پیچیده و بسیار مهم جنگ نرم است. ... برنامه‌ریزی دقیق و عالمانه برای تحقیق وظایف رسانه ملی و نقش منحصر به فرد آن مورد تأکید است.^{۱۸}

جنگ نرم

و تغییر باور به گذشته، حال و آینده

تغییر باورهای مردم، مهمترین هدف این جنگ پیچیده [جنگ نرم] است. ... مردم ما نسبت به رژیم فاسد و مستبد گذشته باورهایی دارند که در جنگ نرم تلاش بر این است تا این گذشته رشت و پلید و سیاه به گذشته‌ای درخشان و زیبا تغییر یابد. ... آنها می‌خواهند با تغییر باور به گذشته، نتیجه بگیرند که لزومی به وقوع انقلاب اسلامی برای از بین بردن آن گذشته، وجود نداشته است. ... تغییر باور به آینده و حال، از دیگر اهداف جنگ نرم است. ... آنها می‌خواهند به جوان امروزی القاء کنند که وضع کنونی کشور مایه شرمندگی است و رسیدن به پیشرفت در آینده نیز غیرممکن است تا نشاط و تحرک و علم‌آموزی و امید به آینده را از نسل جوان بگیرند.^{۱۸}

هدف اصلی جنگ نرم

استحاله درونی جمهوری اسلامی

هدف اصلی و نهایی جنگ نرم طراحی شده، انحلال درونی و استحاله داخلی جمهوری اسلامی از طریق تغییر باورها و سست کردن ایمان مردم و بهویژه جوانان است. ... ایجاد باورهای غیرواقعی در جوانان نسبت به جهان بهویژه آمریکا و اروپا و ترسیم کشورهایی پیشرفته، راحت، امن و بدون مشکل از آنها، یکی دیگر از اهداف جنگ نرم است. ... همه پیشرفت‌های روزافزون محیط مجازی در خدمت تحقق اهداف جنگ نرم است اما مهمتر از این امکانات و پیشرفت‌های سخت‌افزاری، لشکر عظیم نخبگان فکری، سیاسی، ادبی، اجتماعی، و فعالان بر جسته ارتباطات و رشته‌های مختلف هنری است که عقبه نرم‌افزاری قوی و تأثیرگذاری را برای تحقق اهداف جنگ نرم فراهم آورده است. ... برنامه‌ریزی و کار و تلاش منسجم، از ویژگی‌های بارز طراحان و مجریان جنگ نرم است. ... در همه تولیدات و فرآورده‌های صوتی،

تصویری و مکتوب جبهه مقابل ملت ایران، مقاصد و اهداف جنگ نرم، البته عمدتاً به طور غیرمستقیم، پیگیری و القا می‌شود. ... ترویج دین حداقلی و دین سکولار، که با هر رفتار شخصی و اجتماعی قابل انطباق است از جمله اهداف پنهان برنامه‌های عمدتاً اجتماعی رسانه‌های بیگانه است. ... آنها در پیگیری پیچیده اهداف خود، کاملاً جدی و دارای برنامه هستند اما ما در این زمینه عقب هستیم.^{۱۸}

تفاوت جنگ‌های نرم و سخت و خطرات جنگ نرم

در جنگ نرم، همان اهداف جنگ سخت دنبال می‌شود اما به صورتی فراگیرتر و عمیق‌تر. ... جنگ نرم برخلاف جنگ سخت، آشکار، قابل فهم و ملموس نیست و حتی در برخی موارد طرف مقابل ضربه خود را می‌زند اما جامعه هدف، چهار خواب‌آلودگی و عدم احساس حمله است. ... جنگ نرم در مقایسه با جنگ سخت خطرات به مراتب بیشتر و نگران کننده‌تر دارد. ... تغییر باورهای مردم، مهمترین هدف این جنگ پیچیده است. ... جنگ‌های سخت معمولاً موجب برانگیخته شدن احساسات مردم و ایجاد وحدت و انسجام ملی می‌شود در حالیکه جنگ نرم، انگیزه‌های مقابله را از بین می‌برد و زمینه‌ساز ایجاد اختلاف نیز می‌شود. ... جنگ نرم فقط مخصوص ایران نیست اما در موضوع ایران، هدف اصلی از این جنگ نرم فکر شده و حساب شده، استحاله جمهوری اسلامی ایران و تغییر باطن و سیرت، با حفظ صورت و ظاهر آن است. ... تغییر باطن و سیرت به معنای تغییر انگیزه‌ها، شعارها، معارف انقلابی و اهداف بزرگ است، ... در چارچوب اهداف جنگ نرم دشمن، باقی ماندن نام «جمهوری اسلامی» و حتی حضور یک معتم در رأس آن مهم نیست، مهم آن است که ایران تأمین کننده اهداف آمریکا، صهیونیسم و شبکه قدرت جهانی باشد.^{۱۸}

جهتگیری رسانه ملی در قبال جنگ نرم

مهمترین کار برای تحقق مشهود اهداف رسانه ملی در قبال جنگ نرم دشمنان، دست یابی به تحلیلی، مبنایی، صحیح و واقع‌بینانه از شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی است. ... این تحلیل، ذهن‌ها و جهتگیری‌های سطوح مختلف مدیریتی و بدنی سازمان را منسجم می‌کند و پایه همه فعالیت‌ها قرار می‌گیرد. ... پرهیز از اغراق در توانایی‌ها، توجه به مشکلات، تأثیرناپذیری از تبلیغات گمراه کننده بیگانگان، پرهیز از سطحی‌نگری، و توجه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه، در دستیابی به تحلیل مبنایی در صدا و سیما مؤثر است. ... مقایسه صحیح موقعیت کشور با دوران متناظر انقلاب‌های مهم جهانی، می‌تواند به درک واقع‌بینانه از شرایط کشور، کمک کند. ... باید این تلاش‌ها را به عمق برد و اهداف مورد نظر را بدون تظاهر و درشت‌نمایی، در حد ظرفیت همه برنامه‌های صدا و سیما به صورت هنرمندانه ترویج کرد تا مخاطبان اقناع شوند و بپذیرند.^{۱۸}

ضرورت مقایسه موقعیت کنونی ایران

با موقعیت ۴۰ سال پیش آمریکا و فرانسه

مهمنترین کار برای تحقق مشهود اهداف رسانه ملی در قبال جنگ نرم دشمنان، دست یابی به تحلیلی مبنایی، صحیح و واقع بینانه از شرایط داخلی، منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی است. ... در این چارچوب باید سیاه نمایی های بیگانگان را مد نظر داشت و متوجه بود که آنها در تحقق اهداف جنگ نرم، ایران را به جهانیان و حتی به خود ایرانیان واژگونه معرفی می کنند ضمن اینکه تصویر رسانه ای آنها از جهان نیز کاملاً مغرضانه است. ... مقایسه صحیح موقعیت کشور با دوران متناظر انقلاب های مهم جهانی، می تواند به درک واقع بینانه از شرایط کشور، کمک کند. ... باید موقعیت کنونی ایران، با موقعیت آمریکا در حدود چهل سال پس از اعلامیه مهم استقلال آن کشور و موقعیت فرانسه پس از ۴ دهه از انقلاب کبیر فرانسه را مقایسه کرد تا شرایط امروز ایران و پیشرفت های چشمگیر کشور بهتر درک شود. ... این مقایسه نشان می دهد که تسليم، چه نتایجی دارد و ایستادگی به چه خیرات و پیشرفت هایی منجر می شود.

حفظ وحدت و تقویت همگرایی و انسجام

ضرورت حفظ یکپارچگی در مردم

در اتخاذ مواضع انقلابی، باید صراحةً داشت.

... یکی این مسئله صراحةً است. ... یکی هم حفظ این یکپارچگی‌ای که خوشبختانه در مردم وجود دارد. وقتی می‌گوییم یکپارچگی، فوراً نباید به ذهن بیاید که حالا همه افراد جامعه مثلًاً مثل برادر با هم صمیمی‌اند؛ نه، حرکت حرکت عمومی است. فرض کنید در راه پیمایی بیست و دو م بهمن، وقتی شما نگاه می‌کنید، همه دارند به یک طرف حرکت می‌کنند؛ آیا اینها همه مثل هم هستند؟ همه از یک جناح‌اند؟ همه از یک گروه‌اند؟ نه، ولی جهت یکی است؛ این جهت‌گیری واحد را بایستی ما قدر بدانیم و پاس بداریم و به آن بایستی اهمیت بدهیم. حاشیه‌سازی نباید بشود؛ بعضی از حاشیه‌سازی‌ها تشتبّه‌آور است؛ یعنی همین وحدت جهت‌گیری را به هم می‌زنند؛ مراقب این معنا باشیم.^۱

توكل به خدای متعال و حفظ وحدت

شرط پیروزی بر دشمنان

آنچه به شما برادران و خواهران عزیز مؤکّداً عرض می‌کنم، این است که بدانید جمهوری اسلامی ایران با این مردم، با این منطق، با این قانون اساسی بر همهٔ دشمنانش پیروز خواهد شد. شرطش این است که به خدای متعال توکل کنیم، با همدیگر دست برادری و یگانگی مان را مستحکم کنیم، در کشور دودستگی ایجاد نکنیم، همدیگر را تضعیف نکنیم. اگر این جور رعایت بکنیم، خدای متعال هم رعایت خواهد کرد. هر کسی که اسلام را نصرت کند، خدای متعال او را نصرت خواهد کرد.^۸

اهمیت و سلامت انتخابات

مجلس خبرگان، مظہر آرای مردم سالاری دینی و حاکمیت ارزش‌های الهی

دو انتخابات مهم در این مجلس انجام می‌گیرد: یکی انتخاب به وسیله مردم که معتمدین خودشان را معین می‌کنند و انتخاب می‌کنند که این معتمدین عمدۀ کارشان هم انتخابی است که بعداً آنها خواهند کرد؛ انتخاب دوم، یعنی انتخاب رهبری. دو انتخاب در اینجا وجود دارد؛ یعنی مجلس خبرگان مظہر حضور مردم و مظہر مردمی بودن و دخالت آراء مردم و سلایق مردم است؛ هیچ نهاد دیگری را ما به این شکل نداریم که دو انتخاب در دل آن وجود داشته باشد که نشان‌دهنده اراده‌ها و نیت‌های مستقل باشد. انتخاب دوم هم انتخاب رهبری است؛ در اینجا تفاوتش با سایر انتخاب‌های جمعی این است که اینجا ملاک و معیار عبارت است از فقه؛ یعنی ارزش‌های اسلامی. بنابراین انتخاب آنها انتخابی است برای حاکمیت ارزش‌های اسلامی، برای اجرای احکام اسلامی، برای تحقیق اسلام در واقعیت

زندگی. ادیان الهی نیامده‌اند که فقط در اذهان باقی بمانند؛ باید در واقعیت زندگی تحقق پیدا کنند. خب! این ابزار و وسایلی لازم دارد؛ اینجا این ابزار، مجلس خبرگان است که از این طریق تضمین می‌کند حاکمیت ارزش‌های الهی را و اجرای احکام الهی را و حاکمیت دین خدا را و حاکمیت اسلام را. بنابراین، این مجلس همچنین مظهر آراء مردم و مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی هم هست؛ یعنی مظهر مردم‌سالاری اسلامی به‌طور کامل و تام و تمام در واقع این مجلس است؛ اهمیت مجلس اینجاست. وقتی این مجلس تشکیل می‌شود و آمادگی خود و استقلال فکری خود و آگاهی خود را نشان می‌دهد، این موجب سکینه و آرامش در دل‌های مؤمنین می‌شود؛ در واقع این سکینه الهی، سرریز می‌شود از این مجلس به داخل جامعه. بنابر این مهم این است که در مراحل هردو انتخاب بایستی دقّت لازم انجام بگیرد؛ هم انتخاب مردم خبرگان را، هم انتخاب خبرگان رهبر را؛ دقّت‌های لازم و استقلال فکری بایستی به‌طور کامل مراعات بشود.^۳

آفات نابهنهنگام فضای انتخاباتی کشور

مسئله انتخابات یکی از مسائل فعلی و نقد ماست. البته برخی متأسفانه از ۱/۵ سال پیش، دو سال پیش از انتخابات شروع کردند مسائل انتخابات را مطرح کردن؛ این به نظر ما مصلحت نیست؛ فضای کشور را بی موقع نباید فضای انتخاباتی کرد؛ از ۱/۵ سال پیش - که تقریباً دو سال به انتخابات امسال مانده بود که آخر سال است (دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و پنجمین دوره انتخابات مجلس خبرگان رهبری، در اسفند سال جاری برگزار خواهد شد). - بعضی ها شروع کردند در مطبوعات و در حرفها، راجع به انتخابات حرف زدن، بحث کردن. وقتی فضای انتخاباتی در کشور به وجود می آید، بسیاری از مسائل اصلی جامعه به حاشیه می رود و فراموش می شود. خب! فضای انتخابات، فضای رقابت و تعارض است؛ ما چرا بین خود این فضای رقابت را، فضای تعارض را، بکشانیم به یک سال دو سال قبل؟ شروع زودهنگام این بحث ها به نظر ما مصلحت نیست. لکن حالا چرا؛ آن که سه چهار ماه مثلاً به انتخابات باقی است، جای آن است که راجع به انتخابات عرایضی عرض بشود. حالا من امروز برخی از نکات را عرض می کنم و در آینده هم اگر عمری بود و زنده بودیم، عرایضی در باب انتخابات خواهیم داشت.^۸

انتخابات، مظهر مردم‌سالاری

مسئله انتخابات برای کشور، مسئله بسیار مهمی است. انتخابات، مظهر کامل حضور و انتخاب مردم است. مردم با حضور خودشان در صحنه انتخابات - چه در انتخابات ریاست جمهوری، چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان - مردم‌سالاری واقعی را در این کشور شکل می‌دهند؛ این خیلی مهم است. ما این را در طول این ۳۶ سال، ۳۷ سالی که از اوّل انقلاب گذشته است، نگذاشتیم تسطیل بشود یا تأخیر بیفتند. در کشورهای گوناگون وقتی جنگ می‌شود یا یک حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، انتخابات را عقب می‌اندازند، اما در ایران انتخابات یک روز از موعد مقرر خودش عقب نیفتاده است؛ در هیچ برهه‌ای از برهه‌ها. تهران بمباران می‌شد، شهرهای خوزستان و ایلام و کرمانشاه و بقیه جاهای بمباران می‌شد، در عین حال انتخابات در موعد معین انجام می‌گرفت. در اقصی نقاط کشور همین جور بود؛ در روستاهای حتی در جاهایی که رفت و آمد سخت

است. انتخابات در اين کشور تعطيل نشده است. بعضی می خواستند تعطيل کنند انتخابات را - در بعضی از دورهها برخی از آدمهای سیاست باز و سیاست زده سعی شان این بود که انتخابات را تعطيل کنند یا عقب بیندازنند - اما به توفيق الهی جلوی اينها گرفته شد و انتخابات در موعد معين انجام گرفت. اين اهمیت انتخابات است. خب! به همین دليل هم هست که بحمدالله انتخابات ما مظهر مردم سalarی است.^۸

هشدار به کار غلط!!

انتخابات‌های ما بحمدالله در این مدت، انتخابات‌های سالمی بوده است. نکته‌ای که بنده می‌خواهم عرض بکنم این است که انتخابات‌های ما انتخابات‌هایی بوده است که بطبقی معیارهای متعارف بین‌المللی، یکی از بهترین و سالم‌ترین انتخابات بوده است با نصاب شرکت بالای مردم. متأسفانه یکی از عادت‌های بدی که بعضی در داخل دارند، این است که دائماً در سلامت انتخابات در هر دوره‌ای خدشه کنند. از قبل از انتخابات مکرر دم بزنند از تقلب، از دغدغه، از اینکه چنین بشود، چنان بشود؛ این کار غلطی است. در طول این ۳۷ سال، مردم به‌خاطر اعتمادی که در دوره‌های مختلف و دولت‌های مختلف به نظام داشتند، در عرصه انتخابات شرکت کردند، حضور پُرپوشور پیدا کردند. چرا بعضی‌ها به دست خودشان این اعتماد را می‌خواهند خدشه‌دار کنند؟ مردم به نظام اعتماد دارند. وقتی انتخابات هست، می‌آیند وارد انتخابات می‌شوند و رأی می‌دهند؛

چرا انسان بایستی این را خدشه‌دار بکند با دغدغه‌های بیخود و دروغین که نبادا تخلّفی بشود. خب! معلوم است؛ اجازه داده نمی‌شود؛ مراقبت‌های شدید انجام می‌گیرد. یکی از بزرگ‌ترین برکات وجود شورای نگهبان همین است که مراقب‌اند؛ مراقب خطأ و اشتباه‌اند و اجازه نمی‌دهند تخلّفی انجام بگیرد؛ دیگر دستگاه‌ها هم همین‌جور. در طول این سال‌ها هم گاهی در بعضی از دوره‌ها به ما گزارش می‌شد که انتخابات اشکال پیدا کرده است؛ ما دستور می‌دادیم می‌رفتند تحقیق می‌کردند، معلوم می‌شد که نخیر، این‌جوری نیست. گاهی ممکن است در گوش‌وکnar یک تخلّفی انجام بگیرد که در نتیجه انتخابات هیچ تأثیری نداشته باشد - آن مهم نیست - اما انتخابات در همه دوره‌ها سالم است.^۸

حق‌النّاس و وظیفه دفاع از رأی مردم

رأی مردم هم به معنای واقعی کلمه حق‌النّاس است؛ حق‌النّاس است. وقتی می‌آید برادر و خواهر ایرانی در انتخابات شرکت می‌کند و رأی در صندوق می‌اندازد، رعایت این حق او واجب شرعی است، واجب اسلامی است؛ در این امانت او نباید خیانت کرد؛ واقعاً حق‌النّاس است. نتیجه آراء هم هرچه شد، بایستی به آن ملتزم بود؛ این هم حق‌النّاس است. اینکه ما در سال ۸۸ در مقابل کسانی که اصرار می‌کردند باید انتخابات باطل بشود ایستادیم، به‌حاطر همین بود که از حق‌النّاس دفاع کردیم. چهل میلیون نفر - بالاترین نصاب انتخابات - در سال ۸۸ در دادن آراء شرکت کردند. خب! یک نتیجه‌ای داد. هر کسی هم برنده این انتخابات می‌شد، ما همین جور می‌ایستادیم، دفاع می‌کردیم. بنده از حق‌النّاس دفاع کردم، از حق مردم دفاع کردم. باز هم هر وقتی که مردم رأی بدهند - به هر کسی که مردم پیشنهاد و پذیرنده و رأی بدهند - بنده از رأی مردم دفاع خواهم کرد؛ پشت سرِ مردم خواهم ایستاد. رأی مردم حق‌النّاس است. ما بی‌خود این اعتمادی را که مردم به نظام دارند، با حرف‌های بی‌منطق مخدوش نکنیم. ... البته من اعتقاد به حضور پُرشور مردم دارم؛ معتقدم کشور را این حضور حفظ می‌کند.^۸

شورای نگهبان، چشم بینای نظام در انتخابات

رأی مردم حق‌النّاس است. ما بیخود این اعتمادی را که مردم به نظام دارند، با حرف‌های بی‌منطق مخدوش نکنیم. گاهی به وزارت کشور ایراد می‌گیرند، گاهی به شورای نگهبان ایراد می‌گیرند. شورای نگهبان، چشم بینای نظام برای انتخابات است؛ در همه دنیا هم یک چنین چیزی وجود دارد - حالا اسمش چیز دیگر است؛ اینجا اسمش شورای نگهبان است - مراقب‌اند، ببینند آن کسی که وارد میدان انتخابات می‌شود، نامزد انتخابات می‌شود، آیا صلاحیت دارد یا نه؛ و باید احراز کنند صلاحیت را؛ اگر دیدند که کوتاهی شده است و آدمی که صلاحیت ندارد وارد شده، جلویش را می‌گیرند؛ این حق آنهاست، حق قانونی آنهاست، حق عقلی و منطقی آنهاست؛ بعضی بیخود ایراد می‌کنند. بخشی از این حق‌النّاس، همین حق رأی شورای نگهبان است؛ همین حق نظارت استصوابی و مؤثر شورای نگهبان است؛ این جزو حق‌النّاس است، این را باید رعایت کرد، این را باید حفظ کرد. انتخابات مهم است. ... البته من اعتقاد به حضور پُر‌شور مردم دارم؛
معتقدم کشور را این حضور حفظ می‌کند.^۱

اقتدار ملّی

اتّخاذ مواضع انقلابی

و هوشیاری نسبت به نفوذ دشمن

به نظر من کاری که علی‌العجاله باید کرد این است که در اتّخاذ مواضع انقلابی، باید صراحة داشت؛ یعنی رودربایستی نکنیم. مواضع انقلابی را، مبانی امام بزرگوار را صریح بیان کنیم، خجالت نکشیم، رودربایستی نکنیم، ترس نداشته باشیم و بدانیم که «وَاللَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا». (فتح ٧ «و سپاهیان آسمان‌ها و زمین از آن خدا است، و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده کار است.») همه امکانات عالم و سمن عالم، جنود الهی هستند، می‌توان آن جنود الهی را پشت سر خود قرار داد و به کمک خود کشاند با توکل به خدا، با پیمودن راه خدا.

و هوشیار باشیم؛ من چند روز قبل از این، در صحبت گفتم که اینها در صدد نفوذاند، در صدد رخنه کردن‌اند؛ این رخنه از جاهای مختلفی ممکن است باشد؛ مواظب باشید. یک وقت آدم خبر می‌شود که فرض بفرمایید فلاں سازمان آمده یک

بخشی از مجموعه فرهنگی ما را - مثلاً فرض کنید مهدکودک‌ها را - به یک شکل خاصی دارد هدایت می‌کند؛ این را آدم می‌فهمد، بعد که نزدیک می‌شود می‌بیند کار خطرناکی و کار بزرگی است اما آدم توجه نداشت؛ اینها رخنه است؛ در زمینه‌های گوناگون؛ در زمینه‌های اقتصادی، در رفت‌وآمد، در همه دستگاه‌ها؛ یکی این مسئله صراحةست.^۱

ضرورت کسب قدرت و قوت نظام

باید ما قوی بشویم؛ باید در داخل، خودمان را قوی کنیم. بنده مکرّر عرض کرده‌ام این قوّتی که برای کشور لازم است چه جوری تأمین می‌شود؛ اولاً از راه یک اقتصاد قوی؛ همین اقتصاد مقاومتی که سیاست‌های آن ابلاغ شده است و بر روی زمین و به صورت کار عملی و عملیاتی و اجرائی هم باید با شدّت هرچه تمام‌تر و بدون فوت وقت دنبال بشود؛ خب! یک کارهایی را دوستان ما در دولت دارند انجام می‌دهند بحمد‌الله؛ یکی این است که اقتصاد کشور قوی بشود، جوان کشور بیکار نماند، ابتکارهای جوان‌ها روی زمین نماند؛ این یکی از راه‌هاییش است.

یک راه دیگر، توسعه علم است؛ کاروان علم شتاب خود را از دست ندهد، در علم پیشروی کنیم، همه چیز به علم وابسته است؛ این هم یکی از راه‌های تقویت است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های تقویت درونی، حفظ روحیه انقلابیگری است در مردم؛ به خصوص در

جوان‌ها. سعی دشمنان این است که جوان‌ما را لابالی بار بیاورند، نسبت به انقلاب بی‌تفاوت بار بیاورند، روحیه حماسه و انقلابیگری را در او بگشند و از بین ببرند؛ جلوی این باید ایستاد. جوان، روحیه انقلابی‌گری را باید حفظ کند. و مسئولین کشور جوان‌های انقلابی را گرامی بدارند؛ این‌همه جوان‌های حزب‌الله‌ی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندهای نکوبند به اسم افراطی و امثال اینها. جوان انقلابی را باید گرامی داشت، باید به روحیه انقلابی‌گری تشویق کرد؛ این روحیه است که کشور را حفظ می‌کند، از کشور دفاع می‌کند؛ این روحیه است که در هنگام خطر به داد کشور می‌رسد. سه عامل اساسی اقتدار ملی اینهاست: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه انقلابی‌گری در همه به‌خصوص در جوان‌ها؛ اینهاست که می‌تواند کشور را حفظ کند؛ آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد.^۸

جانباز، مبارز دائمی و حکایت کننده

عظمت تاریخ ملت ایران

شما که جانباز هستید، همین الان در حال مبارزه‌اید، همین حالا با همین جانبازی خودتان در واقع دارید جهاد می‌کنید؛ چطور؟ مقصودم جهاد فرهنگی نیست؛ مقصودم این نیست که شما یک جایی سخنرانی‌ای بکنید یا یک حرفی بزنید یا یک کاری بکنید یا یک انفاقی بکنید یا یک تعلیمی بدھید - خب! اینها که به جای خود محفوظ؛ اینها جهاد است - اما خود همین که شما روی ویلچر نشسته‌اید یا روی تخت دراز کشیده‌اید یا با محرومیت از بینایی چشم یا دست یا پا، دارید در کوچه و بازار حرکت می‌کنید، یک مبارزه‌اید؛ چرا؟ چون نشان‌دهنده ابتلاء و محنت بزرگ این ملت در یک دوران سخت است. شما در واقع مثل یک تصویری، مثل یک تابلویی دارید جنگ را و دفاع مقدس را به همه کسانی که شما را می‌بینند نشان می‌دهید؛ شما تصویری هستید از آن دوران ابتلاء بزرگ ملت ایران و امتحان بزرگ ملت ایران؛

خود این حضور شما و نفس وجود شما، یک مبارزه، یک بیان و یک تبلیغ است. نگاه به شما نشان‌دهنده جنایات آن قدرت‌هایی است که از رژیم صدّام حمایت کردند و دفاع کردند؛ نگاه به شما حاکی است از عظمت و بزرگواری آن امامی و آن انقلابی که توانست شما را این‌جور تربیت کند و به میدان‌های جنگ بفرستد؛ نگاه به شما حکایت می‌کند از تاریخ بخشی از عمر این ملت ایران! بنابراین، جانباز با وجود خود و با حضور خود در میان مردم، اعلان یک حقایقی است ولو یک کلمه حرف نزند، ولو در هیچ مراسمی به عنوان مبلغ یا به عنوان مبین شرکت نکند؛ نفس وجود شما حاکی از حقایقی است؛ حقایق تاریخی، حقایق معرفتی، حقایق سیاسی، حقایق بین‌المللی؛ این‌طور است. این هم پیش خدای متعال فی‌نفسه دارای اجر است.^{۱۱}

حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب

منظومه فکری انقلاب اسلامی و قدرت جاذبه آن

انقلاب اسلامی یک منظومه فکری دارد.

اهمیت این انقلاب و علت اینکه این انقلاب زلزله در دنیا ایجاد کرد، این نبود که یک حکومتی را سرنگون کرد؛ نه، علت این بود که یک منظومه فکری نو را به دنیا عرضه کرد و امروز هم همچنان در اکناف عالم، این منظومه فکری در حال پیشرفت است. با وجود سعی‌ای که در اخفاء آن و کتمان آن می‌کنند، این منظومه فکری دست به دست می‌گردد و بسیاری از دل‌ها در دنیا - چه در دنیای اسلام، چه در حد کمتری در خارج از دنیای اسلام - به آن جذب می‌شوند؛ دل‌ها هنوز متوجه این منظومه است و این منظومه فکری همچنان طراوت و تازگی خودش را حفظ کرده.

یکی از اجزای مهم این منظومه فکری که خیلی هم جاذبه دارد، عبارت است از نفی ظلم، نفی استکبار، نفی استبداد - استبداد هم اعم است از استبدادی که حکامی و حکومت‌هایی در کشورهای

خودشان نسبت به مردم خودشان انجام می‌دهند، و آن استبداد و دیکتاتوری‌ای که نظام سلطه در سطح جهان به وجود می‌آورد - این یک بخشی از این منظومه فکری است. عزّت ملت‌ها، عزّت ملّی و در کشورهای اسلامی عزّت اسلامی؛ استغناء ملت‌ها از تکیه کردن به دیگران و آویزان قدرت‌ها بودن؛ اینها جزو مجموعه فکری اسلام است. استقلال همه‌جانبه - استقلال بسیار امر مهمی است - استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، که از همه مهم‌تر هم استقلال فکری است که می‌تواند بقیه این استقلال‌ها را به دنبال خودش بیاورد؛ اینها جزو چیزهایی است که در نظام فکری اسلامی و آن منظومه فکری اسلامی وجود دارد و همین‌ها است که جاذبه می‌دهد؛ و اینها طراوت دارد، اینها کهنه‌شدنی نیست، اینها تمام شدنی نیست. این شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است؛ اوّل می‌گوییم «استقلال»، بعد می‌گوییم «آزادی». استقلال بخشی از

آزادی است یعنی اگرچنانچه آزادی فردی را ملاحظه کنیم، این یک روی سکّه است، اماً آزادی از سلطهٔ قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها روی دیگر سکّه است؛ این هم آزادی است؛ پس بنابراین استقلال جزو آزادی است و کسانی که آزادی می‌خواهند اگرچنانچه استقلال را نفی کنند – که متأسفانه آدم گاهی می‌بیند بعضی از روشنفکر ناماها مفهوم استقلال و مصاديق استقلال را با یک سفسطه‌های به‌ظاهر منطقی و در واقع ضدّ منطق نفی می‌کنند – در واقع با آزادی مخالف‌اند. استقلال، بخشِ غیرقابل انفكاك از آزادی است یعنی جزئی از آزادی است. جزئی از مفهوم آزادی، استقلال یک کشور است؛ آزادی در مقیاسِ یک ملت است؛ معنای این استقلال است. آنوقت همهٔ اینها جزو جمهوری اسلامی است؛ یعنی جمهوری اسلامی هم، نه فقط آزادی است، نه فقط استقلال است، بلکه شامل اینها هم هست و شامل معارف فراوان دیگر. اینها را وقتی ما تشریح می‌کنیم برای افراد مخاطب خودمان، می‌بینیم این جاذبه دارد؛ اینها دل‌ها را جذب می‌کند.^۳

تشريح پیشرفت‌های آینده کشور

ما یک کشوری هستیم با این‌همه امکانات و ثروت‌ها. ... ما از معادن کشور - که یکی از مهم‌ترین منابع ثروت کشور ما، معادن زیرزمینی ماست - چهارده درصد استفاده می‌کنیم. ... خب! ما این جور کشوری هستیم؛ ما تاکنون از چهارده درصدِ منابع زیرزمینی کشورمان استفاده کرده‌ایم. موقعیت جغرافیایی، امکانات گوناگون فرهنگی، عمق و نفوذ فرهنگ اسلام و معارف اهل‌بیت در دنیا؛ اینها چیزهای کوچکی نیست؛ اینها ثروت‌های خیلی عظیمی است و اینها همه در اختیار ماست. خب! بتاباین عرض ما این است که ما مجلس خبرگان، مسئولین کشور، شخصیت‌های مؤثر و دارای منبر در فضای عمومی - چه در مطبوعات، چه در مراکز نطق و بیان - آن کسانی که می‌توانند حرف بزنند، می‌توانند اثر بگذارند، بایستی این آینده را هرچه بیشتر تشريح بکنند، دل‌ها را به‌سمت این آینده سوق بدهنند، دل‌ها را امیدوار کنند، آرامش و سکینه لازم را در دل‌های مؤمنین به وجود بیاورند تا پیش برویم؛ ما بحمدالله در حال پیشرفتیم.^۳

ضرورت آمادگی همگانی

برای حرکت به سمت اهداف و آرمان‌های اسلامی نیروهای مؤمن ما در سرتاسر کشور بدانند که حرکت، به سمت اهداف و آرمان‌های اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. و همه خودشان را آماده نگه بدارند، همه آماده باشند؛ نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور - که بحمدالله اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل می‌دهند - آماده‌به‌کار باشند. آماده‌به‌کار به معنای آماده جنگ نیست؛ یعنی هم آماده کار اقتصادی باشند، هم آماده کار فرهنگی باشند، هم آماده کار سیاسی باشند، هم آماده حضور در میدان‌ها و عرصه‌های مختلف باشند؛ آماده باشند، ما همه باید آماده باشیم. در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان - که دشمنان ما شب‌وروز نمی‌شناسند - ما هم بایستی شب و روز نشناشیم و همه آماده باشیم. و وعده الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوءظن به وعده الهی نباید داشته باشیم. یک‌بار من اینجا عرض کردم (در دیدار رئیس و

اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۹/۶/۲۵) که باید به خدا پناه

ببریم و سوءظن به وعده الهی نداشته باشیم. خدای

متعال لعنت کرده: «الظَّانِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ

دَآئِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ

جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا» (فتح ۶ «که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب

کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و

چینم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سراجعامی است.») یعنی

خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوءظن

داشته باشند. حُسن ظنّ به خدا این است که وقتی

می‌گوید که «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرُكُمْ»، (محمد ۷ «اگر خدرا را

باری کنید یاریتان می‌کند.») این را باور کن؛ این حسن ظنّ

به خداست؛ وقتی می‌فرمایید: «لَيُنْصَرَنَّ اللَّهُ مَنْ

يُنْصُرُه»، (حج ۴۰ «قطعًا خدا به کسی که [دین] او را باری می‌کند، باری

می‌دهد.») این را باور کنیم. اگر حقیقتاً نیت ما نصرت

دین الهی است - معنای نصرت خدا همین است -

بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی

در این زمینه نداشته باشیم؛ وقتی انسان با این روحیه

حرکت کرد، آنوقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم

بر دل‌های ما ان شاء الله نازل خواهد شد.^۳

ویژگی‌های انقلاب:

۱- حقیقت ماندگار و مستمر

اماً انقلاب؛ عرض کرده‌یم پاسداری از انقلاب.

انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه! این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیرورت - یعنی حالی به حالی شدن، تحول - اصلاً حدّ یقین ندارد؛ هیچ وقت تمام نمی‌شود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است. حرفاًی‌یک عده‌می‌زنند - منبع این حرفا، به قول خودشان، اتاق فکرهای خارجی است، اینجا هم این حرفا را بعضی‌ها در روزنامه‌ها و در مجله‌ها و در حرفا‌ای گوناگون خودشان رله می‌کنند و همان‌ها را تکرار می‌کنند و به زبان ایرانی آنها را بیان می‌کنند؛

اما منبع حرف از آنجاست - که بله! انقلاب تمام شد.
حالا يك نفر بي عقلی پيدا می شود به صراحت می گويد
انقلاب را باید به موزه سپرد، بعضی های دیگر هم
هستند این قدر بی عقل نیستند، به این صراحت
نمی گویند، در پوشش این حرف را می زنند؛ جوری
حرف می زنند که معنايش این است که: انقلاب تمام
شد؛ تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی. اصلاً قابل
تبدیل نیست! جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب
باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت
تحوّل دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی
وجود داشته باشد والا جمهوری اسلامی نیست؛
حکومت اسلامی نیست؛ انقلاب يك امر مستمر است.

۲- ترسیم کننده آرمان‌ها و حیات طیبه:

خب! انقلاب چه کار می کند؟ کاری که انقلاب در
آغاز انجام می دهد، ترسیم آرمان‌هast؛ آرمان‌ها را
ترسیم می کند. البته آرمان‌های عالی، تغییر ناپذیراند؛
وسایل تغییر پذیر است، تحولات روزمره تغییر پذیر
است. اما آن اصول که همان آرمان‌های اساسی است،
تغییر ناپذیر است؛ یعنی از اوّل خلقت بشر تا امروز،
عدالت يك آرمان است؛ هیچ وقت نیست که عدالت از

آرمان بودن بیفت؛ آزادی انسان یک آرمان است -

آرمان‌ها یعنی این جور چیزها - آرمان‌ها را انقلاب تصویر می‌کند، ترسیم می‌کند، بعد آن وقت به سمت این آرمان‌ها حرکت می‌کند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که: «فَلَنْهُبِّئَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ (نحل ۹۷) قطعاً

او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بختیم، «استجبیوا للهِ وَالرَّسُولِ اِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبِّيْكُمْ»؛ (انفال ۲۴) «چون خدا و پیغمبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.» شما را زنده کنند. دعوت پیغمبر و همهٔ پیغمبران به حیات است؛ چه جور حیاتی؟ طبعاً حیات طیبه.

خب! حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی همه این چیزهایی که بشر برای بهزیستی خود، برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد. مثلاً عزّت ملّی جزو حیات طیبه است؛ ملت ذلیل، توسّری خور، حیات طیبه ندارد. استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و به دیگران جزو حیات طیبه است. حیات طیبه را فقط در عبادات و در کتاب‌های دعا که نباید جستجو کرد؛ واقعیات زندگی اینهاست. حیات طیبه یک ملت، از جمله این است که این ملت، عزیز زندگی کند، سر بلند زندگی کند، وابسته نباشد،

مستقل زندگی کند. حالا کتاب می‌نویسند برای رد استقلال! انسان واقعاً تعجب می‌کند که چطور، افرادی رویشان می‌آید این حرف‌ها را امروز بزنند. دزدی می‌آید سر گردنه، جلو کاروان را می‌گیرد، به‌зор از آنها مطالبه هست و نیستشان را می‌کند؛ یک نفر هم بگوید: بله! امروز مصلحت این است که ما برویم جزو ایشان؛ هرچه می‌فرمایند عمل کنیم! این حرف‌زدن در نفی استقلال، یک چنین چیزی است. عرض کردیم استقلال، آزادی در ابعاد یک ملت است. از آزادی به اسم دفاع می‌کنند، استقلال را می‌کوبند. استقلال یعنی آزادی؛ متها نه آزادی یک شخص، آزادی یک ملت از تحمیل‌ها، از توسрی‌زدن‌ها، از عقب نگهداشتن‌ها، از استثمارها، از تسمه از گرده ملت‌ها کشیدن‌ها؛ یک ملت، از این چیزها که آزاد شد، می‌شود مستقل.

یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. یک ملتی بتواند در مجموعه دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نرdban جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد. این، یکی از اجزای حیات طیبه است. غربی‌ها

این جور نیستند؛ بله! پیشرفت‌های مادی زیاد آوردن، در این زمینه‌ها حرف‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، متنهای این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردهان در آن حتمی است؛ بله! نردهان را جلوی پای بشر می‌گذارند متنهای کاری می‌کنند که از این نردهان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند. شما امروز ملاحظه کنید در فرهنگ غربی، رشت ترین و شنیع ترین کارها دارد شکل عادی، عرفی، قانونی می‌گیرد که اگرچنانچه کسی با اینها مخالفت بکند، محکوم می‌شود که چرا مخالفت می‌کند؛ به صرف اینکه انسان دلش می‌خواهد! خب! خیلی چیزها انسان دلش می‌خواهد. کار این پرده‌دری‌ها در غرب به کجا خواهد رسید؟ راه علاج ندارند؛ یعنی راه خلاص قطعاً ندارند؛ این راهی که اینها دارند می‌روند، این جور که اینها دارند در انحطاط اخلاقی پیش می‌روند، پدر غرب را در خواهد آورد، نابودشان خواهد کرد! بیچاره مردمشان، انسان دلش برای مردم این کشورها و این ملت‌ها می‌سوزد؛ مردم بیچاره‌ای هستند. نخبگان، تأثیرگذاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، روی اهداف خبث و پلید خودشان

کارهایی دارند می‌کنند. خب! پس پیش‌رانی در علم و تمدن بشری، همراه با معنویت، همراه با معنویت. آن روز در یک مجموعه‌ای (بيانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۶/۱۲) ... گفتم: فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلاً با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون جمعیت با پیشرفت‌های شگرف مادی و علمی و صنعتی و با استقرار معنویت و عدالت؛ بینید چه می‌شود؛ چه جاذبه‌ای در بین آحاد بشر - مسلمان و غیر مسلمان - به وجود می‌آورد؛ می‌خواهند این اتفاق نیفتد! حیات طیبه، یعنی این؛ یعنی برویم به سمت یک چنین وضعی برای زندگی کشور؛ انقلاب می‌خواهد ما را به اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلقیات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم، جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به سمت حیات طیبه تمام‌نشدنی است: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصْبِيرُ الْأُمُور»؛ (شوری ۵۳ «مشکل دارکه [همه] کارها به خدا بازم‌گردید»). این همان صیرورت به سمت خداست.

صیرورت، یعنی حالی به حالی شدن، چیزی در باطن ذات خود تغییر ایجاد کند و روزبه روز بهتر بشود؛ این را

می‌گویند صیرورت؛ بشر به سمت خدا صیرورت دارد و جامعه مطلوب اسلامی آن است که این صیرورت در آن وجود داشته باشد؛ این صیرورت تمام‌نشدنی است؛ همین طور به‌طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است.

۳- خصوصیات حیات طبیه:

یکی از خصوصیات حیات طبیه و خصوصیات این انقلاب که در قرآن به آن تصریح شده، ایمان بالله و کفر به طاغوت است: «فَمَنِ يَكْفُرُ بِالظُّلْمَوْتِ وَيُؤْمِنُ بِاللهِ فَقَدْ أَسْتَمْسَكَ بِالْعُرُوهَ الْوُثْقَىٰ». (بقره ۲۵۶ پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار چنگ زده است.) «عُرُوهَ الْوُثْقَىٰ» یعنی شما مثلاً از یک جای خطرناکی، لغش‌گاهی دارید عبور می‌کنید، یک ریسمان، یک چیزی هست که دستان را می‌گیرید که نخورید زمین، لیز نخورید، پرت نشوید پایین؛ به این می‌گویند: «عُرُوهَ الْوُثْقَىٰ». اگر ایمان بالله و کفر به طاغوت داشته باشد، این «عُرُوهَ الْوُثْقَىٰ» است. این هر دو با همدیگر است: ایمان بالله، کفر به طاغوت؛ این دو را از هم تفکیک نباید کرد. باز اینجا من اشاره کنم که ایمان بالله را از مردم به‌سختی می‌شود گرفت؛ تکیه تبلیغات دشمنان، روی کفر به طاغوت است؛ کفر به طاغوت را ضعیف کنند به تدریج، این بخش از قضیه را از دست مردم بگیرند

خب، بله! ایمان بالله هم داشته باشید، ایمان به طاغوت هم داشته باشید. این نمی‌شود؛ ایمان بالله با کفر به طاغوت، با هم همدوش‌اند.

۴- هشدار دهنگی نسبت به ترفندهای دشمنان:

ایدئولوژی زدایی، یکی از حرف‌های رایج است. حالا چند سالی بود، بعد یک چند سالی تعطیل شد، باز دوباره حالا شروع کرده‌اند: از دیپلماسی ایدئولوژی زدایی کنیم؛ از سیاست داخلی ایدئولوژی زدایی کنیم؛ نه! این درست ضدّ حق است، ضدّ حقیقت است؛ معنایش این است که: اصول و مبانی انقلاب و اسلام را در سیاست داخلی و خارجی دخالت ندهیم. چطور دخالت ندهیم؟ اصلاً این سیاست‌ها باید براساس این مبانی به وجود بیاید؛ در همه زمینه‌ها این جور است. ملاحظه کنید، این نکتهٔ ظریفی است؛ علم، یعنی رفتن به سمت یک واقعیت، یک واقعیتی را کشف کردن و آن را دانستن. البته در این زمینه ایدئولوژی معنی ندارد اما اینکه ما دنبال کدام واقعیت برویم، دنبال کدام واقعیت نرویم؛ اینجا فکر و عقیده و ایدئولوژی - به قول فرنگی‌ماهها - دخالت دارد. ما دنبال این علم نمی‌خواهیم برویم؛ این علم، علم مضر است. این علم را انتخاب می‌کنیم، چون علم نافع است؛ علم نافع داریم، علم مضر داریم. بنابراین،

حتّی در قضیه علم هم تفکر، اعتقاد، عقیده و به تعبیر فرنگی مآب‌ها ایدئولوژی، مؤثّر است.

حالا یکی از چیزهایی که انسان زیاد می‌شنود، دو گزاره را مخالفین ما، دشمنان ما می‌گویند، عده‌ای هم در داخل همان‌ها را تکرار می‌کنند؛ که در واقع اینها با هم متناقض‌اند، متنها به تناقض آنها توجه نمی‌شود.

یک گزاره این است و مکرّر تکرار می‌کنند که: شما کشور قدرتمندی هستید؛ شما کشور بانفوذ و اثرگذاری هستید. این را زیاد امروز در دنیا ما می‌شنویم. حالا یک عده‌ای - آدم‌های ضعیف و کوتاه‌بین در داخل - همین را هم حاضر نیستند قبول کنند اما آنها بی که از خارج ناظر به مسائل‌اند، مکرّر در مکرّر - چه دوستان ما، چه دشمنان ما - اعتراف می‌کنند که جمهوری اسلامی، امروز یک کشور قدرتمند در منطقه و اثرگذار بر روی حوادث منطقه است؛ دارای نفوذ است. این یک گزاره.

گزاره دوم این است که می‌گویند: آقا شما این کلمه انقلاب و مسئله انقلاب و روحیه انقلابی را این‌قدر دنبال نکنید. خب! اینها با هم متناقض است. اصلاً این اقتدار، این نفوذ، به خاطر انقلاب است؛ اگر انقلاب نبود، اگر روحیه انقلابی نبود، اگر عملکرد انقلابی نبود، این نفوذ وجود نداشت. اینکه شما

بانفوذید، شما قدرتمندید، انقلاب را بگذارید کنار که بتوانیم با هم زندگی بکنیم، معناش این است که انقلاب را بگذارید کنار تا از این قدرت بیفتید تا ما بتوانیم شما را ببلعیم!! این را صریحاً به افرادی از جمهوری اسلامی می‌گویند و توجه نمی‌شود به معنا و مفهوم واقعی این حرف. تا کی می‌خواهید انقلابی باشید، تا کی می‌خواهید مرتب دم از انقلاب بزنید، بباید جزو جامعه جهانی؛ معنای این حرف این است که این نفوذی که الان دارید، این قدرتی که دارید، این تأثیرگذاری‌ای که در منطقه دارید، این عمق راهبردی‌ای را که شما در میان ملت‌ها دارید، کنار بگذارید و از دست بدھید؛ یعنی ضعیف بشوید، تا ما بتوانیم شما را ببلعیم!! می‌گویند: جزو جامعه جهانی بشوید؛ خب! مرادشان از جامعه جهانی، چند قدرت مستکبر زورگوی ظالم‌اند؛ یعنی بباید در نقشه‌های ما حل بشوید؛ معنای این حرف این است. بنابراین، انقلاب دارای یک چنین ابعادی است؛ درباره پاسداری از این انقلاب، خیلی حرف هست که حالا در این زمینه حرف را متوقف کنم.^۹

ویژگی‌های انقلاب اسلامی:

۱- جدایی ناپذیری اسلام از انقلاب

اما اسلام؛ انقلاب، انقلاب اسلامی است. عده‌ای

اصرار دارند که بگویند «انقلاب ۵۷»؛ اسم اسلام را نمی‌خواهند بیاورند، از اسم اسلام می‌ترسند، از اسم انقلاب اسلامی می‌ترسند. اسلام، پایه و مایه و همه محتوای انقلاب ماست؛ البته اسلام ما اسلام ناب است، اسلام وابسته به تفکرات انحرافی و غلط و عوامانه و ابلهانه افرادی مثل تکفیری‌ها نیست؛ اسلام مبتنی بر عقل و نقل - اسلام عاقلانه - اسلام متکی به قرآن، اسلام متکی به معارف نبوی و معارف اهل بیت علیہ السلام، با تفکرات روشن، با منطق قوی و روشن، یک چنین اسلامی است. این است اسلام؛ اسلام قابل دفاع در همه محافل کاملاً بهروز عالم.

۲- تبیین انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی

بحمدالله ابعاد مختلف این انقلاب در جوامع اسلامی، باز شده است؛ با اینکه این همه پول خرج کردند، اینقدر دلار نفتی خرج کردند برای اینکه بتوانند جلوی این حرکت را بگیرند، خوشبختانه بدون اینکه حالا ما هم یک کار درست و حسابی کرده

باشیم - ما در تبلیغ و تبیین، کوتاهی زیاد داریم - این تفکر قوی و مستحکم پیش رفته. امروز در اقطار دنیای اسلام بحمدالله این هست و شواهد فراوانی دارد: ملت‌ها، ملت‌های مسلمان، به معنای واقعی کلمه جمهوری اسلامی را دوست دارند، مسئولین جمهوری اسلامی را دوست دارند، رؤسای جمهور ما در طول این سال‌ها هرجا مسافرتی کردند و بنا شده است که جلوی مردم باز گذاشته بشود، آنها قیامت به راه انداختند؛ در پاکستان این جور بود، در لبنان این جور بود، در سودان این جور بود، و در خیلی از کشورهای دیگر. البته آنجایی که جلوی مردم را بگیرند، خب! مسئله دیگری است؛ آنجایی که مردم آن کشورهای مسلمان بدانند که می‌توانند ابراز عقیده و ابراز احساسات بکنند، می‌کنند. این، به برکت اسلام است، این به برکت تمسّک به قرآن است. اسلام فقط عمل شخصی، اسلام سکولار، اسلام: «يُؤْمِنُ بِعَضٍ وَ يَكْفُرُ بِبَعْضٍ»،^{۱۹۳} (تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۱۳۶) [در منبع مذکور آن را مربوط به آیات ۱۳۶ سوره بقره دانسته است]. اسلامی که جهاد را از آن خط بزنند، نهی از منکر را از آن خط بزنند و بردارند، شهادت فی سبیل الله را از آن

بردارند، اسلام انقلاب نیست. اسلام انقلاب، همانی است که انسان در قرآن کریم - در آیات متعدد الهی قرآنی - مشاهده می‌کند؛ به زبان خود ما هم مشاهده می‌شود؛ این وصیت‌نامه امام است، این یادگارهای منطق و مکتب امام است. این اسلام ماست؛ پاسداری از انقلابی با این درون‌مایه؛ درون‌مایه اسلامی. نه فقط یک حرکت حماسی محض. نخیر! بلکه با معنای اسلامی که این توانست در دنیا خوشبختانه تأثیر بگذارد. پس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک چنین بار معنایی‌ای دارد؛ خیلی باید تلاش کنید، خیلی باید هوشیار باشید، خیلی باید قدر بدانید؛ همه باید قدر سپاه را بدانند. تضعیف سپاه و حرف‌های بی‌ربطی که گاهی علیه سپاه گفته می‌شود، چیزهای دلخوش‌کن دشمن و خوشحال کننده دشمن است. حالا نمی‌گوییم همه کسانی که این جوری حرف می‌زنند، پیش‌کرده دشمن‌اند؛ نه! بعضی‌ها یشان از روی غفلت است و نمی‌فهمند؛ بعضی هم احتمالاً مأمورند که این جور حرف بزنند و این جور اظهاراتی بکنند.^۹

رتبه پانزدهم علمی کشور از انقلاب

شما موجودی خودتان را، یعنی این نخبگی را، از خدا بدانید؛ این نعمت خداست، این موهبت الهی است، این یک نعمتی است که خدا به شما داده؛ شکر کنید خدا را، ارتباطتان را با خدا زیاد کنید، از خدای متعال متشکّر باشید و این تشکّر را بین خودتان و خدا، به زبان بیاورید. این بر توفیقات شما می‌افزاید، بر نعمت الهی که به شما داده می‌افزاید؛ از خدا بدانید. و از انقلاب بدانید؛ این هم یک نگاه و یک لایه تفکّر درباره این موجودی است که این حرکت عظیم عمومی کشور در راه علم، از برکات انقلاب است. اگر انقلاب نبود، این چیزها نبود. ... انقلاب آمد ... به ایرانی شخصیت داد، هویت داد، جرأت داد، او را تشویق کرد به اینکه نیروی درونی خودش را به کار بیندازد. نتیجه این شده که ما در بین این‌همه کشور دنیا در رتبه پانزدهم علمی قرار بگیریم؛ این خیلی حرف بزرگی است. در بین دویست کشور دنیا که در این دویست کشور کشورهایی هستند که دویست سال، سیصد سال سابقه صنعت و سابقه کار علمی دارند، ایران بعد از انقلاب - قبل از انقلاب که هیچ، هیچ‌چیز نبود - با فشار جنگ، با تحریم، با این‌همه مشکلات بتواند خودش را برساند به این سطح؛ این را انقلاب به ما داد.^{۱۹}

خوشبینی مستدل نسبت به آینده

جمع‌بندی من ... عبارت است از خوشبینی مستدل نسبت به آینده؛ نه فقط شعار، نه فقط رجزخوانی؛ واقعیت این است. آینده کشور به توفیق الهی، به فضل پروردگار، آینده خوبی است؛ انبوه جماعت جوان این کشور، در دل خود نخبگان زیادی دارند؛ حالا عمدۀ نخبگان دانشگاهی هستند، در بخش‌های دیگر هم نخبگانی هستند که ولو دانشگاهی نیستند اما به معنای حقیقی کلمه نخبه‌اند، می‌توانند نقش آفرینی کنند. و این نخبه‌ها کار خود را خواهند کرد؛ احساس مسئولیت می‌کنند. بحمدالله اهداف انقلابی و شعارهای انقلابی زنده است؛ دشمن نتوانسته است شعارهای انقلابی را کمرنگ بکند؛ جوری است که اگر کسانی هم در دل با این شعارها همراه نیستند، در زبان ناچارند به خاطر افکار عمومی، به خاطر دل مردم و حضور مردم، با این شعارها همراهی کنند. شعارها بحمدالله زنده است؛ حرکت انقلابی حرکت زنده‌ای است و این از استثناهای تاریخ

است؛ هیچ انقلابی را در دنیا ماسراغ نداریم که در طول ۳۵ سال ۴۰ سال، با این‌همه مخالفت، با این‌همه دشمنی، آن خط مستقیم و صراط مستقیم خودش را توانسته باشد ادامه بدهد؛ وجود ندارد. حتی انقلاب‌های بزرگی که در دنیا می‌شناشید - حالا به این تحولات کوچک و کودتاها و مانند آن که اسمش را انقلاب می‌گذارند کار نداریم؛ آنها اصلاً داخل در حساب نیستند - و انقلاب‌های واقعی که اتفاق افتاده، نتوانسته‌اند راه خودشان را ادامه بدهند؛ هدف‌ها تغییر پیدا کرده. همین هم هست که دشمنان ما را عصبانی می‌کند؛ همین است که امروز - اگر با خبرهای خارجی آشنا باشید - مکرّر می‌شنوید، گفته می‌شود که تا وقتی ایران دنبال انقلاب است، کار ما با ایران مشکل است؛ راست می‌گویند. و من اضافه می‌کنم تا وقتی این تفکّر انقلابی و حرکت انقلابی هست، به توفيق الهی پیشرفت ایران، نفوذ روزافزون ایران، هیمنه و تسلط معنوی و روحی ایران در منطقه و فراتر از منطقه، روزبه روز ان شاء الله بیشتر خواهد شد.^{۱۹}

آزاداندیشی و استفاده از نظرات مختلف

مصلحت ورود مجلس به برجام

در مسئله برجام ما آنچه نظرمان بود و باید عرض بکنیم، در خلال این ایام - چه پیش از اینکه این توافق انجام بگیرد، چه بعد از آنکه این توافق انجام گرفته است - عرض کرده‌ایم. یک بحثی که امروز وجود دارد بحث مجلس است؛ وضع حقوقی و قانونی و مانند اینها را کسانی که اهل این مسائل هستند باید بررسی کنند و ببینند که اقتضایات حقوقی و آنچه الزامات حقوقی این مسئله است چیست و طبق همان بایست عمل بشود؛ ما وارد آن نمی‌شویم. لکن آنچه از نگاه کلی من عرض می‌کنم - که به آقای رئیس جمهور هم این را عرض کرده‌ام - این است که به نظر ما مصلحت نیست که ما مجلس را از این قضیه برکنار بداریم؛ چون قضیه‌ای است که بالاخره دو سال است که کشور به‌طور کلی متوجه به آن است و حالا هم به یک نتایجی رسیده؛ پس باید مجلس وارد بشود. حالا مجلس چه بکند؟ بنده هیچ

توصیه‌ای ندارم به مجلس شورای اسلامی که با این چه‌جوری عمل بکند. اوّلًا نوع تصمیم‌گیری چه‌جوری باشد؟ به‌نحو تصویب یا رد باشد، یا به‌نحو دیگری تصمیم‌گیری کنند؟ آیا رد کنند، آیا تصویب کنند؟ بنده هیچ توصیه‌ای ندارم. نظر مُشَبَّع، نظر نمایندگان مُلت است در مجلس و اینکه مجلس چه بکند، چه نکند را ما عرض نمی‌کنیم. ما معتقدیم که بالاخره خوب است مجلس را برکnar نکنیم و نمایندگان مُلت باید تصمیم بگیرند.^۳

حضور در صحنه‌ها و عرصه‌های اجتماعی

آثار رفتارهای مسئولان

در فرهنگ‌سازی جامعه

یکی از خصوصیات رفتار مسئولان این است که در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کند؛ یعنی ما چه جوری مشی کنیم، چه جوری حرف بزنیم، چه جوری زندگی کنیم، با چه کسی معاشرت کنیم، با چه کسی قطع رابطه کنیم. این در جامعه فرهنگ‌سازی می‌کند. بنابراین شما کاری که دارید انجام می‌دهید، خدمتی که دارید می‌کنید – در هر بخشی که هست – اگر همچنان‌که مورد انتظار است و بحمدالله تا حدود زیادی هم در بسیاری از بخش‌ها بحمدالله تأمین شده است، وقتی با اخلاص همراه باشد، با کار فراوان همراه باشد، با دلسوزی همراه باشد، علاوه بر اثری که خود این کار در واقعیت بیرونی می‌گذارد، یک اثر بلندمدت هم می‌گذارد و آن عبارت است از همین فرهنگ‌سازی. مردم به ما نگاه می‌کنند، به شما نگاه می‌کنند؛ رفتارهای ما، منشهای ما سازندهٔ فرهنگ عمومی مردم است.^۱

ضرورت حضور در اردوهای جهادی

[نخبگان] روحیهٔ جهادی را بر روحیهٔ تافتهٔ جدابافته بودن ترجیح بدھید. یکی از خطراتی که گریبان کسانی را که یک امتیازی دارند می‌گیرد، این است که احساس کنند تافتهٔ جدابافته‌اند، احساس کنند یک سر و گردن از همه بالاتراند؛ این خطر بزرگی است، این یک خطر شخصیتی است، یک بیماری شخصیتی است؛ نگذارید این بیماری در شما رشد بکند و راهش هم این است که کار جهادی و روحیهٔ جهادی را در خودتان تقویت کنید. روحیهٔ جهادی یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفهٔ خود دانستن، همهٔ نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن؛ این روحیهٔ جهادی است. برای اینکه این روحیهٔ جهادی در شما تقویت بشود، حضورتان در اردوهای جهادی خیلی خوب است. نگویید وقتمنان تلف می‌شود؛ نه، بیشترین و بهترین استفاده از وقت همین است. درستان را بخوانید، پژوهشستان را بکنید، کارتان را بکنید، در اردوهای جهادی هم که در دورهٔ سال، چند هفته‌ای انسان را مشغول می‌کند شرکت کنید. این شما را با متن مردم آشنا می‌کند، این شما را با مشکلات و معضلات جامعه که غالباً از چشم مسئولین

دور می‌ماند، آشنا می‌کند. بعضی از مسئولین خبر از واقعیت‌های جامعه ندارند، دُور خودشان و یک شعاع محدودی را فقط می‌بینند؛ اینکه در روستاهای چه می‌گذرد، در شهرهای دور چه می‌گذرد، در خانواده‌های فرودست چه می‌گذرد، اینها را اصلاً ملتفت نیستند. این را من در طول این تجربه طولانی بیست سی ساله، مکرّر تجربه کرده‌ام؛ این را دیده‌ام در بعضی‌ها که به شما عزیزانم دارم عرض می‌کنم؛ خبر ندارند که چه هست. شما آن جوان هستید، نیرو دارید، حوصله دارید، وقت دارید، گرفتاری زیادی ندارید، از این فرصت استفاده کنید. یکی از فرصت‌ها هم همین اردوهای جهادی است؛ این اردوهای جهادی به مراتب بهتر از اردوهایی است که متأسفانه هنوز هم معمول است. با اینکه من هشدار داده‌ام، بعضی‌ها اردو درست می‌کنند که بفرستند اروپا؛ اردوی دانشجویی به اروپا! یکی از غلط‌ترین کارها این است؛ این اردوی جهادی، از آن به مراتب بهتر و شرافتمدانه‌تر و مفیدتر است. حضور در اردوهای جهادی، تماس مستقیم با مردم، احساس مسئولیت پیدا می‌کنید. انسان وقتی خدمت کرد به‌طور مستقیم، خدمت در چشم انسان عزیز می‌شود؛ نقاط ضعف را

^{۱۹} پیدا می‌کنید.

تدابیر دفاعی و رزمی

- افزایش آمادگی همه جانبی
- تعامل و هماهنگی بین نیروهای مسلح
- تولیدات و تجهیز سازمان رزم
- جبهه و دفاع مقدس
- روحیه شکیبایی، ایشار و شهادت طلبی

افزايش آمادگى همه جانبها

ضرورت ارتقاء آمادگى ها

برای مقابله با تهدیدات

مأموریت و وظایف قرارگاه پدافند هوایی در دفاع از کشور است. ... [و این قرارگاه] آمادگی ها و گزینه های خود را برای مقابله با انواع تهدیدات، به طور دائم ارتقاء دهد. ... حساسیت ها و دغدغه های مهم مأموریت های پدافندی گویای این واقعیت است که باید نقاط آسیب پذیر و همه راه کارهای ممکن دشمن را شناسایی کنید و برای مواجهه با تمام آنها راه حل و برنامه مشخص داشته باشد.^۲

ضرورت تجهيز دانشجويان

به ايمان، معنویت، دانش و روحیات عالی

گزارش فرمانده محترم اين دانشگاه که امروز فرمانده ميدان بودند، گزارش خوبی بود. من هم از طرق ديگري گزارش‌هايي دارم؛ شش دانشگاه ارش خوشبختانه کارهای خوبی انجام دادند، فعالیت‌های موفقی را انجام دادند که انسان را خرسند می‌کند لکن به هیچ وجه قانع نشويده؛ با چشم جستجوگر - مخاطب من مسئولین محترم ارشاند - با چشم دقیق و ریزبین عیوب را، اشکالات را، کمبودها را پیدا کنید و این دانشگاهها را در سطح مطلوب، در سطح عالی قرار بدهيد و جوان‌های عزيزی را که در اين دانشگاهها درس می‌خوانند و خود را برای آينده آماده می‌کنند، هرچه می‌توانيد به ايمان، به معنویت، به دانش، به روحیات عالی مجھز کنيد.^{۱۴}

مصنونيتبخشی کشور

از قدرتمدان غاصب جهانی

امروز نظام جمهوری اسلامی ایران، هم به ابزارهای جنگِ سخت، هم به ابزارهای جنگِ نرم نیاز دارد. دنیای محکومِ قدرت شیاطین، دنیایی که در رأس آن کسانی قرار داشته باشند که برای آنها مادیات، شهوت، پول، امکانات مادی اصل باشد، برای انسان‌های خداجوی، دنیای خطیری است؛ باید خود را آماده نگه دارند، باید خود را مجهز نگه دارند. اگر جمهوری اسلامی ایران و ملت شجاع و انقلابی ایران اجازه می‌دادند که قدرتمدان غاصب جهانی، آنها را در خودشان و در نظمات خودشان حل کنند، یعنی اگر بنا بود هسته اصلی خود، هویت خود، جوهر خود را نشان ندهند و به آن اهمیت ندهند، مورد دشمنی قرار نمی‌گرفتند. ظالم و زورگو تابع می‌طلبد؛ اگر کسی از او متابعت نکرد، آغازِ دشمنی است؛ باید آماده بود.

آمادگی شما نیروهای مسلح - چه ارتش، چه سپاه، چه بسیج، چه بقیه مجموعه‌های نیروهای مسلح - فقط به معنای این نیست که در نبرد بر دشمن پیروز بشوید بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید، وقتی شما مجهز باشید، وقتی مسلح به ایمان، مسلح به علم، آماده فدکاری باشید، دشمن جرأت نمی‌کند به طرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد؛ بله! تهدید می‌کنند، با زبان حرف‌هایی می‌زنند اما ملت ایران در دوران نزدیک به چهار دهه انقلاب نشان داده است که قوی است، قدرتمند است، نیرومند است، دارای هویت است، دارای گوهر است، دارای جوهر است، می‌ایستد؛ یک نمونه دفاع مقدس هشت‌ساله بود.^{۱۴}

جوانان!!

خودتان را آماده کنید!

جوان‌های عزیز! بدانید که عرصه شرف، عرصه عظمت، عرصه هویت اسلامی و ایرانی عرصه‌ای است که در آن شجاعت لازم است، فدکاری لازم است، دانش لازم است، ایمان عمیق لازم است؛ خودتان را آماده کنید؛ همه جوان‌ها مخاطب این حرف‌اند، اما شما جوان‌های عزیز ما در نیروهای مسلح از جهتی بیش از دیگران مورد خطاب هستید؛ باید خودتان را آماده کنید. حصن(پناهگاه) باشید به معنای واقعی کلمه؛ همان‌طور که در این شعری که خواندید، و اشاره کردید به اینکه نیروهای مسلح حصن و حصار هستند، باروی (جان‌پناه) کشور و ملت هستند؛ به معنای واقعی کلمه باروی کشور باشید.^{۱۴}

ضرورت شتاب

در پیشرفت‌ها و افزایش آمادگی‌های

برنامه‌ریزی برای فردای بهتر و پیشرفت‌های ایران اسلامی، در همه بخش‌ها ضروری است. ... نیروهای مسلح باید با شتاب در پیشرفت‌ها و افزایش آمادگی‌های خود، چنان اقتداری ایجاد کنند که دشمنان حتی جرأت نکنند خیال تعرض را به ذهن خود راه دهند.^{۱۵}

ضرورت ورود به حوزه‌های ناشناخته نظامی

ورود به حوزه‌های ناشناخته نظامی و ابتكارات جدید، در خصوص رزمایش‌های نظامی [اهمیت دارد]... طراحی رزمایش‌های نظامی باید به فضای جنگ و واقعیت‌های میدان جنگ نزدیک باشد و برای تمام امکانات و توانایی‌های دشمن، پیش‌بینی و آمادگی وجود داشته باشد.^{۱۶}

لزوم پرورش نسل آماده‌تر و دانشمندتر

برنامه‌ریزی برای فردای بهتر و پیشرفته‌تر ایران اسلامی، در همه بخش‌ها ضروری است. ... آینده کشور به دست جوانانی است که باید قدر آنها را دانست و برای آنکه ایران فردا بتواند تواناتر، مقتدرتر و با زبان گویاتر در منطقه و دنیا ظاهر شود، باید نسل بعد را آماده‌تر، مصمم‌تر، دانشمندتر و شجاع‌تر پرورش داد. ... پیشرفت‌های امروز نیروهای نظامی در بخش‌های مختلف بسیار ارزشمند است اما با توجه به عقب‌ماندگی‌ها باید شتاب حرکت را افزایش داد و چنان اقتداری ایجاد کرد که دشمنان حتی جرأت نکنند خیال تعرض به مرزهای این کشور را به ذهن خود راه دهند.^{۱۵}

تعامل و هماهنگی بین نیروهای مسلح

لزوم ارتباط با مراکز علمی و نظامی

[فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی]

... در ارتباط و تبادل با محافل علمی و نظامی، از آگاهی‌ها و امکانات موجود نهایت استفاده را ببرید و گزینه‌های خود را در مقابل انواع تهدیدات افزایش دهید و متنوع سازید.^۲

اهمیت پژوهش و پیشرفت‌های تحقیقاتی

پژوهش و پیشرفت‌های تحقیقاتی در نیروهای مسلح، [مهم است]. ... ظرفیت‌های بسیار خوبی در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور وجود دارد که باید ارتباطات علمی نیروهای مسلح با آنها تقویت شود.^{۱۵}

ضرورت همدى و همافريزي

امروز بحمد الله نيري دريایي ارتش، با نيري دريایي ارتش در سالهای اوّل انقلاب از زمين تا آسمان تفاوت كرده است، فرق كرده است. بنده، هم آن نيري دريایي را با جزئيات مى شناختم، هم اين نيري دريایي را مى شناسم؛ بچههای مؤمن، آماده به کار. همکاري داشته باشيد، همدى داشته باشيد، به يكديگر کمک كنيد، از تجربيات يكديگر استفاده كنيد؛ اين همافريزي، کمک خواهد كرد، اين ثروت ملی را افزایش خواهد داد.^{۱۷}

توليدات و تجهيز سازمان رزم

حضور راهبردي و مبتكرانه سپاه در برابر دشمن

آمادگي هایتان را افزایش بدھيد؛ هم آمادگي علمي را يعني در علم و در تحقیقات، هم آمادگي های ابزاری را يعني ابزارهای جنگی. ... دشمنان در مقابل ابزارهای به میدان آمده سپاه پاسداران به فکر افتادند که راهبردهای جنگی خودشان را تغیير بدھند؛ يعني حضور همراه با ابتكار سپاه در دریا موجب شد که آنها ناچار باشند که راهبردهای خودشان را تغیير بدھند. بنابراین، ابتكارات شما، ابداعات شما، نوآوری های شما در مسئله ابزارها و نوآوری در ابزار به موازات تحرک دشمن در کار علمي و ابزارسازی و حضور نظامي باید افزایش پیدا کند؛ و می شود؛ نوآوری ذهن انسان پایان ندارد. همان طور که فرض کنید یک روزی سپاه به این نتیجه رسید که دنبال قایقهای تندرو برود، می تواند که به مسائل جدیدی که فراتر از اين باشد، بهتر از اين باشد، قوي تر از اين باشد، فکر کند و به ميدان بياورد. دائم به فکر باشيد، دست برتر را داشته باشيد؛ ملاک «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» (انفال ٦٠، «قا با اين [تدارکات] دشمن خدا را بقراصانيد.») است. دشمن اگر نترسد، تعرض می کند؛ اگر نترسد، به خود جرأت می دهد که تجاوز بکند.

۱۷

جبهه و دفاع مقدس

ضرورت بازخوانی دوران دفاع مقدس

شما جوان‌های عزیز من حتماً قضایای دفاع
قدس را از پیش‌کسوت‌ها و قدیمی‌ها بشنوید؛
بروید مناطق را ببینید؛ طرح‌های عملیاتی، کارهای
شجاعانه و فداکارانه را با دقت از منظر نظامی
مورد توجه قرار بدهید؛ ببینید چه شد؟ ملت ایران
برای خود آبرویی جاودانه کسب کرد در دوران
دفاع مقدس؛ پس قدرت نیروهای مسلح بازدارنده
نیز هست.^{۱۴}

روحیه شگیبایی، ایثار و شهادت طلبی

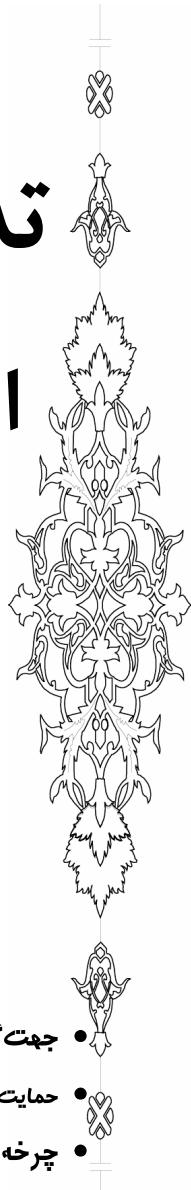
مجاهدت حضور خانواده‌های محترم

در منطقه جنوب

همین حالا حضور خانواده‌های محترم در منطقه جنوب یکی از آن کارهای بزرگ و مجاهدت‌آمیز است. من لازم است این را در حضور خانواده‌های محترم عرض بکنم. اینکه نیروی دریایی سپاه استقرار خود را در بندر عباس و در سواحل و در مناطق دشوار قرار بدهد و خانواده‌ها بروند آنجا و این سختی‌ها را تحمل کنند، خیلی با ارزش است. این چیزی نیست که انسان از آن به آسانی بگذرد.^{۱۷}

نقش سپاه، خانواده‌ها و جوانان در مناطق دریایی

نقش سپاه پاسداران در دریا نقش مهمی است، نقش فعالیت‌های جوانان منطقه جنوب - استان بوشهر یا بقیه استان‌های ساحلی - نقش برجسته‌ای است. جوان‌های جنوب حقیقتاً امتحان خودشان را داده‌اند و خوب داده‌اند و نشان داده‌اند که می‌توانند از حیثیت کشورشان و انقلابشان و نظامشان به معنای واقعی کلمه دفاع کنند. نقش خانواده‌های محترم و عزیزی که حضور در آن منطقه را پذیرفته‌اند و در آنجا ساکن شده‌اند، نقش بسیار مهمی است؛ اگر خانواده‌ها با مردان خانواده همراه و همدل نباشند کارها پیش نمی‌رود. امروز خوشبختانه زنان کشور ما، بانوان کشور ما انگیزه‌هایی دارند بسیار روشن، صمیمی، آگاهانه؛ در همه دوره جنگ هم همین‌جور بود. بنده این توفیق را گاهی دارم که با خانواده‌های شهدا بنشینیم، صحبت کنیم؛ غالباً مادرهای شهدا اگر از پدران شهدا، پرانگیزه‌تر و پرشورتر نباشند، کمتر نیستند و در بسیاری از این موارد انگیزه‌ها و بصیرت‌هایشان بیشتر هم هست. اینها زنان جامعه ما هستند؛ این خیلی برای کشور ارزش محسوب می‌شود.



تدابیر اقتصادی و مالی

- جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی
- حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی
- چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات
- جهاد اقتصادی

جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی

لزوم کاهش تورم و رفع رکود

مسئله کاهش تورم خیلی خوب است. البته به این مقدار تورمی که الان هست [سیزده و خرده‌ای] ما راضی نیستیم، یعنی تورم دو رقمی. ... - که همان تورم سالیانه البته ملاک است؛ تورم نقطه به نقطه چیز مورد اعتمانی نیست، چیز مهمی نیست؛ عمدۀ همین تورم سالیانه است - خب! کشورهایی

در دنيا که تورم دو رقمی دارند معدودند، خيلي
كماند و ما جزو کشورهایي هستيم که تورم دو
رقمی داريم. ما بایستی برسیم به تورم زیر ۵،
يعنى همت باید این باشد؛ باید تلاش کنیم که به
این برسیم. حالا گاهی اوقات به خاطر عوارضی -
عارض بیرون از اختیار و گاهی عوارض داخل
اختیار - تورم رشد می‌کند، خب! این پیداست که
ماندنی نیست و آن تورم‌های سطح بالا هیچ وقت
استمرار پیدا نکرده؛ اینها را بالاخره به یک شکلی
به سیر نزولی می‌کشانند و کشانده‌اید الحمد لله؛
توانسته‌اید؛ متنها به این اندازه اکتفا نکنید؛
تورم را پایین‌تر بیاورید. ولی خب! خوب است.
خود اینکه حالا فعلًا به سیزده چهارده رسیده، یک
قدم بزرگی است.

تلاشی که برای خروج از رکود می‌شود ... اين
خيلي مهم است، چون مسئله رکود، مسئله‌اي است
که هم روی تورم می‌تواند اثر بگذارد، هم روی
اشتغال می‌تواند اثر بگذارد؛ امر مهمی است مسئله
رکود در کشور. تلاش خوبی دارد انجام می‌شود.^۱

سرنوشت و پیشرفت واقعی کشور

برای کشور از لحاظ سرنوشت کشور و پیشرفت واقعی کشور، امروز اقتصاد مهم است؛ هم از لحاظ نمای بیرونی کشور مهم است؛ هم از لحاظ واقعیت‌های زندگی مردم مهم است. بنابراین مسئله اقتصاد در واقع اولویت اساسی کشور است و هرچه روی این مسئله فکر بشود، کار بشود، تلاش بشود، تذکر داده بشود، جا دارد.

اولاً در مورد اقتصاد، اعتقاد ما این است که پیشرفت اقتصاد کشور، باید همراه با عدالت باشد؛ ما اقتصاد منهای عدالت را قبول نداریم؛ یعنی انقلاب قبول ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی قبول ندارد. باید مراقبت بکنید که فاصله طبقاتی پیش نیاید؛ فقر پاییمال نشوند؛ اینها جزو مسائل اساسی در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی ماست که بعد به اقتصاد مقاومتی اشاره خواهم کرد؛ همین مسئله عدالت و تأمین حدائق‌ها در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دیده شده.

تبديل تلاش و کار به گفتمان در فضای عمومی، به نظر من یکی از کارهای اساسی در زمینه اقتصاد است، کار بالارزش در مجموعه کار روزانه که باید زیاد

باشد و کاهش اش يك عيب بزرگ است؛ سعى کنيم تنبلي را، بيکارگى را، بياعتنائي به کار را در چشم مردم به شكل درستی موهون(حقير، پست) کنيم؛ يعني بيکارگى باید موهون بشود؛ کار باید ارزش بشود. در روایت داریم که پیغمبر اکرم يك جوانی را دیدند، از این جوان خوششان آمد؛ صدایش کردند، مثلاً اسمش را پرسیدند، بعد گفتند شغلت چیست؟ گفت من بيکارم، من شغل ندارم؛ حضرت فرمودند: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي»؛ (بخار الانوار، ج. ۰۰، ص. ۹) از چشم افتاد؛ يعني کار اين طور است.

پیغمبر که با کسی رودربايسی ندارد. باید این جوری بشود. البته دو طرف طلبکاري می‌کنند از هم؛ آن‌که بيکار است، طلبکاري می‌کند و می‌گويد به من کار بدھيد؛ آن‌که مطالبه کار می‌کند، طلبکاري می‌کند و می‌گويد کار پیدا کن؛ يك راه وسطی وجود دارد که من شاید در خلال صحبت‌ها اشاره بکنم. باید بالاخره تشویق به کار، تشویق به ارزش آفرینی و ثروت آفرینی را در کشور تبلیغ بکنيم؛ هم دولتی‌ها بگويند، هم کسانی که در مجلات، در روزنامه‌ها و مانند اينها منبرهای گفتنی و نوشتنی دارند، استفاده کنند از اين موقعیت و بيان کنند اين مطالب را. يك نکته در مسئله کار اين است.^۱

راههای عبور از رکود

مسئله رکود؛ خب! این رشد سه درصدی که اتفاق افتاده، نشان دهنده این است که رکود تکان خورده؛ یعنی یک حرکتی انجام گرفته؛ حالا باید دید این رشد در کدام بخش‌ها هست، در کدام بخش‌ها منفی است؛ مجموع برآیند این مثبت و منفی‌ها شده سه درصد. اگر چنانچه به طور جدی با رکود مبارزه نشود، همین رشد سه درصد هم به خطر خواهد افتاد، تورم هم بالا خواهد رفت، مشکل اشتغال هم پیش خواهد آمد. حالا من اینجا بگویم که آقای نعمتزاده اگر می‌خواهند دنبال بکنند، تعداد کارخانه‌هایی را که الان کار نمی‌کنند - یعنی کارخانه‌ای است که همه چیزش آماده است و الان کار نمی‌کند - برای ما آمدند گزارش دادند؛ عدد و رقمی دقیق را؛ تعداد کارخانه‌هایی را که زیر پنجاه درصد دارند کار می‌کنند مشخص کردند؛ خب! زیر هفتاد درصد دارند کار می‌کنند مشخص کردند. خب! حالا هفتاد درصد یک چیزی اما زیر پنجاه درصد! بعضی از اینها مشکل نقدینگی دارند؛ یعنی سرمایه درگردشان مشکل دارد - که این کار کار بانک‌هاست، بایست بانک‌ها جواب بد亨ند در این زمینه؛ که اگر در اقتصاد مقاومتی، همان کارگاه اساسی و ستاد فرماندهی راه

بیفتند، به همه اینها می‌تواند برسد – اما مسئله بعضی از اینها مسئله نبود نقدینگی نیست، تسهیلات را هم طرف گرفته، کارخانه‌الآن حاضر و آماده است، هیچ مشکلی ندارد، ماشین‌هایش هم آن‌طور که حالا گفته‌اند بعضی از اینها این‌جوری است که ماشین‌ها هم ماشین‌های نو است، لکن کار نمی‌کند. چرا؟ برای اینکه تسهیلات را رفته جای دیگری خرج کرده؛ خب! این تعقیب قضائی دارد، اینها را باید دنبال بکنید، اینها را باید بخواهید. اینکه می‌گوییم «ستاد فرماندهی»، برای خاطر این است. این‌طور چیزها، این‌طور نکات دنبال خواهد شد. اگر به مسئله رکود رسیدگی نشود، روی همه نشانه‌ها و شاخص‌های اقتصادی اثر خواهد گذاشت. البته این قانون اخیر – قانونی که اشاره کردند – قانون خوبی است، منتهاً قانون کافی نیست. حمایت از بنگاه‌های تولیدی، تأمین نقدینگی، تأمین سرمایه‌درگردش، برخورد جدی با کسانی که واحدهای تولیدی آماده را راکد گذاشته‌اند، همه اینها کارهای لازمی است. و من در جلسه قبل هم – یک جلسه‌ای که با دوستان داشتم – گفتم، باز هم تأکید می‌کنم: سیستم بانکی باید نقش ایفا کند؛ یعنی سیستم بانکی باید به‌طور کامل وارد میدان بشود.^۱

مدیریت جدّی بازرگانی خارجی

یک مسئله در باب اقتصاد که من روی آن تکیه دارم و اصرار دارم، مسئله مدیریت جدّی بازرگانی خارجی است؛ بازرگانی خارجی یک چیز خیلی مهمّ است. خارجی‌ها عادت کرده بودند در طول سالیان دراز، به کشورهایی از جمله کشور ما، نگاهشان در مورد تجارت این‌جوری باشد که اینجا مواد خامی دارد، بیایند بردارند مواد خام را ببرند و ارزش افزوده برای خودشان درست کنند؛ یک بازار و مطالبه‌ای هم دارد که کالا بردارند بیاورند. ... ما معتقدیم که نه؛ خیلی خب! بخشی از بازارهای ما متعلق به تولیدکننده خارجی، اماً بخشی از بازارهای همان تولیدکننده خارجی هم متعلق به ما؛ یعنی یک تبادل و توارد عادلانه‌ای انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز مهمّ است. ... در مسئله واردات ... یکی از کارهای بسیار مهم، مسئله مدیریت تجارت خارجی است؛ از این جهت که اینجا صرفاً بازار مصنوعات خارجی نباشد که بازار خودرو، بازار فلان، بازار فلان یکسره داده بشود به آنها.^۱

سپردن برخی طرح‌ها به بخش خصوصی

یکی از کارهایی که پیشنهاد کرده‌اند، به ما گفته‌اند و می‌گویند زمینه آماده است، عبارت است از سپردن برخی از طرح‌ها به بخش خصوصی. البته برای بخش خصوصی مشوّق درست بشود؛ چون الان پول‌های سرگردان وجود دارد، بلاشک پول‌های سرگردان هست. به من آن‌جور که حال گزارش دادند، ۴۰۰ هزار میلیارد تومان ما طرح روی زمین داریم - همه هم دولتی است - اگر چنانچه ما بتوانیم دهدرصد اینها را بدھیم به بخش خصوصی، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؛ ۴۰ هزار میلیارد تومان ناگهان وارد کار می‌شود، این خیلی مهم است. یعنی از همین طرح‌هایی که الان روی زمین هست - یعنی از همین ۴۰۰ هزار میلیارد تومان - اگر دهدرصد داده بشود به بخش خصوصی، یک اتفاق مهمی در کشور می‌افتد. این یکی از کارهای است که باید واقعاً روی این برنامه ریزی کرد و کار کرد.^۱

معدن، یکی از بهترین جایگزین‌های نفت

آنچه به من گزارش شده این است که ما حداً کثر پانزده درصد از طرفیت معدنی کشور را داریم استحصال می‌کنیم؛ پانزده درصد! ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛ یعنی واقعاً بایستی ما بتوانیم من سال‌ها پیش - شاید بیست سال پیش - در دولت آنوقت گفتم. ما باید کاری بکنیم که هر وقت اراده کردیم، بتوانیم سر چاهه‌ای نفت خودمان را ببندیم؛ نه از کمبود مشتری بررسیم، نه از نداشتن بازار بررسیم، نه از نداشتن پول بهای نفت بررسیم؛ باید به اینجا بررسیم. خب! ما واقعاً بایستی به فکر بیفتیم؛ برای نفت باید جایگزین قرار داد. می‌بینید نفت چه وضعی پیدا کرده! یک اشاره قدرت‌ها و عناصر خبیث منطقه با همدیگر، موجب می‌شود که نفت ناگهان از صد دلار باید به چهل دلار! از وقتی که از صد دلار شروع کرده تنزل تا حالا، مگر چند ماه طول کشیده؟ خب! این قابل اطمینان نیست؛ آدم نمی‌تواند این را جزو سرنوشت اقتصاد کشور و گذران زندگی یک کشور بداند و آن را مربوط کند به یک چنین چیزی. نفت مال ماست، اما هم اختیارش دست دیگران است، هم درآمد بیشترش مال دیگران است. بیشتر از آنقدری که ما از صادرات نفت استفاده می‌کنیم، آن دولت واردکننده نفت در اروپا یا در جای دیگر دارد استفاده می‌کند، که مالیات می‌گیرد و فلان می‌گیرد. ما نفتخان را

داريم مى دهيم، پول مى گيريم؛ او نفت را مى گيرد از ما و از مردم خودش پول مى گيرد. استفاده آن دولت‌ها بيشتر از دولت ماست از فروش نفت. اين چه معامله پُرخسرانی است. خب! يك جاهایی ما مجبوریم البته نفت را تولید کنیم، چاره‌ای نداریم اما من واقعاً از ته دل خوشحال نمی‌شوم آنوقتی که ما آمار افزایش صادرات و افزایش تولید را می‌شنویم؛ همیشه به این فکر می‌کنم که ما باید جایگزین برای این پیدا بکنیم. بنابراین اگر بخواهیم جایگزین پیدا کنیم، يکی از بهترین جایگزین‌ها معادن است. آنوقت در مورد معادن هم بایستی از خام‌فروشی معادن بهشدت پرهیز کنیم. معادن بالارزشی ما داریم. در استان کرمان یا در جنوب خراسان، سنگ‌های فوق العاده بالارزشی وجود دارد. اینکه ما این سنگ را همین‌طور یک دفعه‌ای بکنیم، بفرستیم ایتالیا که آنها بعد تبدیل کنند و ارزش افرودهاش را چند ده برابر ببرند، احیاناً گاهی برای خود ما هم آنها را بفرستند و صادر کنند داخل کشور ما، آدم خبیلی زورش می‌آید که یک‌چنین چیزی بشود. بنابراین، این هم یک مسئله است. و بهنظر من در قضیه معدن هم مسئله بخش خصوصی مهم است. و استان‌ها هم آن‌طور که به من گزارش شد، استاندارها و افرادی از این قبیل اظهار می‌کنند که می‌توانند بخش خصوصی را وارد کنند در قضیه معدن و در بعضی جاهای دیگر.^۱

ایجاد مجاری درست کار و اشتغال

در مورد اقتصاد ... یک مسئله دیگر، ایجاد مجاری درست کار است؛ که این یک حرف است، یک کلمه است، منتهای کار خیلی بزرگ و مهمی است؛ مجاری کار را بایستی ما به وجود بیاوریم. وقتی راجع به کار و اشتغال انسان صحبت می‌کند و تشویق می‌کند - همین‌طور که عرض کردم - طرف مقابل می‌گوید: خب! آقا من بیکارم، چه کار کنم؟ راههای جستجوی کار را ما بایستی به مردم نشان بدھیم. در تلویزیون یک برنامه‌ای چند روز قبل من دیدم که برنامه خوبی بود؛ گزارشی تهیه کردند. یک نفری می‌آید آنجا و می‌گوید که من با ده میلیون تومنان توانسته‌ام این اشتغال را ایجاد کنم که این‌قدر درآمد دارد. مربوط به پرورش گل است، می‌گوید گل تولید می‌کنیم. بعد او اشاره می‌کند و می‌گوید کسانی که مایل‌اند این کار را انجام بدھند، در فلان‌جا و فلان‌جا زمین‌های دولتی هست و در اختیارشان گذاشته می‌شود؛ بروند مثلًاً گل تولید کنند. من یادم هست دوستان اقتصادی در یک برھه‌ای قبل از دولت شما، آمده بودند بحث می‌کردند راجع به اینکه با چقدر پول می‌شود یک شغل ایجاد کرد؛ صحبت صد میلیون و بعضی مشاغل پانصد میلیون و این چیزها بود. خب! با ده میلیون می‌شود شغل ایجاد کرد. حالا این یک نمونه است؛ یک نمونه دیگر که اتفاقاً آن هم در همین تلویزیون بود؛ یک برنامه دیگر

بود؛ یک خانمی بود که یک چیزهایی درست می‌کرد و می‌گفت من این شغل را با بیست میلیون سرمایه‌گذاری توانستم به دست بیاورم. خب! معلوم می‌شود ظرفیت‌ها خیلی زیاد است. یک جلسهٔ دیگر همین‌جا با آقایان بودیم، صحبت شد که رشد ما باید بالا باشد؛ گفتم رشد بعضی از کشورهای پیشرفتهٔ اروپایی غالباً دو، یک، یک و نیم درصد است؛ علت این است که ظرفیت‌ها پر شده؛ کما اینکه مثلاً فرض کنید کشور چین که رشد ده، یازده، دوازده درصدی داشت، حالا آن رشدش پایین افتاده؛ برای خاطر اینکه ظرفیت‌ها ایش پر شده؛ ظرفیت‌های زیادی پر شده و کمتر هم خواهد شد؛ ما ظرفیت‌هاییمان هنوز خیلی زیاد است. لذا دوستانی که راجع به رشد هشت درصدی در برنامهٔ ششم، اشکال می‌کردند، پاسخی که داده شده به آنها از طرف آدمهای کارشناس و متخصص این بود که ما می‌توانیم و با واقعیت‌های کشور تطبیق می‌کند؛ ... بنابراین یکی از مسائل، ایجاد مجاری کار است که ما ببینیم چه جوری می‌شود کار ایجاد کرد. حالا این به عهدهٔ کدامیک از بخش‌های دولتی است؟ آقای رییسی (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) که همیشه می‌گوید مسئلهٔ اشتغال و مانند اینها به عهدهٔ من اصلاً نیست و خودشان را خلاص می‌کنند ولی بالاخره یکی از بخش‌ها، یا شما یا سازمان برنامه مسئول است؛ البته وزارت اقتصاد هم به یک معنا در بعضی از جاهای واقعاً مسئول است؛ اینکه ما وزارت اقتصاد را مسئول

^۱ بدانیم، منافات ندارد.

گسترش صنایع

از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان

برنامه‌ریزی و حمایت دولت به‌ویژه معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای گسترش صنایع مرتبط با فناوری ارتباطات، بسیار ضروری است. ... گسترش این صنایع از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان، تأثیر بالایی در اشتغال‌زاگی و تحول در اقتصاد کشور خواهد داشت.^۶

حمایت از حقوق مالکین و مبارزه با مفسدان اقتصادی

خرج تسهیلات در غیر جای خود

[وزارت صنایع و معادن و سیستم بانکی] اگر می‌خواهند دنبال بکنند، تعداد کارخانه‌هایی را که الان کار نمی‌کنند - یعنی کارخانه‌ای است که همه چیزش آماده است و الان کار نمی‌کند - ... تسهیلات را هم طرف گرفته، کارخانه الان حاضر و آماده است، هیچ مشکلی ندارد، ... لکن کار نمی‌کند. چرا؟ برای اینکه تسهیلات را رفته جای دیگری خرج کرده؛ خب! این تعقیب قضائی دارد، اینها را باید دنبال بکنند، اینها را باید بخواهید.^۱

چرخه تولید و کیفیت بخشی به محصولات

تلاش برای خودکفایی

در تولید محصولات حیاتی

بخش کشاورزی هم مهم است. ... متنها آن چیزی که ما از ایشان [آقای حجتی وزیر جهاد و کشاورزی] و از مجموعه توقع داریم، این است که در تولید محصولات حیاتی باید خودکفایی به وجود بیاید؛ یعنی خودکفایی را به حرف و گپ این و آن نگاه نکنید که آقا گندم، بیرون ارزان‌تر است، و مانند اینها. ما باید به خودکفایی برسیم؛ در مواد حیاتی باید به خودکفایی برسیم.^۱

اهمیت به صنایع روستایی و تمرکز بر روستا

یک مسئله اساسی‌ای که این عمدتاً مربوط به وزارت کشاورزی است - متها فقط کار وزارت کشاورزی نیست - تمرکز بر روستا است. یعنی واقعاً این را یکی از بخش‌های اساسی برنامه‌ریزی دولت باید قرار داد: ما متمرکز بشویم روی روستا.

حرفش را در سال‌های مختلف خیلی زده‌ایم اما این کار عملاً اتفاق نیفتاده. ما بایستی صنایع تبدیلی را به روستاهای ببریم، به بعضی از شهرها ببریم. من در ارومیه دیدم سبب روی زمین ریخته بود! گفتند اصلاً نمی‌ارزد؛ پول کارگر خیلی بیشتر از آن پولی است که ما از فروش این سبب به‌دست می‌آوریم یا هلو، زردالو، انگور؛ خب! آنجا صنایع تبدیلی می‌خواهد. خیلی از جاهای گوناگون کشور، ما این میوه‌ها را داریم که در بعضی از اوقات، صرف نمی‌کند برای صاحب باع که این میوه را جمع بکند. ما اگر صنایع تبدیلی داشته باشیم، خشک‌کننده داشته باشیم، بتوانیم آنجا از اینها استفاده بکنیم، این کار را باید بکنیم. و

ظرفیت‌ها فوق‌العاده است؛ واقعاً فوق‌العاده است.

من در ایرانشهر یک گوجه فرنگی دیدم به قدر
یک گرمک! یک دانه اختصاصی نبود؛ اصلاً گوجه
فرنگی همین اندازه بود. آنجا یک باعث بود بین
بمپور و ایرانشهر - وقتی که ما آنجا تبعید بودیم،
دعوت کردند ما را، گوجه فرنگی آوردند به قدر
یک گرمک! پیاز آوردند به قدر همین مشت من!
من یادم است، پیاز را گرفتم در دستم، گفتم من
می‌خواهم این را اندازه بگیرم، بتوانم بگویم؛ به
همین اندازه مشت من بود؛ انگشت‌های من خم
نشد، وقتی این پیاز را در دست گرفتم. یعنی به
این بزرگی! خب! ما اینها را داریم. خیلی جاها در
سرتاسر کشور، این امکانات وجود دارد. اگر به
صنایع روستایی اهمیت بدهیم، اگر به روستاهای
اهمیت بدهیم، اگر به این باعدهای اهمیت بدهیم،
اینها بهترین خدمت به روستاهای و به فقرای ما در
روستاهای و در جاهای دیگر است.^۱

جلوگیری از واردات

جلوگیری از واردات؛ ببینید من باز هم تأکید می‌کنم. حالا شما می‌گویید ما جلوی واردات را گرفتیم اما میوه‌هایی در بازار هست که وارداتی است. آخر ایران برود از کجا میوه بیاورد که بهتر از میوه ما باشد؟ یک وقتی زمان ریاست جمهوری ما، یک نفری از یک کشور عربی - اسم نمی‌آورم - آمده بود، سوغاتی برای من یک جعبه خیلی قشنگ، خرما آورده بود. گفتم مصدق واقعی زیره به کرمان بردن این است. ما این‌همه خرما داریم - این خرمای مضافتی، این خرماهای گوناگون جنوب کشور؛ چه در استان فارس، چه در خوزستان، چه در بلوچستان - آنوقت حالا برای ما خرما آورده‌اند؛ متنه در بسته‌بندی. من آنوقت همان هدیه را بردم در دولت، گفتم این خرما را مقایسه کنید با خرماهای ما! خرماهای ما بهتر از این هستند اما این بسته‌بندی چقدر قشنگ است. آنوقتها خرماهای ما در آن کیسه‌های فلان‌جور، با لگد توی حصیر می‌کردند، سرش را می‌بستند و عرضه می‌کردند! حالا البته یک خرد بخوبی شده. بهرحال واردات میوه، واردات بی‌رویه است.^۱

جهاد اقتصادی

بخش برنامه‌ای اقتصاد مقاومتی

یکی هم مسئله اقتصاد مقاومتی است. خب! امسال سال دوم اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی پارسال - سال ۹۳ - شروع اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بود. ... کارهایی که انجام گرفته در زمینه اقتصاد مقاومتی، بعضی‌هایش کارهای مقدماتی است؛ حالا مثال‌هایش را بخواهم بزنم، طول می‌کشد، وقت می‌گذرد؛ بعضی از کارهایی که گزارش شده، مربوط به بندهای اقتصاد مقاومتی نیست، اگرچه حالا ارتباط داده شده اماً کارهای جاری دستگاه‌هاست؛ بالاخره دستگاه‌ها یک کارهای جاری دارند و اینها را به شما گزارش کردند که این کارها را ما کردیم؛ اینها آمده جزو کارنامه دستگاه‌ها در زمینه اقتصاد مقاومتی؛ درحالی‌که این نیست. بعضی از کارها هم ارتباطی اصلاً به بندهای اقتصاد مقاومتی ندارد؛ این مقدار کافی نیست. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی یک بستهٔ کامل و منسجم است؛ این بسته هم

تراوosh شده فکر شخصی نیست؛ این عقل جمیع است، یک جماعتی نشسته‌اند؛ دوستان اقتصاددان حاضر در این مجلس هم بعضی‌هایشان می‌دانند و مطلع‌اند. کار مفصلی انجام گرفته روی این، بعد هم آمده اینجا، چکش‌کاری شده، روی آن بحث شده، فکر شده، مطالعه شده؛ بعد رفته مجمع تشخیص مصلحت نظام و روی آن مطالعه شده؛ بالاخره آمده و نتیجه شده این سیاست‌ها. یعنی محصول یک فرآیند معقول و مدبّرانه‌ای است؛ لذاست که اقتصاد مقاومتی را همه تأیید کردند، یعنی من یک مورد سراغ ندارم که از اقتصاددان و از کسانی که با ما خوب‌اند، کسانی که با ما بد هستند؛ که این اقتصاد مقاومتی، این سیاست‌ها را تخطیه کرده باشند؛ نه، همه قبول کردند.^۱

تهيه برنامه اجرائي و عملياتي منسجم

سياست‌های اقتصاد مقاومتی

خب! اين[سياست‌های اقتصاد مقاومتی] يك بسته منسجم است، باید مجموعاً انجام بگيرد؛ چه جوری می‌شود مجموعاً انجام بگيرد؟ آنوقتی که يك به اصطلاح برنامه اجرائي و عملياتي منسجمی برای آن ارائه بشود؛ که اين چيزی بود که من چند وقت پيش به آقای دکتر روحانی گفتم و بنا شد که ايشان بگويند دوستان تهيه کنند انشاء الله اين را بدهند، اين لازم است؛ يعني ما يك برنامه عملياتي لازم داريم؛ در اين برنامه مشخص بشود سهم دستگاهها، فلان دستگاه اين سهم او است از اين بندهای سياست‌ها، بعد زمان گذاشته بشود؛ زمان خيلي مهم است، زمان‌بندی بشود، معلوم بشود که تا اين زمان باید انجام بگيرد والا اگر زمان‌بندی نشود؛ هیچ ضمانتی وجود ندارد که اين در طول دولت شما حتی انجام بگيرد، شما می‌خواهید اين را عملياتي کنيد، می‌خواهيد اجرائي کنيد، می‌خواهيد از منافعش مردم استفاده کنند، پس

زمان بگذاري. او لاً بايستى اقدامات عملی لازم در خصوص هر بند مشخص بشود، مجریهايش دستگاههایی که متصلی اند معلوم بشوند، در هر بخشی زمانبندی لازم انجام بگیرد، امکانات لازم و چگونگی تأمین آن امکانات بايستی روشن بشود، بالاخره اين سياستها يك تحرّک عملی است و میداني است؛ وقتی راهکار فراهم میکنيد، در واقع يك تحرّک میداني میخواهد بهوجود بیاوريد، اين الزاماتی دارد. الزاماتش چیست؟ چه جوری میشود تأمین کرد؟ راه تأمین آن الزامات باید مشخص بشود. آنوقت اگر اين کارها شد، آنوقت شما میتوانيد رصد کنيد، میتوانيد پیگیری کنيد، ببینيد شد یا نشد؟ فلان دستگاه کار خودش را انجام داد یا نداد؟ کار پیش میرود.^۱

گنجانیدن همه برنامه‌های اقتصادی

در مجموعه اقتصاد مقاومتی

همه برنامه‌های اقتصادی دولت بایستی در این مجموعه اقتصاد مقاومتی و در این سیاست‌ها[۱] اقتصاد مقاومتی [بگنجد؛ حتی برنامه ششم و برنامه و بودجه‌های سالیانه، همه باید براساس این اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد؛ یعنی هیچ‌کدام از اینها در هیچ بخشی، غیرمنطبق با این سیاست‌ها نباشد؛ نه اینکه فقط مخالفت نداشته باشد بلکه کاملاً منطبق با این سیاست‌ها باشد.

نکته دیگر[در اقتصاد مقاومتی] این است که بخش‌های بیرون از دولت دیده بشوند؛ حالا شما در مورد وزارت‌ها و بخش‌های دولتی ممکن است ابلاغ کنید؛ اما بخش‌هایی وجود دارند خارج از دولت؛ اینها می‌توانند در اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کنند، از جمله بسیج؛ من یک گزارشی هم دیدم. خیلی لازم است به نظر من - اگر وقت کنند آقای رئیس‌جمهور یا لاقل آقای جهانگیری - که بخواهید و ببینید مجموعه بسیج در مورد اقتصاد

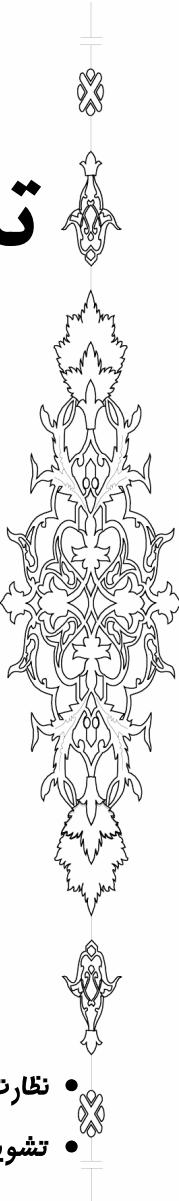
مقاومتی چه کارهایی می‌توانند انجام بدهند و ظرفیتش را دارند؛ ظرفیت خیلی خوبی است. بسیج چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست؛ بسیج یک مجموعه عظیم و آماده‌به‌کاری است؛ اینها را بخواهید، ببینید چه کار می‌توانند بکنند؛ اینها می‌آیند امکانات خودشان را عرضه می‌کنند و می‌گویند این کارها را هم کرده‌ایم. به نظر من امکاناتِ خوبی هست. حالا از جمله من بسیج را مثال زدم؛ بخش‌های گوناگونی هستند، افراد اقتصاددان و به‌اصطلاح اقتصادی عمل‌کن بیرونی؛ بعضی‌ها هستند که شرکت‌هایی دارند و کارهایی دارند، از ظرفیت‌های اینها می‌شود استفاده کرد. و همه اینها در آن برنامه کلی باید بیاید؛ یعنی برنامه کلی، فقط ناظر به بخش‌های دولتی نباید باشد. پس قدم اول، ایجاد این برنامه بود با این خصوصیات.^۱

ضرورت تشکيل ستاد عملياتي فعال

برای تحقق سياست‌های اقتصاد مقاومتی

ما از برادرانمان در دولت خواهش کردیم که یک برنامه جامع عملیاتی و کاربردی برای تحقق سیاست‌های مقاومت اقتصادی تهیه کنند؛ این را ما، هم در جلسه با هیئت دولت گفتیم، هم به آقای رئیس جمهور محترم گفتیم؛ و انتظار داریم که ان شاء الله این تهیه بشود. اقتصاد مقاومتی قابل تجزیه نیست که ما بگوییم این بخش از آن را عمل می‌کنیم؛ نه، یک کل است، یک مجموعه کامل است که اجزای آن مکمل یکدیگر هستند؛ یک برنامه عملیاتی واحد لازم دارد که به همه اجزای آن برسد. البته برادرانمان در دولت این همت و نیت را دارند، تلاش هم ان شاء الله خواهند کرد و این کار تحقق پیدا می‌کند. اگر چنانچه این اتفاق بیفتد، برای ما هیچ اهمیتی ندارد که آن مقدار پولی که به ایران بر می‌گردد مثلاً صد میلیارد دلار است یا پنج میلیارد دلار؛ یعنی واقعاً اهمیت این در درجه بعد قرار می‌گیرد. البته آنچه ما از دنیا

طلبکاریم، آنچه در دست دیگران داریم - که تاکنون به نحو ظالمانه‌ای جلوی آن گرفته می‌شده - باید مورد استفاده ما قرار بگیرد، در این بحث نیست اما اهمیت تحقیق اقتصاد مقاومتی که اصلاً هم متوقف به این پول‌های خارجی به این شکل و با این شدت نیست، بیشتر از همه اینهاست. به نظر ما اگر بتوانیم این اقتصاد مقاومتی را با یک برنامه عملیاتی - نه فقط در زبان - تحقیق ببخشیم و در خارج پیاده بکنیم، کارمان به خوبی پیش خواهد رفت و مردم هم به ما کمک خواهند کرد. عرض کردیم که یک ستاد عملیاتی فعالی هم در دولت ان شاء الله تشکیل بشود که دنبال کنند، تکلیف هر دستگاهی را معین کنند که کدام بخش از کار، به‌عهده کدام یک از دستگاه‌های اقتصادی و غیر خدماتی است؛ و زمان‌بندی کنند، معین کنند که در چه مدد و در چه زمانی این وظیفه را آن دستگاه انجام خواهد داد و پیگیری کنند تا اینکه ان شاء الله این کار انجام بگیرد و این تحرک عظیم و همه‌جانبه ملی تحقیق پیدا کند.^۳



تداپیر نظارت و بازرگانی

- نظارت و کنترل عملکرد

- تشویق و تنمیه

نظارت و کنترل عملکرد

هشدار! خیانت و رزی دلسربدکنندگان

آن چیزی که به نظر من هشدار است، خطر است: ما در داخل کشور عناصر دلسربدکننده داریم؛ مراقب باشید! مسئولین مراقب باشند! چه جوری دلسربد می‌کنند؟ موجودی‌ها را نفی می‌کنند. حالا مراکز علمی که شاخص‌های پیشرفت علمی را در دنیا معرفی می‌کنند، مراکز مشخصی هستند که همه می‌شناسید. اینها یک شهادتی می‌دهند به نفع جمهوری اسلامی، این حضرات در داخل کشور، یا در روزنامه و مجله، یا در تریبون‌های رسمی و غیر رسمی این دستاوردها را انکار می‌کنند، اینها را توهّم می‌شمنند! که گاهی اوقات می‌شنویم. این

توهّم نیست، واقعیت است. سلول‌های بنیادی واقعیت است، نانوی پیشرفته واقعیت است، پیشرفتهای هسته‌ای واقعیت است؛ همه دنیا آن را می‌دانند؛ اما اینها منکر می‌شوند. حالا یک روزی، حدود پانزده شانزده سال قبل از این، اگر کسی منکر می‌شد اشکالی نبود، چون شروع کار بود، خبر نداشتند؛ اما امروز همه دنیا می‌دانند – یعنی مراکزی که باید بدانند – که ایران در یک حرکت عظیم، سریع، در جاده علم و فناوری دارد پیشرفت می‌کند؛ این را همه دنیا می‌دانند، آنوقت کسانی بیایند جوان‌های ما را دلسربد کنند؛ هم دلسربدی از حال، هم دلسربدی از آینده؛ این که بگویند: «آقا چه فایده دارد؟ برای که؟ برای چه؟» اینها دلسربدکننده است! اینها خیانت است!! هر کس بکند، خیانت است! مدیری انجام بدهد، خیانت است! استادی انجام بدهد، خیانت است! نویسنده روزنامه و مجله‌ای انجام بدهد، خیانت است! خیانت به کشور است! خیانت به ناموس ملّی است!^{۱۹}

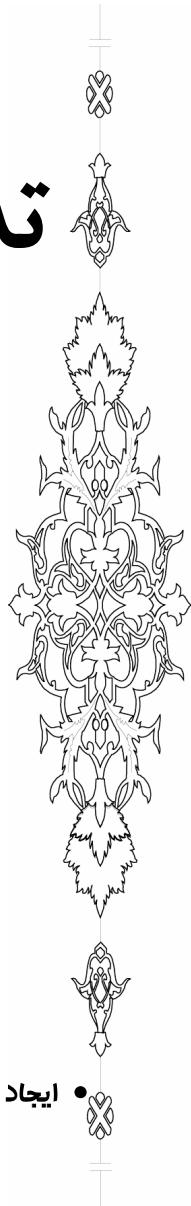
هشدار! خيانت ورزى فرار مغزها

يکى دیگر از خطرها: شناسایي کردن نخبه‌ها برای عوامل بيرونی؛ اين هم هست؛ از اين هم بنده گزارش‌هایی دارم، خبرهایی دارم؛ بررسی می‌کنند، جستجو می‌کنند، نخبه‌ها را پیدا می‌کنند؛ نه برای اينکه در داخل تشویق بشوند، تربیت بشوند؛ بلکه برای عوامل بيرونی، که به آنها معرفی کنند، حلقة واسطی بشوند برای مهاجرت نخبگان و به تعبیر رايچ «فرار مغزها». اين هم خيانت است؛ اين خيانت است؛ اين ولو ممکن است در پوشش دلسوزی برای اين دانشجو انجام بگيرد اما اين دلسوزی نیست. اينکه ما دانشجو را تشویق کنيم و بگويم «آقا! اينجا چيست؟ چه کسی به تو می‌رسد؟ چه کسی به تو اعتنا می‌کند؟ بگذار برو آنجا، زندگی کن، پيش برو، پيشرفت کن» اين خيانت است! اين پشت‌كردن به کشور و منافع کشور و آينده کشور است و وادارکردن يك جوان نخبه به اين کار است!^{۱۹}

تشويق و تنبيه

هشدار! لزوم تشويق عناصر مؤمن

يکی از هشدارهایی که واقعاً باید وزرای محترم به آن توجه کنند، مقابله با عناصر متدين و انقلابی در دانشگاههاست. عناصری هستند متعهد به انقلاب، پاییند انقلاب، پاییند به مسائل دینی و ظواهر دینی، کسانی با اينها از مسئولین - حالا بين خود دانشجوها سلایق مختلفی هست، اشكالی هم ندارد؛ ممکن است بگويمويی هم بینشان بشود، اهميتي ندارد؛ محيط دانشگاه است - از طرف اساتید، مدیران، با يك چنین عنصری، با يك چنین جوانی، با پسری يا دختری که متعهد و پاییند است، مقابله کند! اين قابل قبول نیست! باید عناصر مؤمن تشويق بشوند! حالا از اين قبيل مسائل وجود دارد.^{۱۹}



تدابیر امنیتی و حفاظتی

• ایجاد آرامش و امنیت

ایجاد آرامش و امنیت

مصیبت بزرگ منا و نامنی برای حاج

این حادثه[منا] برای ما از دو جهت عزا بود، مصیبت بود: یکی از جهت چندصد نفر حاجیان عزیز خودمان که مظلومانه و ای بسا عده‌ای از آنها با زبان تشهه از دنیا رفتند؛ خانواده‌های آنها که خرسند بودند از اینکه عزیزانشان از حج بر می‌گردند و آغوش را برای اینها باز کرده بودند، حالا باید با جنازه‌های آنها روبرو بشوند؛ این مصیبت بزرگی است. هنوز هم تعداد کشته شدگان ما معلوم نیست، ممکن است به چندصد نفر برسد. این علت اوّل که ملت به معنای حقیقی کلمه در این قضیه مصیبت‌زده است.

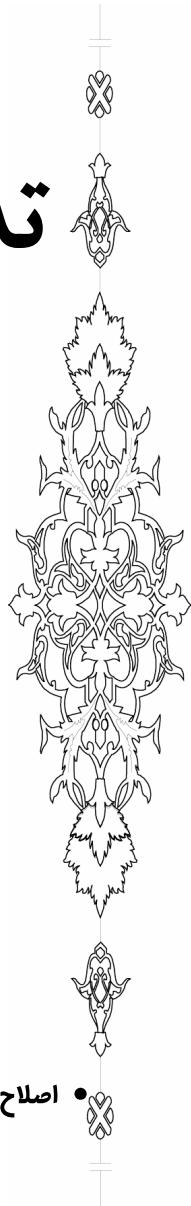
دوّم برای دنیای اسلام؛ آن طور که به ما گزارش داده‌اند بیش از پنج هزار کشته از دنیای اسلام و از کشورهای مختلف وجود داشته است. حج، جایگاه امنیت است: «وَ اذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا»؛ (سوره بقره، آیه ۱۲۵) قرآن می‌گوید ما خانه کعبه را محل اجتماع و رجوع امت اسلامی و محل امنیت قرار دادیم؛ باید امن باشد؛ کو امنیت؟ این امنیت است که در حین مناسک حج، بر جان انسان‌ها دست تطاول(ستم و تعدی) گشوده بشود؟.^{۱۴}

امنيت دریا و سواحل دریایی

درباره نیروی دریایی سپاه آنچه مهم است، حضور فرزندان انقلاب و نیروهای انقلاب در دریاست؛ این خیلی نقطه اساسی و مهمی است. امنیت، زیرساخت همه پیشرفت‌های یک ملت است. اگر امنیت نباشد، نه اقتصاد هست، نه فرهنگ هست، نه سعادت شخصی و نه سعادت عمومی مردم اجتماع هست. امنیت دریا برای کشورهایی که سواحل دریایی دارند از جهاتی مهم‌تر است؛ چون دریا یک وسیله ارتباطی عمومی بین‌المللی است. حضور قدرت‌ها، حضور ملت‌ها در دریا یک حادثه استثنائی محسوب نمی‌شود، یک امر رایج و دایری است. اگر کشوری که همسایه دریاست و ساحل دریایی دارد، نتواند دریا را در مجاورت خود امنیت ببخشد، در واقع ارکان امنیت داخلی خود را نتوانسته است بسازد. لذا امنیت دریا خیلی مهم است. خب! جوان‌های ما بحمدالله در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در این زمینه‌ها کار کردند؛ کارهای برجسته و بالارزشی انجام دادند. نباید اینها در تاریخ حساس بعد از انقلاب نادیده گرفته بشود.^{۱۷}

پژوهش و نخبگی و تأمین‌کنندگان امنیت

این توانایی‌ها را، این «هر کاری می‌توانید بکنید» را از انقلاب و نیز از تأمین‌کنندگان امنیت کشور بدانید. ... اگر امنیت نباشد، دانشگاه نیست، تحقیق نیست، پژوهش نیست، نخبه‌سازی نیست. آنجایی که امنیت نیست، در واقع هیچ‌چیز نیست؛ آنجا زندگی انسان‌ها هم در خطر تهدید لحظه‌ای و دائمی است. این آمادگی‌ها را، این آموزش‌ها را، این فرصت‌ها را از این تأمین‌کنندگان امنیت هم بدانید.^{۱۹}



تداپیر حقوقی و قانونی

• اصلاح قوانین و روش‌ها

اصلاح قوانین و روش‌ها

تعیین الزامات قانونی و حقوقی و قضائی

یک الزامات قانونی و حقوقی و قضائی هم در مجموعه اقتصاد مقاومتی وجود دارد؛ دو قوهٔ دیگر حاضرند همکاری کنند، هم قوهٔ مقننه - مجلس - در این زمينه آماده است برای همکاری؛ مثلاً قانونی هست که شما قانون را باید عوض کنید یا اصلاح کنید یا قانون جدیدی را بر این قوانین اضافه کنید؛ احتیاج به این چیزها پیدا می‌کنید؛ یا یک جایی یک حرکت قضائی لازم است؛ همه اینها را دو قوهٔ حاضرند همکاری کنند برای اينكه اين اقتصاد مقاومتی انجام بگيرد.^۱

تدابیر پژوهشی، تحقیقاتی

- جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی
- بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها
- توجه و حمایت از تحقیقات علمی
- تولید علم و افزایش قدرت علمی
- بعره‌گیری بهینه از نخبگان

جهت‌گیری تحقیقاتی و پژوهشی

تجاری‌سازی علوم و فناوری‌ها

روی شرکت‌های دانش‌بنیان ... حتماً باید تکیه بشود؛ تجاری‌سازی علوم و فناوری‌ها، پارک‌های علم و فناوری و مانند اینها کارهای بسیار لازم و خوبی است. بیینید ما یکی از مشکلات اقتصادی‌مان مسئله اشتغال است؛ یکی از بهترین راه‌های اشتغال، همین پارک‌های علم و فناوری و همین وارد کردن دانشجویان به فناوری‌های قابل

تبديل به ثروت است. يك مقداری به اينها کمک بشود، يك راهنمایي بشوند، يك کار عملی و عملیاتی - واقعی - جلوی پای اينها گذاشته بشود، اينها مشغول می‌شوند. اين تصور که هر کسی فارغ‌التحصیل شد، باید باید در يك مجموعه دولتی کارمند بشود و مانند اينها، و ما عزا بگيريم که فارغ‌التحصیل‌ها زياد شدند، جا نداريم، امكان نداريم، اين به نظر من نگاه غلطی است. نگاه درست اين است که ما راه را باز کنيم؛ برای اين باید فکر بشود؛ يعني باید برنامه‌ريزي بشود که دانشجوی ما از دوران تحصیل - از مثلاً فرض کنيد دوران دانشگاه يا مثلاً فرض کنيد تحصیلات تكميلي؛ وقتی که وارد آگاهی‌های علمی سطح بالا شد - راه برای او باز بشود تا بتواند باید در يك جايی کار علمی بكند؛ و واقعاً شغل‌های بي‌پایان وجود دارد. به نظر من مشاغلی که ناشی از علم هست، انتها ندارد. هرچه ما آدم داشته باشيم، می‌توانيم شغل علمی در اختیار اينها بگذاريم، مشروط بر اينکه بنشينيم کار کنيم.^۱

توجه به توانمندی‌ها و مرعوب غرب نشدن

[نخبگان] مرعوب غرب هم نشوید. درست است که امروز غربی‌ها از لحاظ علم و فناوری از ما خیلی جلوتراند اما شما مرعوب این جلوتر بودن نشوید. چرا؟ برای اینکه شما از آنها بالاتر هستید. آنکه شما می‌بینید امروز فناوری پیشرفته دارد و صنایع و اختراقات و مانند اینها دارد، ۲۰۰ سال است شروع کرده؛ شما ۳۵ سال است شروع کرده‌اید؛ انقلاب شما ۳۵ ساله است؛ شما در طول ۳۵ سال توانسته‌اید این همه راه بروید و این شتاب را در پیشرفت‌ها پیدا کنید. آنها در طول ۳۵ سال اوّل استقلال‌هایشان خیلی عقب بودند؛ مثلاً کشور آمریکا، ۳۵ سال بعد از تاریخ استقلال از زیر یوغ انگلیس‌ها آمریکا هیچ چیز نبود. آمریکای ۳۵ سال یا ۴۰ سال بعد از استقلال، با ایران ۳۵ سال بعد از پیروزی انقلاب، زمین تا آسمان فرق دارد؛ شما به مراتب از آنها جلوتراید. عمر تمدن مادی آنها به مراتب کمتر خواهد بود برای شما که بخواهید به این رتبه از تمدن مادی برسید؛ حالا جدای از معنویات. مرعوب آنها نشوید. ۱۰۰ سال بعد از پیروزی آمریکایی‌ها بر ارتش انگلیس و استقلال

آمریکا، اين مجسمه آزادی معروف آمریکا ساخته شده.

این مجسمه را آمریکایی‌ها نساختند - اگر حافظه من خطأ نکرده باشد، قدیم دیدم - این مجسمه را يك مهندس فرانسوی از فرانسه آمد ساخت. يعني صد سال بعد از استقلال، آمریکایی‌ها هنوز از لحاظ علمی و فنی و صنعتی به آنجایی ترسیده بودند که بتوانند این مجسمه آزادی را بسازند؛ يك مهندسی از فرانسه آمد، این را طراحی کرد و ساخت. شما خیلی جلوتراید؛ مروعوب نشوید. توانایی‌های شما به مراتب به صورت بالقوه بیشتر از آنهاست؛ پیش بروید، حرکت کنید.

نسل جوان دوره ما يعني شما، می‌توانید این افتخار را برای خودتان به ثبت برسانید که شما نسل جوانی بودید که توانستید کشور را به مراحل بزرگ پیشرفت علمی برسانید؛ این افتخار، خیلی افتخار بزرگی است. نسل جوان امروز، می‌تواند این افتخار را برای خودش جلب بکند که به جای اینکه به شکل تبعی دنباله دیگران باشد، عزّتمندانه توانسته پایه‌های استقلال علمی و پیشرفت علمی را در این کشور محکم کند و کار کند و تلاش کند. این افتخار می‌تواند برای نسل جوان دوره ما و دوره‌های اوّلیه انقلاب باشد.^{۱۹}

بررسی و تحلیل مشکلات و آسیب‌ها

هضم نشدن نخبگان

در معدّه آزمند کشورهای بیگانه

يکى از چيزهایی که برای نخبه‌های ما پیش می‌آید مهاجرت است؛ چون همین‌طور که اشاره کردند، جوان‌های نخبه‌ما در کشورهای مختلف دنیا طلبکار و مقاضی کم ندارند، زياد دارند، به دلایل مختلف؛ يکى از دلایل اين است که آنجاها جوان کم است، يا جوان بالستعداد کم است، يا جوان بیگانه‌ای که طمعش کم باشد کم است؛ می‌خواهند جذب کنند. يك تصور خیالی از يك رفاه، در اين موقع ذهن انسان را پُر می‌کند؛ ممکن است خيالی باشد، توهّم باشد، ممکن هم هست واقعی باشد، واقعاً يك رفاهی در انتظار انسان باشد؛ اينجا را ترجیح بدھيد. بهجای اينکه خودتان را در معدّه بی‌رحم جوامع بیگانه هضم کنيد، در کشور خودتان سازنده و تنظيم‌کننده مغز و سلسله اعصاب و استخوان‌بندی جامعه خودتان بشوويد. اين افتخار دارد؛ اين شرف است؛ برای کشورتان کار کنيد. می‌توانيد شما کشورتان را بسازيد، می‌توانيد ضعف‌هایش را برطرف کنيد؛ ما ضعف‌های زيادي داريم. من خيلي ستايش می‌کنم از وضع کشور اما شاید کمتر کسی به قدر من

اطلاع دارد از ضعف‌هایی که در کشور وجود دارد. می‌دانیم خیلی ضعف داریم؛ این ضعف‌ها را باید برطرف کنیم؛ شما باید برطرف کنید. می‌توانید شما آن کسی باشید که هندسهٔ صحیح سلامت این کشور را طراحی کنید؛ می‌توانید بخشی‌اش را پیش ببرید. وقتی رفتید یک‌جایی، حالا گیرم یک پولی هم گیرتان آمد، امکانات رفاهی هم - فرضًا اگر واقعیت داشته باشد - گیرتان آمد، اما شما آنجا در معدۀ آزمود اجتماع‌های بیگانه هضم خواهید شد؛ ولی اینجا می‌توانید منشاء اثر باشید.^{۱۹}

ضرورت آسیب‌شناسی خروجی کار علمی

انجمان‌های علمی؛ بالاخره نخبهٔ جوان باید فرصت ظهور و بُروز پیدا بکند، احساس کند که وجود او به «نظر» آمده است، برای او ارج قائل‌اند، روی وجود او حساب می‌کنند؛ این را باید در عمل احساس کند. بعد، بنیاد نخبگان عمدتاً^{۲۰} و حالا دستگاه‌های دیگر هم در کنارش، رصد کنند، خروجی کار را ملاحظه کنند؛ چون اگر خروجی کار عیب داشته باشد، اشکال داشته باشد، پیداست یک جایی اشکال در بین راه وجود دارد؛ عیب‌ها را بشناسند، عیب‌ها را علاج بکنند.^{۱۹}

جدّی گرفتن بنیاد نخبگان

بنیاد نخبگان را باید جدّی گرفت؛ بنیاد نخبگان یک بنیاد ملّی است؛ یک بنیاد راهبردی است؛ این را باید کاملاً جدّی گرفت. شنیدم که برخی کارهای بنیاد نخبگان به دانشگاه‌ها سپرده می‌شود؛ این کار مصلحت نیست. دانشگاه‌ها اگر می‌توانستند کار بنیاد نخبگان را بکنند، این بنیاد را اصلاً ما راه نمی‌انداختیم. بعضی از دانشگاه‌های ما واقعاً برجسته‌اند، مرکز نخبه‌هایند اما کار بنیاد نخبگان را نمی‌توانند بکنند. کار دانشگاه چیز دیگر است، کار بنیاد نخبگان چیز دیگر است. بنیاد نخبگان را جدّی بگیرید؛ یک بنیاد ملّی است، یک بنیاد راهبردی است؛ هم مسئولین بنیاد، هم مسئولین کشور، چه سازمان برنامه و بودجه، چه وزرای محترم مربوط، چه شوراهای علمی و مانند آینها که وجود دارند و چه شما جوان‌ها. بنیاد خیلی مهم است.^{۱۹}

مفید بودن برنامه‌های نخبگان

برنامه‌های بنیاد نخبگان باید جوری باشد که نخبه جوان احساس کند که وجودش مفید است. حالا به شما جوان‌ها هم خواهم رسید؛ شما هم خودتان نقش دارید و در این زمینه می‌توانید نقش ایفا کنید. باید برای جوان نخبه، میدان کار به وجود بیاید؛ احساس کند مفید است؛ احساس مفید بودن بکند. این آن چیزی است که او را تشویق می‌کند به ادامه راه؛ همچنان‌که تشویق می‌کند به ماندن در خانه خود و در کشور خود و کار کردن برای کشور خود. میدان کار ایجاد کنید؛ چه‌جوری میدان کار ایجاد کنید؟ یکی مسئله تکمیل فرایند تحصیلی است. بتوانند جوان‌ها این فرایند تحصیلی خودشان را تکمیل کنند؛ تسهیل بشود حضور آنها در مراتب بالاتر علمی؛ تحصیلاتشان را بالا ببرند. مقررات دست‌وپاگیری ممکن است وجود داشته باشد در این مورد؛ این مقررات، مانع نشود.^{۱۹}

توجه و حمایت از تحقیقات علمی

تبديل حرکت و پیشرفت علمی به گفتمان عمومی

در اين دهه اول - که خوشبختانه طبق آمارهای جهانی، ما شروع کردیم به پیشرفت علمی و به اينجا رسیدیم - این است که حرکت علمی تبدل شد به يک گفتمان؛ يعني کار، منحصر نماند در چند دستگاه دولتی؛ يعني بين دانشگاهها و دانشجوها؛ شد يک گفتمان عمومی. بنده در ملاقات‌هایی که با مجموعه‌های دانشگاهی در این چند سال اخیر بهخصوص، داشتم ملاحظه می‌کردم که می‌آيند صحبت می‌کنند - يا استاد است یا دانشجو است - و به عنوان مطالبه از حقیر، همان حرف‌هایی را می‌زنند که ما اينها را مثلاً چند سال قبل در مجتمع دانشگاهی مطرح کردیم؛ من خيلي خوشحال می‌شوم. معلوم می‌شود که اين حرف‌ها تبدل شده به گفتمان، تبدل شده به يک فضای عمومی و خواست عمومی؛ اين خيلي بالرزش است. اين گفتمان را حفظ کنيم؛ يعني من اصرار دارم مجموعه‌های مرتبط - مجموعه‌های دانشگاهی، آموزش و پرورش و بهخصوص همین دستگاه معاونت علمی، که ظاهراً امروز هم اينجا نیستند - حتماً در اين زمينه، يعني حفظ اين گفتمان پیشرفت علمی، بايستی پاشاري کنند.^۱

ضرورت تشکیل هسته‌های علمی

ایجاد هسته‌های علمی در دانشگاه‌ها با محوریت استادی برجسته؛ یکی از کارها این است. این بنیاد می‌تواند در ارتباط با دانشگاه‌ها، این کار را انجام بدهد. هسته‌های علمی تشکیل بشود در دانشگاه‌های مختلف؛ محورش هم یک یا چند استاد برجسته باشد. البته استادها باید دلسوز باشند؛ استادها باید متعهد باشند؛ باید ایران را دوست بدارند. استادهایی را ما می‌شناسیم - البته بنده از دور می‌شناسم - که ایران را دوست نمی‌دارند؛ آبادی ایران، آینده ایران برایشان مهم نیست؛ این جور استادی به درد نمی‌خورد. نمی‌توانم در دل، به چنین استادی امید بیندم؛ استادی که کشورش را دوست ندارد، استادی که اتحاد کشورش را دوست ندارد، استادی که سر کلاس درس حرفی می‌زند - ولو ارتباط به موضوع درسی هم ندارد - که نتیجه‌اش اختلافات قومی در کشور است و دانشجو را به آن سمت می‌راند، این استاد استاد مطلوبی نیست. استادی که اگر در دانشجو تعهد مذهبی احساس بکند با او سر ستیز پیدا می‌کند، این استاد استاد خوبی نیست. استادانی که متعهد باشند، دلسوز باشند، کشورشان را دوست بدارند، انقلابشان را دوست بدارند و برجسته علمی باشند، بر محور یک‌چنین استادی اگر هسته‌های علمی به وجود بیاید، این بسیار چیز مفیدی است؛ دانشجو را حرکت می‌دهد و دانشجو احساس می‌کند که مفید است، دارد پیش می‌رود.

توليد علم و افزایش قدرت علمي

حفظ شتاب علمي

يکي مسئله حفظ شتاب علمي است. خب! رتبه علمي محفوظ مانده؛ يعني تنزّل نكرده. ما همان رتبه پانزدهم و شانزدهمی که بوديم - که رتبه خيلي بالا و خوبی است - هستيم؛ لكن شتاب تنزّل کرده. اين را من به دوستان دانشگاهی هم گفتم و عرض می‌کنم که نگذاري شتاب علمي در دهه دوم چشم‌انداز - الان وارد دهه دوم چشم‌انداز شده‌aim - کم بشود. ما اگر چنانچه با همين شتاب پيش برويم، حتماً رتبه علمي ما باز هم ارزش و اهمیت بيشتری پيدا خواهد کرد؛ يعني شايد در رتبه‌های زير دهم قرار بگيريم؛ اين به نظر من خيلي مسئله مهمی است. خب! علم زيرساخت اصلی کشور است. در همه اين مطالبي که آقایان بيان کردید، اگر ما در صنعت، در کشاورзи، در نفت، در نيري، در بهداشت و درمان و در بخش‌های ديگر، عنصر علم را داخل کنيم و عنصر علم و ابتکار علمي و پيشرفت علمي و حضور

دانشمند، وارد معادلات شد، به‌کلی اوضاع فرق می‌کند؛ جهش به وجود می‌آید؛ ما نباید این را دست‌کم بگیریم؛ من اعتقادم این است. من معتقدم در زمینه علم و کار تحقیقی، هرچه هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری است؛ یعنی اصلاً نترسیم از هزینه کردن. یک جاهایی هست که هزینه‌ها واقعاً هدر نمی‌رود؛ یکی اش همینجا است. هرچه هزینه کنیم، سرمایه‌گذاری کردہ‌ایم برای آینده و این بهترین کاری است که با موجودی‌مان، با پولمان، با منابع‌مان می‌توانیم انجام بدھیم.^۱

بهره‌گیری بعینه از نخبگان

نقش آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد مقاومتی

یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانشبنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانشبنیان است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی اقتصاد درونزا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا درنمی‌برد؛ این اقتصاد مقاومتی است، اقتصاد مقاوم. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانشبنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است. خب! به نظر ما نخبه‌های جوان می‌توانند در اقتصاد دانشبنیان که درواقع ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است، نقش ایفا کنند. چطور نقش ایفا کنند؟ خب! این طرّاحی لازم دارد. چه جور جوان‌های ما نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؟ من جواب این سؤال را از شما می‌خواهم، بنشینید طرّاحی کنید، منتظر نمایید که دیگران طرّاحی کنند. شما جوان‌های نخبه در یکی



از اجتماعات خودتان موضوع را همین قرار بدهید:
چگونگی نقش آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد
 مقاومتی یا اقتصاد دانش‌بنیان. گروه‌هایی به وجود
 بیایند، گروه‌هایی تقسیم بشوند، کار کنند، فکر
 کنند، مطالعه کنند، با دست پُر در این اجتماع
 شرکت کنند، راه بدهند، آنوقت بنیاد نخبگان از
 این طرحی که از درون خود نخبگان بیرون آمده،
 حمایت کند، پشتیبانی کند. به نظر من یک تحول
 به وجود می‌آید؛ هم در زمینه فکر کردن و
 اندیشیدن و کار کردن، هم در زمینه واقعیت،
 روی زمین؛ در زمینه اقتصاد هم قطعاً تحول
 به وجود می‌آید.^{۱۹}

ضرورت شناسایی و پرورش

استعدادهای برتر

مسئلهٔ شناسایی و پرورش استعدادهای برتر در

آموزش و پرورش است. خب! این طرح «شهاب»،

(طرح «شهاب» - شناسایی و هدایت استعدادهای برتر - با هدف

شناسایی استعدادهای برتر از بین دانش‌آموزان دوره‌های ابتدائی و

متوسطه در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۵ به تصویب هیئت امنی بنياد ملی

نخبگان رسید). ... طرح خوبی است. من شنیدم طرح

شهاب مورد بی‌توجهی و بی‌لطفى قرار گرفته؛

نگذارید، مراقبت کنید! شناسایی استعدادهای برتر

در دوران تحصیلات ابتدائی و تحصیلات متوسطه

بسیار مهم است، این چیزی است که نخبهٔ حقیقی

را به ما می‌شناساند، این چیزی است که نوابغ را

به ما می‌شناساند. خب نوابغ در هر جامعه‌ای

معدوداند؛ خیلی از نوابغ هستند که به‌خاطر

ناشناخته بودن، وجودشان بكل بی‌اثر می‌شود؛

اصلاً هضم می‌شوند، محو می‌شوند؛ چون

شناسایی نشده‌اند. گاهی انسان مشاهده می‌کند یک

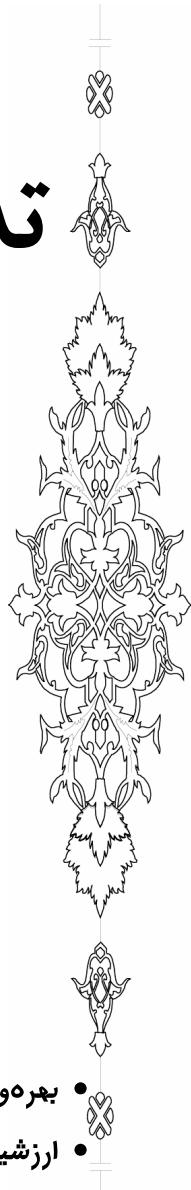
انسان بی‌سوادی در یک روستایی یک حرفی

می‌زند، یک کاری می‌کند که نشان‌دهندهٔ نبوغ

است؛ اين اگر تربیت می‌شد، اگر شناسایی می‌شد،
اگر استعداد او به کار گرفته می‌شد و به حساب
می‌آمد، يك انسان برجسته‌ای بود؛ اما متأسفانه
شناخته نشده! نگذاريم اين خسارت بر کشور وارد
بيايد! اين در دوران مربوط به آموزش و پرورش،
کار بسيار مهم است؛ اين طرح را دنبال بكنيد.
واقعاً وزير محترم بروند بررسی کنند که طرح
شهاب در چه وضعی است و آيا کارهای خودش
را انجام می‌دهد يا نه؟!^{۱۹}.

افزایش شرکت‌های دانش‌بنیان

اين شرکت‌های دانش‌بنیان، چيز بسيار خوبی است. البته امروز من اطلاع دارم، هزاران شرکت دانش‌بنیان در کشور هست لکن همین تعدادی که آن وجود دارد، می‌تواند به دهبرابر افزایش پیدا کند؛ دهبرابر. جوان‌ها، آن کسانی که محصول علمی دارند، وجودشان در شرکت‌های دانش‌بنیان، مفید است.^{۱۹}



تدابیر نیروی انسانی

- بعده‌وری بعینه از نیرو
- ارزشیابی و شایسته سالاری

بهره‌وری بھینه ازنیرو

فرصت ثروت عظیم نیروی انسانی

ثروت واقعی یک کشور، نیروی انسانی آن کشور است؛ به خصوص اگر جوان و هوشمند باشد. ... خوبی‌خانه در این دو سه سال اخیر، آدم می‌شنود از شخصیت‌های معروف دنیا - حتی سیاستمدارها و دشمنان ملت ایران - که به مناسبت‌های مختلف، به ضریب هوشی بالای ملت ایران اعتراف می‌کنند؛ «الفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاء». (من لا يحضره الفقيه، ج ٤ ، ص ٤٣٨) سطح هوشی متواضع کشور ما از متوسط دنیا بالاتر است؛ خب جوان هم که خیلی داریم بحمدالله؛ این خیلی ثروت عظیمی است، این خیلی دارایی ارزشمندی است و برای کشور فرصت است.

البته همه کشورها و همه رژیم‌های گوناگون عالم این جور نیست که وجود جوان‌ها را فرصت بدانند؛ نه، مثلاً رژیم پهلوی حضور جوان‌ها و تحرک جوان‌ها را فرصت نمی‌دانست، تهدید می‌دانست ... آنها دلشان می‌خواست جوان‌ها حضور نداشته باشند؛ نه حضور علمی، نه حضور سیاسی، نه حضور اجتماعی، و خیلی چیزها ترویج می‌شد برای اینکه این حضور را تضعیف کنند. جوان را واقعاً تهدید می‌دانستند. هر چه هم می‌توانستند، خارج می‌فرستادند تا آنهایی که نخبه هستند، آنهایی که سرشان به تنشان می‌ارزد به نظر آنها، بروند و اینجا نباشند. در جمهوری اسلامی این جور نیست؛ جمهوری اسلامی متکی به خود است، درون‌زاست، قدرت خود را در درون خود و در معنویات خود و در موجودی خود می‌داند، لذا بزرگ‌ترین ثروت جمهوری اسلامی، در واقع نیروی انسانی اوست؛ یعنی همین جوان‌های هوشمند، متعهد، علاقه‌مند، درس‌خوان و آینده‌دار.

خب، این جزو مسلمات ماست.^{۱۹}

ارزشیابی و شایسته سالاری

ضرورت توجه به شاخص‌های

رفتاري و اخلاقى شهيدان رجائى و باهنر

مناسبى که برای اين هفته[هفته دولت] قرار

داده شده، يکى از تلخ‌ترین يادبودهای کشور است؛
يعنى شهادت دو عزيز بر جسته مثل شهيد باهنر و
شهيد رجائى. حالا امسال تصادفاً با هفتة كرامت
همراه شد لکن بهطور معمول، اين هفته يادآور
مصيبت درگذشت اين دو بزرگ است. تصوّر من
اين است که حکمت الهى که بر دل و زبان
مسئوليin جاري شد و اين اتفاق افتاد و اين
 المناسبت در اين زمان قرار گرفت، برای اين است
که شهيد رجائى و شهيد باهنر از ياد نروند و
به عنوان دو شاخص، به عنوان دو سنجه در مقابل
چشم ما باشند. خب! شاخص بودن اين دو نفر،
نمی‌توان گفت به خاطر قوّت مدیريت آنها يا مثلاً
فرض کنيد که توانايي‌ها و ابتکارات آنهاست؛ چون
مسئوليit اين دو عزيز زمان زيادي طول نکشيد؛
زمان مرحوم باهنر که خيلي کوتاه بود، مرحوم

رجائي هم چند ماهی - حدود يك سالی مثلاً
فرض کنيد - بود. سنجه بودن آنها به خاطر
خصوصيات رفتاري آنها و شخصيتی آنها و
اخلاقی آنهاست؛ اين را باید ما همواره در ذهن
داشته باشيم.^۱

نيروي انساني لايق و کارآمد

چهره‌های مصمم و حاکی از عزم و اراده و ايمان
که اينها همه ثروت‌های بزرگ ملي است؛ هم اين
انسان‌های مؤمن، هم انگیزه‌ها و دل‌های مستحکم.
هیچ ثروتی در هیچ کشوری به اندازه ثروت عظیم
نيروي انساني لايق و کارآمد متصور نیست.^{۱۷}

ویژگی‌های ارزشمند مدیران و کارکنان

مدیران و کارکنان رسانه ملی به ویژه آقای سرافراز رئیس سازمان صدا و سیما، ایشان، فردی پرکار، سخت‌کوش، با همت، منظم، ساده‌زیست و به دور از تشریفات و تجملات، پاک‌دست، حساس در مورد بیت‌المال، شجاع، دارای جسارت در تصمیم‌گیری و خلاق و مبتکر و نوآور است. ... این ویژگی‌ها بسیار با ارزش و مورد تحسین است که باید استمرار داشته باشند و برای سازمان صدا و سیما به عنوان یک سازمان فرا قوه‌ای لازم و ضروری است.^{۱۸}

تدابیر برونمرزی

• جهتگیری در جهان اسلام

• جهتگیری در مصاف با استکبار

• جهتگیری در سیاست خارجی

• در قبال کشورهای همسایه

• جهتگیری تحولی در جهان

جهت‌گیری در جهان اسلام

ضرورت افزایش ارتباطات

و پیوندهای همه‌جانبه بین کشورهای اسلامی

اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
افزایش ارتباطات و پیوندهای همه‌جانبه و
مستحکم بین کشورهای برادر اسلامی است. ...
مخالفت با تحمیل قدرت‌های زورگو یک اصل
الهی و اسلامی است. ... قدرت‌های سلطه‌گر و
متجاوز دائماً علیه همه ملت‌های دنیا توطئه می‌کنند
اما اسلام، خواهان عزت ملت‌های مسلمان است و
تنها راه مقابله و دفع شرّ قدرت‌ها نیز ایستادگی و
تقویت ارتباطات کشورهای اسلامی است.^۵

بیداری ملت‌ها و نبودن یک لحظه خواب راحت

برای صهیونیست‌ها

بعد از اتمام این مذاکراتِ هسته‌ای، شنیدم صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفتند فعلاً با این مذاکراتی که شد، تا ۲۵ سال از دغدغه ایران آسوده‌ایم؛ بعد از ۲۵ سال فکرش را می‌کنیم. بنده در جواب عرض می‌کنم او^۱ شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید. ان شاء الله تا ۲۵ سال دیگر، به توفيق الهی و به فضل الهی چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت؛ ثانیاً در همین مدت هم روحیه اسلامی مبارز و حماسی و جهادی، یک لحظه صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت؛ این را بدانند. ملت‌ها بیدار شده‌اند، می‌دانند دشمن کیست؛ حالا دولتها و بوق‌های تبلیغاتی و مانند اینها می‌خواهند جای دشمن و دوست را عوض کنند، اما به جایی نمی‌رسد. ملت‌ها – ملت‌های مسلمان، به خصوص ملت‌های منطقه – حواس‌شان جمع است و می‌دانند. خب! این وضع رژیم صهیونیستی و آن هم وضع آمریکا.^۲

جهت‌گیری در مصاف با استکبار

ناکامی تحقق اهداف تعریف شده آمریکا در منطقه امروز دستگاه‌های استکباری در این منطقه هدف‌های خطرناکی را برای خودشان تعریف کرده‌اند؛ اینها هدف‌هایی است که با سرنوشت ملت‌ها سروکار پیدا می‌کند. ابزارهایی هم که به کار می‌گیرند، ابزارهای بسیار خطرناک و غیر انسانی و سبعانه است؛ یعنی هیچ اباء ندارند روش‌هایی را به کار بگیرند که انسان‌های بی‌گناه کشته بشوند. شما ملاحظه کنید در منطقهٔ غربی ما، در عراق، در سوریه یا در منطقهٔ شرقی ما، در افغانستان، در پاکستان چه می‌کنند؟ هیچ ابائی ندارند، یعنی جان انسان‌ها برایشان ارزشی ندارد. اینکه ادعا می‌کنند حقوق بشر و حقوق انسان‌ها و حقوق شهروندی و از این ادعاهای و قالب‌های پوج و بی‌محتواء همه خلاف واقع است؛ شاهدش همین است که ملاحظه می‌کنید؛ به بیمارستان حمله می‌کنند، ده‌ها نفر بیمار را به بیماران به قتل می‌رسانند، بعد می‌گویند: بیخشید! اشتباه شد! گاهی همین بیخشید را هم نمی‌گویند! در غزه، در یمن، در بحرین، در سوریه، در عراق، در مناطق دیگر فجایعی اتفاق می‌افتد که انسان حیرت می‌کند از

بی‌رحمی و سنگدلی آن کسانی که این فجایع را انجام می‌دهند؛ چطور می‌توانند؟ یک آدمی را داخل قفس کنند، زنده زنده بسوزانند و آتش بزنند! دستگاههای حقوق بشری هم بنشینند و تماشا کنند. آنوقت یک سگی یا یک گربه‌ای وقتی داخل چاه می‌افتد، همه ابزارها را به کار می‌گیرند که این را از داخل چاه سالم بیرون بیاورند، یعنی ما طرفدار موجود زنده‌ایم؛ خطر بزرگ دنیا، این ریاکاری است! این دروغ‌گویی است! این نفاق است! دشمن، این‌طور است! قصدشان این است که در منطقه اهداف خود را پیاده کنند؛ البته جمهوری اسلامی، به توفیق الهی و به حول و قوّة الهی، نه فقط مانع نفوذ دشمن در درون خود می‌شود، بلکه تا حدود زیادی مانع پیاده کردن نقشه‌های دشمن در منطقه هم شده است؛ این توفیق پروردگار است، این قدرت الهی است که به برکت همین عزم‌ها و اراده‌هایی است که شما جوان‌ها دارید. خیلی از نقشه‌های اینها به خاطر اقتدار و حضور و ورود جمهوری اسلامی در آن جاهایی که باید وارد می‌شده، ناکام مانده، ختی شده است؛ لذا خب، بیشترین تمرکز آنها برای دشمنی، نظام جمهوری اسلامی است و هر کار بتوانند می‌کنند و این هم که دم از مذاکره و گفتگو می‌زنند، برای نفوذ است.^{۱۷}

خشم نظام سلطه از استقلال نظام و ملت ایران

علت دشمنی‌ها علیه انقلاب اسلامی، ایستادگی ملت ایران و صراحة و تسلیم نشدن در مقابل سیاست‌های استکبار است. ... نظام جمهوری اسلامی یک نظام مستقل است و از ابتدای انقلاب، سیاست‌های خود را با صراحة دنبال کرده و از نهیب هیچ قدرتی و مخالفت با سیاست‌های آن، واهمه‌ای ندارد. ... دشمن به دنبال تسلیم شدن نظام اسلامی است و با کوتاه آمدن در مقابل او، دشمنی‌ها بر طرف نمی‌شود. ... سربرآوردن ملت مستقلی که با زورگویان و وابستگان به آنها مخالف است، برای نظام سلطه قابل تحمل نیست، بنابراین در مقابل این ملت دشمنی می‌کنند و تصور اینکه «اگر فلان حرف را نزنیم یا فلان کار را نکنیم و ملاحظه دشمن را بکنیم، دشمنی‌ها کم می‌شود»، تصور نادرستی است. ... ملت‌ها از مشاهده پیشرفت و دفاع صریح ملت ایران از منافع خود در مقابل قدرت‌ها به وجد می‌آیند و در سفرهای خارجی مسئولان جمهوری اسلامی نیز هر جایی که از طرف دولت‌ها به مردم اجازه اظهار علاقه داده شد، در طرفداری از ایران و مواضع صریح آن، شور و غوغای به پا کردند.^{۱۵}

جهت‌گیری در سیاست خارجی

تقویت روابط با اتریش

و انگیزه دشمنی آمریکا با ایران

«انقلاب اسلامی»، ایران را که به‌طور کامل در اختیار آمریکایی‌ها بود، از آنها گرفت، و همین مسئله علت دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی است، اما دنباله‌روی برخی کشورهای اروپایی از آمریکا، غیر عقلایی و بی‌مبنایست، البته اتریش، جزء این کشورها نیست. ... و لازم است مقامات دو کشور برای تقویت هر چه بهتر روابط برنامه‌ریزی و پیگیری کنند. ... تاکنون صحبت‌هایی از طرف دولت‌هایی اروپایی مطرح شده است، اما باید متظر آثار عملی این اظهارات بود.^۷

سکوت دستگاه‌های مدعی حقوق بشر

در فاجعه منا

دستگاه‌های دروغگو و منافق مدعی حقوق بشر در اروپا و آمریکا و دولت‌های غربی که گاهی برای کشته شدن یک نفر جنجال فراوانی در دنیا برپا می‌کنند، در این ماجرا [فاجعه بسیار تلخ و حیرت‌انگیز منا] به نفع دولت رفیق خود سکوت محض کردند. ... این مدعیان حقوق بشر اگر صداقت داشتند، باید پاسخگویی، جبران خسارت، تضمین عدم تکرار و مجازات عاملان این فاجعه را مطالبه می‌کردند. ... این مسئله نباید به سکوت و فراموشی بگذرد و باید تا سال‌ها در مجتمع جهانی مطرح شود و نقطه آماج این حرکت نیز باید دولت‌های غربی و سازمان‌های مدعی حقوق بشر باشند. ... پیگیری این مسئله و گفت‌وگو با دولت‌ها برای تبیین اهمیت ماجرا و بررسی راه‌های جلوگیری از تکرار آن را وظیفه مهم مسئولان کشور به خصوص دستگاه دیپلماسی است.^{۲۰}

در قبال کشورهای همسایه

ضرورت تحقیق پیرامون علل حادثه منا

باید تحقیقات بشود؛ من در مورد علل این حادثه،
قضاؤت پیش از موعد ندارم ولی حتماً بایستی از دنیای
اسلام - از جمله از کشور ما - کسانی باشند، بروند، از
نزدیک تحقیق کنند، مشخص کنند که علت حادثه چه
بوده؛ بحثی در آن نیست. بحث سر وظایفی است که
در مقابل یک عده مجروح، هر دولتی، هر ملتی، هر
پزشکی، هر پرستاری، هر انسان سالم معنوی و قلبی‌ای
برعهده دارد؛ اینها را رعایت نکردند. در بیمارستان، در
کاتینر سرد، در صحراء رعایت حال بیمار را نکردند،
رعایت حال انسان مستأصل را نکردند، رعایت حال
تشنه‌ها را نکردند. امروز هم در انتقال ابدان مطهرشان به
کشور مشکلاتی وجود دارد؛ مسئولین کشورمان دارند
دنبال می‌کنند؛ فعالیت کردند، کار کردند، تلاش دارند
می‌کنند؛ باید این کارها و فعالیت‌ها ادامه پیدا بکند و
لیکن مسئولین کشور عربستان به وظایفشان عمل
نمی‌کنند بلکه در مواردی نقطه مقابل وظایفشان عمل
می‌کنند، موذیگری می‌کنند.^{۱۴}

عکس العمل خشن و سخت جمهوری اسلامی

اگر کشور ما و ملت ما بخواهد در مقابل عناصر اذیت‌کننده و موذی [حادثه‌منا] عکس العمل نشان بدهد، اوضاع آنها خوب نخواهد بود؛ ما تا حالا خویشتن داری کردیم. در قضایای متعددی خویشتن داری کردیم؛ دست ایران اسلامی از خیلی‌ها بازتر است، توانایی‌های ما، امکانات ما از خیلی‌ها بیشتر است؛ می‌دانند که اگر بخواهند هماوردی کنند با نظام جمهوری اسلامی، در هیچ صحنه‌ای حریف نمی‌شوند. ما رعایت ادب اسلامی، رعایت حرمت برادری در امت اسلامی را نگه داشتیم؛ ما می‌توانیم عکس العمل نشان بدهیم. اگر بنا شد عکس العمل نشان بدهیم، عکس العمل‌های ما خشن هم خواهد بود، سخت هم خواهد بود.

امتحان کردند ملت ایران را؛ در قضیه جنگ هشت‌ساله، همه اینها - این دوروبری‌ها - و همه قدرت‌های شرق و غرب از یک عنصر خبیث فاسد حمایت کردند و دفاع کردند و همه‌شان سیلی خوردند؛ خود آن عنصر فاسد سیلی خورد و به تبع او همه آن کسانی که از او حمایت کرده بودند سیلی خوردند؛ ایران را شناخته‌اند؛ اگر نشناخته‌اند، بشناسند.^{۱۴}

برخورد محکم و مقتدرانه ملت ایران

امروز دهها هزار نفر از عزیزان ما هنوز در مگه و مدینه، در مناسک حجّ‌اند؛ اندک بی‌احترامی به اینها، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد؛ عمل نکردن به وظایفشان نسبت به ابدان مطهر جانباختگان عزیز ما در حجّ، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد؛ مراقب باشند به وظایفشان عمل کنند. البته کار به اینجاها تمام نمی‌شود، باید قضایا دنبال بشود. جمهوری اسلامی اهل ظلم نیست، اهل قبول ظلم هم نیست؛ ما به کسی ستم نمی‌کنیم، ستم هیچ‌کس را هم قبول نمی‌کنیم. ما انسان‌ها را - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - دارای حقوق می‌دانیم؛ دارای حق می‌دانیم و به آن حق دست‌درازی نمی‌کنیم. اما اگر کسی بخواهد به حق ملت ایران و جمهوری اسلامی ایران دست‌درازی کند، می‌دانیم با او چه‌جوری رفتار کنیم؛ محکم برخورد می‌کنیم.

بحمدالله توانایی‌اش هست؛ ملت ایران، ملت مقتدری است، جمهوری اسلامی قدرت پایدار و تثبیت‌شده‌ای است و می‌توانیم از خودمان دفاع کنیم.^{۱۴}

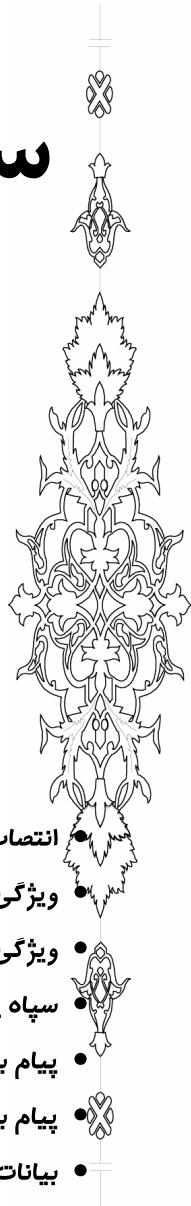
جهت‌گيري تحولی در جهان

هدف انقلاب اسلامی

روابط با دولت‌ها و ملت‌ها

هدف اصلی «انقلاب اسلامی» تأمین خیر و سعادت برای مردم ایران و تمام انسان‌ها در سایه «پیمودن راه خدا، حاکمیت عقل و ایمان توأم با عمل» است. ... اسلام آن چیزی نیست که این جریان‌ها [عوامل انحرافی در منطقه به نام اسلام(داعش)] معرفی می‌کنند، بلکه اسلام بر مبنای منطقی محکم، ایمانی و عقلاً استوار است. ... البته این رویکرد خیرخواهانه ما دشمنانی نیز در سطح بین‌الملل دارد که به‌دلیل جنگ‌افروزی و به جان هم انداختن ملت‌ها هستند، اما ایران، دوستان خوب و صمیمی بسیاری در میان دولت‌ها و ملت‌ها دارد.^۷

سایر تدابیر

- 
- انتصاب اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی
 - ویژگی‌های سپاه
 - ویژگی‌های پاسداری
 - سپاه یک نعمت بزرگ‌البعن
 - پیام به مناسبت کنگره عظیم حج
 - پیام به مناسبت هفته دفاع مقدس
 - بیانات درباره فاجعه منا
 - نامه به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرایی بر جام

انتصاب اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی بسم الله الرحمن الرحيم

پیدايش فضای مجازی در چند دهه اخیر يکی از بزرگترین نمادهای تحول جهانی است. رخدادی که تأثیرات شگرف آن هر روز در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی در عرصه ملی و بین المللی نمود بیشتری پیدا می کند. اکنون بیش از سه سال از تشکیل شورای عالی فضای مجازی می گذرد: شورائی که با مرکز ملی فضای مجازی وابسته به آن، به عنوان نقطه کانونی مواجهه هوشمندانه و مقتدرانه با تحولات پرستتاب این عرصه، برای استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها و مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات آن شناخته شده است.

وظیفه اصلی این تشکیلات سیاستگذاری، مدیریت کلان و برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های لازم و بهنگام و همچنین نظارت و رصد کارآمد و روزآمد در این عرصه می‌باشد. لذا لازم است با توجه به تحولات سریع و پیچیده در این میدان از یک طرف و نیازهای

واقعی و متراکم کشور از طرف دیگر، خود را برای انجام رسالتی سنگین در یک دوره چهار ساله آماده کند.
اینجانب ضمن تأکید بر مفاد حکم اولیه تشکیل شورا و پیوست آن، ضروری می‌دانم که نکات و موارد زیر، مورد اهتمام و توجه جدی رئیس و اعضای محترم شورای عالی فضای مجازی قرار گیرد:

- ۱- انحلال شوراهای عالی مصوب در گذشته که موازی این شورا هستند، به منظور تحکیم جایگاه فرا قوهای و موقعیت محوری و کانونی شورای عالی و نیز انتقال وظایف آن شوراهای عالی فضای مجازی.
- ۲- تثبیت و تقویت جایگاه مرکز ملی فضای مجازی به عنوان بازوی شورای عالی فضای مجازی در جهت تحقق تصمیمات آن شورا با وظایف: رصد وضعیت جاری فضای مجازی و پیشینی و آینده‌نگری تحولات در این فضا در سطح ملی و بین‌المللی، ایجاد هماهنگی و همافزایی میان وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف ذی‌ربط در بعد علمی، فنی، اقتصادی، بازرگانی، حقوقی، انتظامی، امنیتی و دفاعی مرتبط با فضای مجازی و نظارت مستمر بر عملکرد دستگاه‌ها و بخش‌های ذی‌ربط در چارچوب مصوبات شورای عالی.

۳- ارتقای جمهوری اسلامی ایران به قدرت سایبری در طراز قدرت‌های تأثیرگذار جهانی و برخورداری از ابتکار عمل و قدرت تعامل با دیگر کشورها در جهت شکل‌دهی به قواعد و قوانین مرتبط با فضای مجازی در عرصه جهانی با رویکرد اخلاق‌مدار و عادلانه.

۴- اهتمام ملی و همه‌جانبه و سرمایه‌گذاری جدی در امر ایجاد و توسعه انواع فناوری‌ها و صنایع کاملاً پیشرفته و رقابتی خصوصاً با استفاده و ایجاد رشته‌های نوین دانشگاهی و تربیت سرمایه‌های انسانی متعهد، متخصص و کارآمد مورد نیاز در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، محتوای و خدماتی در تمامی ابعاد فضای مجازی به‌ویژه در برنامه ششم توسعه و برنامه‌ریزی سالانه کشور.

۵- تسريع در راهاندازی شبکه ملی اطلاعات پس از تصویب طرح آن در شورای عالی و نظارت مستمر و مؤثر مرکز ملی بر مراحل راهاندازی و بهره‌برداری از آن.

۶- اهتمام ویژه به سالم‌سازی و حفظ امنیت همه‌جانبه فضای مجازی کشور و نیز حفظ حریم خصوصی آحاد جامعه و مقابله مؤثر با نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان در این عرصه.

۷- ترویج هنگارها، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی ایرانی و ممانعت از رخنه‌ها و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی در این عرصه و مقابله مؤثر با تهاجم همه‌جانبه فرهنگی و نیز ارتقای فرهنگ کاربری و سواد فضای مجازی جامعه.

۸- احراز جایگاه و سهم مناسب برای اقتصاد دانش‌بنیان در فضای مجازی در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کشور و برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای بهبود شرایط کسب و کار مرتبط با فناوری‌های مجازی و بهره‌گیری از فرصت‌های اشتغال‌زایی و نیز رونق محتوا، خدمات و تجارت در این عرصه.

۹- توسعه محتوا و خدمات کارآمد و رقابتی منطبق بر ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی - ایرانی در تمامی قلمروهای مورد نیاز جامعه و جلب مشارکت‌های مردمی و به کارگیری ظرفیت‌های بخش خصوصی در این زمینه.

۱۰- تدوین و تصویب نظام‌های امنیتی، حقوقی، قضایی و انتظامی مورد نیاز در فضای مجازی.

ترکیب اعضای حقوقی و حقیقی شورای عالی فضای مجازی برای دوره جدید به شرح زیر اعلام می‌شود:
اعضای حقوقی این شورا عبارتند از: رئیس جمهور (رئیس شورای عالی)، رئیس مجلس شورای اسلامی،

رئیس قوه قضائیه، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دبیر شورای عالی و رئیس مرکز، دادستان کل کشور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، وزیر اطلاعات، وزیر آموزش و پرورش، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشور، معاون علمی و فن‌آوری رئیس جمهور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اعضای حقیقی: حجج اسلام و آقایان دکتر سیدسعید رضا عاملی، دکتر حمید شهریاری، دکتر رضا تقی‌پور، دکتر مهدی اخوان بهابادی، مهندس مسعود ابوطالبی، دکتر کامیار ثقفی، دکتر رسول جلیلی و مهندس سیدعزت‌الله ضرغامی. از خداوند متعال توفیق خدمتگزاری روزافزون برای همه حضرات مسألهٔ می‌کنم.^۴

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴/ شهریور/ ۱۴

ویژگی‌های سپاه

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. چهار کلمه است که هر کدام از این چهار کلمه یک عمقی دارد، یک معزی دارد، یک شرحی دارد. شما در داخل سپاه مشغول فعالیت و سرگرم فعالیت‌اید؛ شاید به قدر آیندگان، بینندگان، مطالعه‌کنندگان بعدی فرصت پیدا نکنید روی اینها تکیه کنید و تعمق کنید، اما جای تعمق دارد: «سپاه»، «پاسداری»، «انقلاب» و «اسلام». اینها چهار کلمه است که اسم شما و عنوان شما از اینها تشکیل شده.

شما سپاه‌اید؛ خب! پاسداری از انقلاب، مخصوص سپاه پاسداران که نیست؛ همه موظف‌اند - هر انسانی، هر موجود مؤمنی موظف است - اما خصوصیت سپاه این است که:

۱- سازمان یافتنگی سپاه:

یک سازمان است، یک مجموعه منظم است، سپاه است. این سپاه بودن، تکیه بر روی نظم و انضباط و کار مدیریتی و نتیجه‌بخش بودن هر ذره کار است. وقتی پراکندگی بود، پریشانی به وجود می‌آید، خیلی از کارها هدر می‌رود، اما وقتی سازمان

بود، مجموعه بود، تشکیلات بود، نظم و انضباط برقرار بود، مثل جدول کشی در زیر یک سدّ پُر از آب است که اگر درست انجام بگیرد، یک قطره آب هدر نخواهد رفت و همه به محلّ مورد نیاز می‌رسد. خصوصیت سپاه بودن این است.

ما در مجموعه تنظیمات کشوری جایی را نداریم جز سپاه که برای پاسداری از عزیزترین حادثه تاریخی این کشور و حادثه جاری این کشور - که حالا شرح خواهم داد - یک وظیفه سازمانی برای خودش تعریف کرده باشد. بنابراین، معنای سپاه بودن، سازمان یافته‌است، معنایش نظم است، معنایش مأموریت‌های تعریف شده و مشخص است.

۲- پیر نشدن سپاه:

یک بُعد دیگر سپاه بودن و سازمان یافته بودن، پیر نشدن است؛ سازمان، پیر نمی‌شود. توالی نسل‌ها، دست‌به‌دست شدن معرفت‌ها، تجربه‌ها نمی‌گذارد که یک سازمان پیر بشود؛ دائمًا تجدید حیات می‌کند. فقط هم دست‌به‌دست شدن معرفت‌ها نیست؛ رشد هم پیدا می‌کند. یعنی امروز سپاه به معارفی در زمینه‌های مختلف دست پیدا کرده است که سی سال

پیش به این روشنی، به این وضوح این معارف را نداشت. دستاوردهای معرفتی سپاه در زمینه‌های مختلف روزبه روز رشد پیدا می‌کند، عمق پیدا می‌کند. این، خاصیت دیگر سازمان بودن و منظم بودن و تشکیلاتی بودن است.

۳- تربیت عناصر جدید سپاه:

یک خصوصیت دیگر، تربیت عناصر جدید است؛ هم عناصر درونی، هم عناصر بیرونی. وقتی تشکیلات هست، وقتی منظم است، انسان‌ها در درون تشکیلات تربیت می‌شوند و عنصرهای کارآمد و فهیم به وجود می‌آیند؛ در حالت گسیختگی سازمانی، این خصوصیت به دست نخواهد آمد. علاوه بر تربیت درونی، تربیت بیرونی هم هست. امروز سپاه بر روی افکار عمومی اثر می‌گذارد؛ بر روی سازندگی جوان‌ها و انسان‌ها اثر می‌گذارد؛ عناصر صادراتی سپاه به دستگاه‌های مختلف که خیلی هم فراوان است - که عناصری را برای مدیریت دستگاه‌های مختلف، سپاه در طول این سال‌ها مرتبًا از میان خودش صادر کرده - بر روی آن مجموعه‌ها و تشکیلات‌ها اثر می‌گذارند. بنابراین،

تربیت انسان‌ها و رشد دادن عناصر مستعد، از جمله دیگر خصوصیات اینهاست.

۴- سپاه مظهر اقتدار میدانی:

سپاه مظهر اقتدار میدانی است؛ خصوصیت سپاه بودن این است. اقتدار در عرصه سیاسی، در عرصه تبلیغات یک حرف است، اقتدار بر روی زمین در میدان، یک حرف دیگر است. اقتدار میدانی موجب می‌شود که اقتدار سیاسی هم به وجود بیاخد. وقتی شما بر روی زمین دارای اقتدار هستید، می‌توانید تصرف کنید، می‌توانید کار کنید، می‌توانید دفع کنید، می‌توانید جذب کنید. وقتی یک ملتی این خصوصیت را دارد، یا مجموعه‌ای از یک ملت وقتی دارای یک چنین خصوصیتی است، این، اقتدار سیاسی را هم به وجود می‌آورد، اقتدار هویتی را هم به وجود می‌آورد، عزّت هم می‌بخشد؛ و از این قبیل. سپاه، مظهر اقتدار میدانی است. البته اقتدار میدانی در عرصه اقتصاد هم معنا دارد؛ در آنجا هم اگر یک مجموعه اقتصادی قوی فعال نافذی وجود داشته باشد، آن هم اقتدار میدانی است، که در جای خود بحث دیگری است. بنابراین پاسداری «سپاه» از

انقلاب اسلامی به عنوان سپاه، به عنوان سازمان، به عنوان مجموعه، معنایی دارد که اگر این انتظام نبود، این سازمان یافتگی نبود، از هم گسیختگی بود، اگر یک عده‌ای بودند که همه مردمان مؤمن، همه هم طرفدار انقلاب اسلامی و می‌خواستند هم از انقلاب پاسداری کنند اما این نظم سازمانی وجود نداشت، چیز دیگری از آب درمی‌آمد. این نظم سازمانی، این وجود سازمان، یکی از برکات بزرگ است؛ این مخصوص سپاه است.

۵- تجدیدپذیری و جوانگرایی سپاه:

... سپاه تجدیدپذیر است، کهنه بشو نیست، پیر بشو نیست - افراد پیر می‌شوند اما سازمان پیر نمی‌شود - معنای این آن است که از همه عناصری که می‌توانند به این تجدیدپذیری کمک کنند، باید استفاده بشود. خصوصیت جوانگرایی - که خوشبختانه در سپاه به آن توجه می‌شود و گرایش به آن نشان داده می‌شود که خصوصیت مثبتی است - باید همراه با استفاده از مجریان، کارکشتگان و قدیمی‌ها باشد؛ یعنی قدیمی‌های سپاه، کارکشتهای سپاه که امتحان داده‌اند، کارهایشان را کرده‌اند،

فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند، باید در این تجدیدپذیری مورد استفاده قرار بگیرند؛ بدون حضور آنها تجدیدپذیری مشکل خواهد بود یا گاهی ممکن نخواهد بود. انقطاع نسلی در سپاه نباید به وجود بیاید؛ به خصوص که قدیمی‌های ما کارها کردند، در عمل، امتحان‌ها پس دادند که امتحان‌های بزرگی است.

بنده با اینکه در آن زمان در جریان همهٔ خبرها قرار می‌گرفتم و بعدها هم این‌همه کتاب‌های جنگ را خوانده‌ام، باز وقتی یک کتاب جدیدی مطرح می‌شود، می‌آید و بنده فرصت می‌کنم، توفيق پیدا می‌کنم می‌خوانم، باز یک باب تازه‌ای در مقابل من گشوده می‌شود؛ حرف‌های تازه‌ای می‌شنوم. چه دنیای عجیبی، اقیانوس عمیقی این دوران هشت‌ساله در مقابل ملت ایران قرار داد که به این زودی‌ها، به این آسانی‌ها تمام شدنی نیست. خب! از آن کسانی که فعال بودند، مؤثر بودند استفاده بشود. البته نمی‌خواهم بگوییم هرکس آن روز فعال بوده، ما به اعتبار آن روز به او نمره بدھیم؛ نه! من بارها گفته‌ام، همهٔ ما – بنده در نزدیکی هشتادسالگی یک‌جور،

شما جوان‌ها یک‌جور، پیر‌ها یک‌جور - در معرض
امتحانیم، در معرض لغزشیم؛ هر لحظه ممکن است
انسان لغزش پیدا کند:

حکم مستوری و مستی همه بر عاقبت است

کس ندانست کز اینجا به چه حالت برود (حافظه، دیوان، غزلیات)
گاهی انسان، عمری را هم به خوبی گذارنده، اما
یک امتحان سخت، انسان را از این رو به آن رو
می‌کند. نمی‌خواهیم ادعای کنیم که برای هر کسی آن
روز مثلاً آنجا حضور داشته است، ما یک حریم
امنیتی درست کنیم و جرأت نکنیم به او نزدیک
 بشویم؛ نه! لکن آن گذشته‌ها را باید ارج نهاد، باید
قدر دانست؛ و انسان‌هایی که توانسته‌اند در طول این
سال‌ها آن ذخیره را حفظ کنند برای خودشان، سالم
نگه دارند خودشان را، اینها خیلی قیمت دارد. خب!
این حالا معنای سپاه، به معنای یک سازمان، به
معنای یک مجموعه منظم؛ این جزء اوّل اسم
شمامست.^۹

ویژگی‌های پاسداری:

۱- نماد اراده انقلابی کشور:

پاسدار؛ سپاه پاسداران؛ شما پاسدارید. پاسداری از انقلاب در واقع نماد اراده انقلابی کشور است؛ اراده انقلابی، حضور انقلابی؛ هویت انقلابی. وقتی شما می‌گویید که وظیفه این سازمان، پاسداری از انقلاب است، معناش این است که اراده انقلاب همچنان مستحکم است و انقلاب حضور قاطع در عرصه و صحنه دارد؛ خب! این خیلی معنای مهم است. انقلاب را باید محدود کرد به حوادث انقلابی مثلاً آغاز انقلاب و شروع انقلاب و روزهای پیروزی انقلاب! آنها یک بخشی از انقلاب است. شاید اگر چنانچه کسی معنای انقلاب را درست ملاحظه کند، می‌بیند: حرکت انقلابی و نهضت انقلابی، یک بخش کوچکی از مجموعه انقلاب است. انقلاب یعنی یک دگرگونی همه‌جانبه در یک مجموعه بشری - یا در یک ملت یا فراتر از یک ملت، در یک نسل، در یک تمدن - معنای انقلاب این است. حالا در دنیا اسم کودتاها را هم گاهی انقلاب می‌گذارند. اما انقلاب، معنای خیلی عمیق‌تری دارد و این همان چیزی است

که در کشور ما اتفاق افتاد. آنچه در کشور ما اتفاق افتاد، به معنای واقعی کلمه، یک انقلاب بود و هست و این ادامه دارد. در بحث انقلاب، تفاسیر مربوط به انقلاب را عرض خواهم کرد. لکن در این بخش پاسداری، وقتی شما می‌گویید: ما پاسدار انقلابیم! معنایش این است که انقلاب زنده است، انقلاب حاضر است، انقلاب موجود است. اگر انقلاب - آنچنان که بعضی ادعای می‌کنند یا بعضی آرزو می‌کنند - مرده بود، پاسدار لازم نداشت؛ مرده که پاسدار نمی‌خواهد! پس انقلاب حضور دارد. پس معنای پاسداری انقلاب، متضمّن معنای حضور انقلاب است؛ یعنی شما می‌خواهید بگویید انقلاب هست؛ بعد عرض خواهیم کرد که بله انقلاب هست و با قوّت و قدرت هم هست.

۲- رصد کننده تهدیدات خارجی و داخلی انقلاب:

وقتی شما می‌گویید: من پاسدار انقلابیم! یکی از معانی پاسداری و یکی از ابعاد مفهومی پاسداری، این است که انقلاب مورد تهدید است؛ بله! اگر تهدید نباشد، پاسداری لازم نیست. آنجایی انسان پاسداری می‌کند که تهدید وجود دارد؛ پس شما هم وجود

انقلاب را دارید با اسم خودتان تأیید می‌کنید، هم تهدیدهایی را که متوجهه انقلاب است دارید تبیین می‌کنید و از وجودشان خبر می‌دهید. خب! اگر پاسدار انقلابیم باید این تهدیدها را بشناسیم. یکی از کارهای اساسی سپاه، رصد مسائل بین‌المللی فقط برای شناخت تهدیدهای است. رصد کردن مسائل بین‌المللی و حوادث بین‌المللی و خبرهای بین‌المللی موجب می‌شود که ما بدانیم تهدیدها چیست؛ و همچنین رصد حوادث داخلی کشور؛ بنابراین سپاه یک موجود سربه‌زیر کنارنشسته سرگرم کارهای اداری خود نیست؛ یک موجود آگاه، ناظر، بینا، متوجهه اطراف - هم متوجهه اطراف در کشور، هم متوجهه اطراف در سطح بین‌المللی و در سطح منطقه - است که دارد نگاه می‌کند، مثل یک موجود زنده بیدار، برای اینکه ببیند از کجا تهدید وجود دارد. نسبت به چه کسی یا نسبت به چه تهدید وجود دارد؟ اینجا شخص مطرح نیست؛ بلکه تهدید وجود دارد نسبت به انقلاب؛ لذا رصد دائمی باید بکنید. بخش‌های اطلاعاتی سپاه و هرآنچه پهلو می‌زند به مسائل اطلاعاتی سپاه، ناظر به این معناست. البته در جات مختلف، سلسله مراتب، کادرها

باید در جریان این مسائل قرار بگیرند، باید در جریان تهدیدها قرار بگیرند تا همه بدانند که چه کار دارند می‌کنند و چه کار می‌خواهند بکنند. اگر سلسله مراتب سپاه ندانند که چه تهدیدهایی متوجه آن چیزی است که آنها پاسدارش هستند، معلوم نیست بتوانند درست به وظیفه عمل کنند. وقتی انسان فهمید تهدید چیست و از کجاست، انگیزه پیدا می‌کند.

۳- کمربسته انقلاب و هشیار دائمی:

بنابراین، یکی از ابعاد کلمه پاسداری، کمربسته انقلاب بودن و هشیاری و بیداری دائمی است؛ همانی که در نامه امیرالمؤمنین هست؛ «وَإِنَّ أَخَا الْحَرَبِ لَأَرِقِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۶۲) برادر جنگ، بیدار است. لازم نیست این جنگ، جنگ موجود و حاضری باشد؛ نه! آن کسی که خود را برای جنگ آماده کرده، باید بیدار باشد. جنگ با چه کسی؟ ما شروع کننده جنگ که هیچ وقت نبودیم و نخواهیم بود؛ با آدم‌ها یا ملت‌ها یا دولت‌های بی‌طرف و بی‌اذیت که ما جنگی نداریم؛ جنگ ما با مزاحمین و با معارضین و با تهدیدکننده‌های است. «لَأَرِقِ»؛ ارق یعنی بیدار؛ دائم بیدار است. پس یک بعد از معنای کلمه پاسداری، بیداری و کمربستگی دائمی است.

طبعاً وقتی تهدیدها را شناختید، آمادگی‌های متناسبش را پیدا می‌کنید. یک روزی بود که تهدید الکترونیک نبود، آن روز لازم نبود کسی برود دنبال مسائل الکترونیک؛ امروز هست، لازم است که بروند دنبالش؛ آقای فرمانده و سردار عزیzman شرح دادند. اینجا در این حسینیه، بچه‌های سپاه آمدند پیشرفت‌های بر جسته و چشمگیر و بسیار خوب خودشان را در معرض دید کسانی که اهل تشخیص‌اند قرار دادند، معلوم شد سپاه در این زمینه هم کار زیادی کرده؛ در همه زمینه‌ها همین جور. وقتی تهدید را شناختید، وسیله خنثی کردن تهدید را هم خواهید شناخت و دنبالش خواهید رفت؛ اگر دارید، حفظش می‌کنید و اگر ندارید، آن را تهیه می‌کنید.

۴- حفاظت و گرامی داشتن انقلاب:

این پاسداری در واقع متضمّن دو معناست؛ یک معنای پاسداری یعنی حراست کردن و حفاظت کردن، یک معنای پاسداری یعنی گرامی داشتن، پاسداشت کسی یا چیزی را داشتن، یعنی آن را انسان گرامی بدارد، آن را محترم بدارد؛ این هم هست. معنای پاسداری از انقلاب فقط حفاظت از انقلاب نیست -

که این شرحی که دادیم مربوط به حفاظت بود - بلکه به معنای گرامی داشتن انقلاب، اهمیت دادن به انقلاب، بزرگ داشتن انقلاب هم هست. انسان پاس کسی را بدارد یعنی او را گرامی بدارد، قدر او را بشناسد، اهمیت او را بداند؛ این احتیاج دارد که انسان انقلاب را درست بشناسد. لذا باید معرفت به انقلاب پیدا کنید. در سطح سپاه، در تمام سلسله مراتب سپاه، باید معرفت به انقلاب یک معرفت آگاهانه، روشن، جامع بوده باشد؛ انقلاب را درست باید شناخت. اگر در زمینه کارهای فرهنگی در این مورد، کاستی‌ای وجود دارد، حتماً باید برطرف بشود؛ نگاه کنید بینید. بایستی برادران و خواهران سپاه از صدر تا ذیل مجھز باشند به منطق مستحکم انقلاب؛ چون ضد انقلاب امروز از طرق مختلفی وارد می‌شود. یکی از راه‌های ورود و نفوذ - که حالا در مورد نفوذ هم یک کلمه‌ای عرض خواهم کرد؛ ما همین‌طور مدام درباره نفوذ دشمن تکرار می‌کنیم، تأکید می‌کنیم - ایجاد خلل در باورهایست؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد می‌کنند؛ رخنه کردن در اینهاست. و از همه طرق هم استفاده می‌کنند و آدمهای

گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند. برادران در سطوح مختلف سپاه بایستی این آمادگی را و این اقتدار منطقی را داشته باشند. قبل از انقلاب، ما از این قوت منطق در موارد زیادی استفاده می‌کردیم؛ بچه‌های جوان، آن زمان در بحث‌هایی که ما داشتیم - بحث‌های قرآنی و مانند اینها، نهج البلاغه و قرآن و این چیزها، بنده داشتم - به من می‌گفتند که ما در دانشگاه در مقابل مارکسیست‌ها دیگر حلا کم نمی‌آوریم؛ قبل‌کم می‌آوردیم؛ حرف داریم، منطق داریم، استدلال می‌کنیم؛ فقط رد کردن هم نیست، اثبات می‌کنیم و حقایقی را بیان می‌کنیم. در جوانی که امروز در سپاه مشغول فعالیت است، باید یک چنین قدرت اقنانعی، یک چنین قدرت منطقی و قوت بیانی وجود داشته باشد؛ این جزو کارهای اساسی است؛ این پاسداری از انقلاب و پاسداشت انقلاب است؛ یعنی گرامی داشتن انقلاب، حق انقلاب را ادا کردن، قدر انقلاب را دانستن.

۵- شناخت نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن:

یک بعد دیگر از پاسداشت انقلاب و پاسداری انقلاب، شناخت دشمن است؛ دشمن را بشناسیم. البته

شما دشمن را می‌شناسید؛ دشمن استکبار جهانی است که مظهر کاملش هم، آمریکاست و عواملش هم رژیم‌های مرتاجع و آدم‌های خودفروخته و آدم‌های ضعیف‌النفس و مانند اینها هستند؛ دشمن برای شما شناخته شده است؛ بایستی از این شناخت استفاده کرد. نقاط ضعف دشمن را - نقاط ضعف معرفتی و عملی دشمن را - باید شناسایی کرد و اینها را به رخ انسان‌هایی که احتیاج دارند این مطلب به رخ آنها کشیده بشود، کشاند. دشمنان انقلاب اسلامی همان کسانی هستند که ده پانزده سال قبل وارد منطقه شدند، شعارشان ایجاد امنیت بود؛ امروز شما نگاه کنید کجای این منطقه امنیت دارد؟ نامنی سراسر این منطقه را گرفته؛ غرب آسیا و شمال آفریقا. وقتی به افغانستان حمله کردند، شعارشان مبارزه با تروریسم بود. اما امروز تروریسم همه منطقه را فرا گرفته؛ آن هم چه تروریسمی! تروریسم وحشی و خشن؛ تروریسمی که آدم‌هایش انسان‌ها را - دشمنان خودشان را - زنده‌زنده در آتش جلوی چشم همه می‌سوزانند؛ از امکانات گوناگون فنی هم استفاده می‌کنند برای اینکه این منظره را درست به چشم و باور همه مردم دنیا منتقل کنند و

منعکس کنند؛ تروریسم این جوری! عناصر تکفیری امروز این جور هستند؛ بچه را در مقابل مادرش می‌کشنند، پدر و مادر را در مقابل فرزندانشان سر می‌برند. اینها آمده بودند تروریسم را در منطقه با این شعار و با این ادعای نمی‌گوییم خواست واقعی شان این بود؛ شعارشان این بود - از منطقه برچینند؛ امروز کجای منطقه تروریسم نیست؟ آمده بودند به ادعای خودشان دموکراسی ایجاد کنند؛ امروز مرتع ترین و مستبدترین و دیکتاتورترین رژیم‌های این منطقه به کمک آمریکا و متّحدین آمریکا دارند سر پای خودشان می‌ایستند و به جنایات خودشان ادامه می‌دهند. واقعاً یکی از مشکلات اساسی آمریکا این است؛ این مشکل به پروپای سیاستمداران آمریکا هم پیچیده؛ حسابی درگیرند. از رژیم‌هایی حمایت می‌کنند که در طول سال‌های متمادی شعار ضدّ دیکتاتوری و شعار حقوق بشری آنها با وجود این رژیم‌ها نقض می‌شود؛ این الان در بین روشنفکران و نخبگان سیاسی و فکری آمریکا، حسابی مسئله ایجاد کرده؛ نمی‌توانند جواب بدهنند؛ این دشمن،

یک چنین موجودی است. دشمنی که در مقابل ماست، آن مسئله حقوق بشرش، آن مسئله دموکراسی اش، آن مسئله تروریسمش، آن مسئله ایجاد امنیتش، آن مسئله صلح؛ می‌گفتند: ما می‌جنگیم برای صلح؛ کو صلح؟ همه منطقه را آلوده به جنگ کردند؛ کجای این منطقه الان جنگ نیست؟ دشمن این است. آن که انقلاب در مقابل او ایستاده، آن که شما در مقابلش سینه سپر کرده‌اید، این است؛ یک چنین موجودی با این همه تناقض، با این همه نقطه ضعف، با این همه خلل معرفتی و عملی؛ این است آن دشمن. یکی از خصوصیات پاسداری از انقلاب این است که چشم را باز کنیم، اینها را ببینیم، دشمن را بشناسیم؛ هم انقلاب را بشناسیم، هم دشمن را بشناسیم؛ حالا این هم مربوط به پاسداری. البته در مورد پاسداری و معنای پاسداری و عمق این معنا هم باز اگر کسی بخواهد حرف بزند، یک کتاب حرف هست.^۹

سپاه، یک نعمت بزرگ الهی

سپاه را باید گرامی داشت، سپاه یک نعمت بزرگ الهی است در کشور. و این را هم به شما عرض بکنم: اوّلین کسی که باید آن را گرامی بدارد، خود شما هستید. بافت معنوی و فکری و عقیدتی و عملی سپاه را هرچه می‌توانید، بافت مستحکمی قرار بدهید؛ از بهانه‌هایی که ممکن است کسانی بگیرند، به شدت پرهیز کنید؛ در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و مالی و سیاسی و امثال اینها، خطٰ مستقیم و خطٰ درست انقلاب را دنبال کنید و دنبال چیزهایی که می‌تواند به کرامت سپاه لطمه وارد کند، مطلقاً نروید! اوّلین کس، خود شما هستید که بایستی این شأن را، این حیثیت واقعی را - نه حیثیت تحمیلی که بخواهیم تحمیل کنیم که باید این جوری فکر کنید؛ نه! واقع قضیه این است - حفظ کنید؛ و چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستید، متوجه تهدیدها باشید.^۹

پیام به مناسبت کنگره عظیم حج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلٰةُ وَالسَّلَامُ عَلٰى سِيدِ
الْخُلُقِ اجْمَعِينَ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَحْبِهِ الْمُنْتَجِبِينَ
وَعَلٰى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِالْحَسَانِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

وَسَلَامٌ بِرَبِّ كَعْبَةِ شَرِيفٍ، پایگاه توحید و مطاف
مؤمنان و مهبط فرشتگان؛ وَسَلَامٌ بِرَبِّ مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ
عِرْفَاتٍ وَمَشْعَرٍ وَمَنَاءً؛ وَسَلَامٌ بِرَبِّ دَلْهَائِ خَاشِعٍ وَ
زِبَانِهَائِ ذَاكِرٍ وَچشمِهَائِ بِهِ بَصِيرَتٍ گَشُودَهٗ وَ
انْدِيشهَهَائِ بِهِ عَبْرَتِ رَاهِ يَاْفَتَهُ؛ وَسَلَامٌ بِرَبِّ شَمَاءِ
حجَّگزاران سعادتمند که توفیق لَبَیِک‌گویی به فراخوان
اللهِ يَاْفَتَهُ وَبِرَسِ این سَفَرَهُ پُرْنَعْمَت نَشَستَهِ اِید.

نَخْسَتِینِ وَظِيفَهِ، تَأْمَلِی در این لَبَیِک جَهَانِی وَ
تَارِیخِی وَهَمِیشَگَیِ اَسْتَ: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَ
الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَیِک»؛ (کافی، ج ۴، ص ۳۳۵) هَمَّهُ
سَتَایِشِهَا وَسِپَاسِهَا از آن او، هَمَّهُ نَعْمَتِهَا از سَوِیِ
او، وَهَمَّهُ مُلْک وَقَدْرَت مَتَعْلِقَ بِهِ اوْسَت. این اَسْتَ
نَگاهی که به حجَّگزار در آغازِین گَامِ این فَرِیضَه پُرْمَغَزِ
وَپُرْمَعْنَا داده می‌شود وَادَمَهُ این مناسک، هَمَاهَنگِ با
آن، شَكْلِ مَیِّگَيِرَد وَآنَگَاه هَمَچُون تَعلِيمَیِ مَانَدَگَارِ وَ

درسی فراموش نشدنی در برابر او گذاشته و تنظیم برنامه زندگی بر پایه آن، از او خواسته می شود. فرا گرفتن این درس بزرگ و عمل به آن، همان سرچشمۀ بابرکتی است که می تواند زندگی مسلمانان را طراوت و حیات و پویایی بخشد و آنان را از گرفتاری هایی که بدان دچاراند - در این دوران و در همه دوران ها - برهاند. بُت نفسانیت و کبر و شهوت، بت سلطه جویی و سلطه پذیری، بت استکبار جهانی، بت تبلی و بی مسئولیتی، و همه بت های خوارکننده جان گرامی انسانی، با این غریب (خروش) ابراهیمی - آنگاه که از عمق دل برآید و برنامه زندگی شود - شکسته خواهد شد و آزادی و عزّت و سلامت، به جای وابستگی و سختی و محنت خواهد نشست.

برادران و خواهران حج گزار از هر ملت و هر کشوری، در این کلمه حکمت آموز الهی بیندیشند و با نگاه دقیق به گرفتاری های دنیای اسلام به ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا، برای خود با توجه به ظرفیت ها و امکانات شخصی و محیطی، وظیفه و مسئولیتی تعریف کنند و در آن بکوشنند.

امروز سیاست های شرارت آمیز آمریکا در این منطقه - که مایه جنگ و خونریزی و ویرانی و آوارگی و نیز

فقر و عقب‌ماندگی و اختلافات قومی و مذهبی است - از یک سو، و جنایت‌های رژیم صهیونیستی - که رفتار غاصبانه در کشور فلسطین را به نهایت درجه شقاوت و خباشت رسانیده - و اهانت مکرر به حریم مقدس مسجدالاقصی و لگدکوب کردن جان و مال فلسطینیان مظلوم از سوی دیگر، مسئله اوّل همه شما مسلمانان است که باید در آن بیندیشید و تکلیف اسلامی خود را در برابر آن بشناسید. و علمای دینی و نخبگان سیاسی و فرهنگی وظیفه‌ای بس سنگین‌تر دارند که متأسفانه غالباً مورد غفلت آنان است. علماء به جای برافروختن آتش اختلافات مذهبی، و سیاسیون به جای انفعال در برابر دشمن، و نخبگان فرهنگی به جای سرگرمی به حاشیه‌ها، در بزرگ دنیای اسلام را بشناسند و رسالت خود را که در پیشگاه عدل الهی، مسئول ادائی آن‌اند پذیراً گردند و از عهدۀ آن برآیند. حوادث گریه‌اور در منطقه - در عراق و شام و یمن و بحرین - و در کرانه‌غربی و غزّه و در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا، گرفتاری‌های بزرگ امت اسلامی است که سرانگشت توطئه استکبار جهانی را در آن باید دید و به علاج آن اندیشید؛ ملت‌ها باید آن را از دولت‌های خود بخواهند و دولت‌ها باید به مسئولیت سنگین خود وفادار باشند.

و حج و اجتماعات پُرشکوه آن، برترین جایگاه ظهور و تبادل این تکلیف تاریخی است؛ و فرصت برائت که باید با شرکت همه حج گزاران از همه جا مغتنم شمرده شود، یکی از گویاترین مناسک سیاسی در این فرضیه جامع الاطراف است.

امسال حادثه تلخ و خسارت بار مسجدالحرام، کام حاجیان و ملت‌های آنان را تلخ کرد. درست است که درگذشتگان این حادثه که در حال نماز و طواف و عبادت به دیدار حق شتافتند، به سعادتی بزرگ دست یافته و در حریم امن و رعایت و رحمت الهی آرمیده‌اند انشاء الله - و این تسلیی بزرگ برای بازماندگان آنها است - ولی این نمی‌تواند از سنگینی مسئولیت کسانی که متعهد امنیت ضیوف الرّحمن‌اند بکاهد. عمل به این تعهد و ادای این مسئولیت خواسته قطعی ما است.^{۱۰}

والسلام على عباد الله الصالحين

سید علی خامنه‌ای

۱۴۳۶ ذی الحجه ۴

۱۳۹۴ شهریور ۲۷

پیام به مناسبت هفته دفاع مقدس

و روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران

بسم الله الرحمن الرحيم

گذشت زمان نتوانسته و نخواهد توانست -

ان شاء الله - جلوه نام و یاد شهیدان عزیز را کم فروع سازد. شهید و شهادت در فرهنگ اسلامی، مظہر حیات و بقاء و حضور و درخشندگی است؛ و این مائیم که باید با ارتباط و اتصال به این مفهوم بلند و ماندگار، برای خود و جامعه و کشور خود، بلندی و ماندگاری به دست آوریم. نامگذاری یک روز از هفته دفاع مقدس به این نام مبارک، ادای وظیفه‌ای در این راه است.

سلام خدا بر ارواح طیبه شهیدان و خانواده‌های

صبور آنان.^{۱۲}

سید علی خامنه‌ای

۱۳۹۴ ۲ مهر

بیانات در ابتدای جلسه درس خارج فقه

درباره فاجعه منا

بسم الله الرحمن الرحيم

دل‌های ما پر از اندوه و پر از غم است به‌خاطر این حادثه تلخی که در منا اتفاق افتاد و به معنای واقعی کلمه عید را عزا کرد. هر سال در موسم حج، مثل این روزهایی که اعمال حج و مناسک حج تمام شده است، کشور در یک شادی عمومی قرار دارد؛ حاجی‌ها بر می‌گردند، خانواده‌ها خوشحال‌اند؛ پدرانشان، فرزندانشان، همسرانشان می‌آیند؛ خانواده‌ها خوشحالی می‌کنند که حاجیانشان آمدند، حج گذاشتند، موفق شدند. هر سال این جور است؛ اوقات شادی است. امسال این اوقات شادی تبدیل شده به اوقات غم. در بسیاری از استان‌های کشور، عدد کشته‌شدگان و جانباختنگان بالا است و جنازه‌ها را باید بیاورند؛ دل‌ها واقعاً در این ایام داغدار است. خب! انسان نمی‌تواند لحظه‌ای خود را از این غم فارغ بداند و دائم در این چند روزه این غم در دل‌های ما و دیگران سنگینی می‌کند. آنچه حالا نتیجه باید گرفت، این است که مسئولیت این حادثه سنگین و این فاجعه بزرگ بر

دوش حکّام عربستان است؛ باید مسئولیتشان را قبول

کنند نسبت به این قضیه، اینکه فرافکنی کنند و دائم این و آن را متّهم کنند و مدام خودشان از خودشان تعریف کنند کارهایی نیست که به جایی برسد؛ این فعالیت‌های عقیمی است. بالاخره دنیای اسلام سؤال دارد. بیش از هزار کشته از کشورهای مختلف اسلامی در یک حادثه‌ای، شوخی است؟ از کشور ما هم خدا می‌داند چند صد کشته! حالا مفقودین هنوز معلوم نیست کجا هستند؛ ممکن است عده‌ای بسیاری از اینها جزو جانباختگان باشند. چند صد کشته در یک حادثه - حادثه حج - چیز کوچکی است؟ شوخی است؟ دنیای اسلام باید برای این فکر کند؛ و اوّلین مطلب هم همین است که سعودی‌ها باید پذیرند مسئولیت خودشان را، و به لوازم این پذیرش مسئولیت باید عمل بشود. اینکه به جای عذرخواهی از امت اسلامی و به جای عذرخواهی از خانواده‌ها، شروع کنند مدام همین‌طور حرف زدن به این و آن و متّهم کردن و مانند اینها، راه به جایی نخواهد برد و ملت‌ها به طور جدّی دنبال می‌کنند؛ این قضیه فراموش نخواهد شد. امیدواریم انشاء الله خداوند خیر مقدّر کند.^{۱۳}

نامه به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای روحانی

رئیس جمهور اسلامی ایران و رئیس شورای عالی

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحيیت؛

اکنون که موافقت نامه موسوم به «برجام» پس از بررسی های دقیق و مسئولانه در مجلس شورای اسلامی، کمیسیون ویژه و دیگر کمیسیون ها و نیز در شورای عالی امنیت ملی، سرانجام از مجاری قانونی عبور کرده و در انتظار اعلام نظر اینجانب است، لازم می دانم نکاتی را یادآور شوم تا جناب عالی و دیگر دست اندر کاران مستقیم و غیر مستقیم آن، فرصت های کافی برای رعایت و حفظ منافع ملی و مصالح عالیه کشور در اختیار داشته باشید.

۱- پیش از هر چیز لازم می دانم از همه دست اندر کاران این فرایند پرچالش، در همه دوره ها از جمله هیئت مذاکره کننده اخیر که در توضیح نقاط مثبت و در اصل ثبت آن نقاط همه سعی ممکن خود را به کار بردن، و نیز از منتقدانی که با ریزبینی

قابل تحسین، نقاط ضعف آن را به همهٔ ما یادآور شدند و مخصوصاً از رئیس و اعضای کمیسیون ویژه مجلس و نیز از اعضای عالی مقام شورای عالی امنیت ملی که با درج ملاحظات مهم خود، برخی از نقاط خلاً را پوشش دادند، و سرانجام از رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی که با تصویب طرحی محتاطانه، راه درست اجرا را به دولت ارائه کردند، و نیز از رسانهٔ ملی و نویسنده‌گان مطبوعات کشور که با همهٔ اختلاف نظرها، در مجموع تصویر کاملی از این موافقت‌نامه در برابر افکار عمومی نهادند، قدردانی خود را اعلام دارم. این مجموعهٔ پر حجم کار و تلاش و فکر در مسئله‌ای که گمان می‌رود از جملهٔ مسائل به یاد ماندنی و عبرت‌آموز جمهوری اسلامی باشد، در خور تقدیر و مایهٔ خرسنده است. به همین دلیل با اطمینان می‌توان گفت که پاداش الهی برای این نقش آفرینی‌های مسئولانه، مشتمل بر نصرت و رحمت و هدایت ذات حضرت حق خواهد بود، انشاء الله؛ زیرا وعدهٔ نصرت الهی در برابر نصرت دین او، تخلف ناپذیر است.

۲- جناب عالی با سابقه چند دهه حضور در متن مسائل جمهوری اسلامی، طبعاً دانسته‌اید که دولت ایالات آمریکا، در قضیه هسته‌ای و نه در هیچ مسئله دیگری، در برابر ایران رویکردی جز خصوصت و اخلال در پیش نگرفته است و در آینده هم بعید است جز این روش عمل کند. اظهارات رئیس جمهور آمریکا در دو نامه به اینجانب مبنی بر اینکه قصد براندازی جمهوری اسلامی را ندارد، خیلی زود با طرفداری اش از فتنه‌های داخلی و کمک مالی به معارضان جمهوری اسلامی، خلاف واقع از آب درآمد و تهدیدهای صریح وی به حمله نظامی و حتی هسته‌ای - که می‌تواند به کیفرخواست محسوس‌طی علیه وی در دادگاه‌های بین‌المللی متهم شود - پرده از نیت واقعی سران آمریکا برداشت. صاحب‌نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها، به‌وضوح تشخیص می‌دهند که عامل این خصوصت تمام‌نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی در است. ایستادگی بر موضع بر حق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر

زیاده طلبی و دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف، افشاری حمایت آمریکا از دیکتاتوری‌های قرون وسطائی و سرکوب ملت‌های مستقل، دفاع بی‌وقفه از ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت میهنی، فریاد منطقی و دنیاپسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست، قلم‌های عمدت‌ای را تشکیل می‌دهند که دشمنی رژیم ایالات متحده آمریکا را بر ضد جمهوری اسلامی، برای آنان اجتناب‌ناپذیر کرده است؛ و این دشمنی تا هنگامی که جمهوری اسلامی با قدرت درونی و پایدار خود، آنان را مأیوس کند ادامه خواهد داشت.

چگونگی رفتار و گفتار دولت آمریکا در مسئله هسته‌ای و مذاکرات طولانی و ملال آور آن، نشان داد که این نیز یکی از حلقه‌های زنجیره دشمنی عناد‌آمیز آنان با جمهوری اسلامی است. فریب‌کاری آنان در دوگانگی میان اظهارات اوّلیه آنان که با نیت قبول مذاکره مستقیم از سوی ایران انجام می‌شد، با نقض عهده‌ای مکرر آنان در طول مذاکرات دوسره و همراهی آنان با خواسته‌های رژیم صهیونیستی و دیپلماسی زورگویانه آنان در رابطه با دولت‌ها و مؤسّسات اروپایی دخیل در مذاکرات، همه

نشان دهنده آن است که ورود فریب کارانه آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نه با نیت حل و فصل عادلانه، که با غرض پیشبرد هدف‌های خصمانه خود درباره جمهوری اسلامی صورت گرفته است.

بی‌شک حفظ هوشیاری نسبت به نیات خصمانه دولت آمریکا و ایستادگی‌هایی که بر اثر آن در طول مسیر مذاکرات از سوی مسئولان جمهوری اسلامی به کار رفت، توانست در موارد متعددی، از ورود زیان‌های سنگین جلوگیری کند. با این حال، محصول مذاکرات که در قالب برجام شکل گرفته است، دچار نقاط ابهام و ضعف‌های ساختاری و موارد متعددی است که در صورت فقدان مراقبت دقیق و لحظه‌به‌لحظه، می‌تواند به خسارت‌های بزرگی برای حال و آینده کشور متنه شود.

۳— بندهای نه‌گانه قانون اخیر مجلس و ملاحظات ده‌گانه ذیل مصوبه شورای عالی امنیت ملی، حاوی نکات مفید و مؤثر است که باید رعایت شود، با این حال برخی نکات لازم دیگر نیز هست که همراه با تأکید بر تعدادی از آنچه در آن دو سند آمده است، اعلام می‌گردد.

اولًاً: از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موكول گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلّف طرف‌های مقابل، تدارک شود، که از جمله آن اعلام کتبی رئیس جمهور آمریکا و اتحادیه اروپا مبنی بر لغو تحریم‌ها است. در اعلام اتحادیه اروپا و رئیس جمهور آمریکا، باید تصریح شود که این تحریم‌ها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر این‌که ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله نقض برجام است.

ثانیاً: در سراسر دوره هشت‌ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوّب مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند.

ثالثاً: اقدامات مربوط به آنچه در دو بند بعدی آمده است، تنها هنگامی آغاز خواهد شد که آژانس، پایان پرونده موضوعات حال و گذشته (PMD) را اعلام نماید.

رابعاً: اقدام در مورد نوسازی کارخانه اراک با حفظ هویت سنگین آن، تنها در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد قطعی و مطمئن درباره طرح جایگزین و تضمین کافی برای اجرای آن منعقد شده باشد.

خامساً: معامله اورانیوم غنی شده موجود در برابر کیک زرد با دولت خارجی در صورتی آغاز خواهد شد که قرارداد مطمئن دراین باره همراه با تضمین کافی منعقد شده باشد. معامله و تبادل مزبور، باید به تدریج و در دفعات متعدد باشد.

سادساً: مطابق مصوبه مجلس، طرح و تمہیدات لازم برای توسعه میان مدت صنعت انرژی اتمی که شامل روش پیشرفت در مقاطع مختلف از هم اکنون تا پانزده سال و منتهی به ۱۹۰ هزار سو است، تهیه و با دقّت در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود. این طرح باید هرگونه نگرانی ناشی از برخی مطالب در ضمائم برجام را برطرف کند.

سابعاً: سازمان انرژی اتمی، تحقیق و توسعه در ابعاد مختلف را در مقام اجرا به گونه‌ای ساماندهی کند که در پایان دوره هشت‌ساله هیچ کمبود فناوری برای ایجاد غنی‌سازی مورد قبول در برجام وجود نداشته باشد.

ثامناً: توجه شود که در موارد ابهام سند برجام، تفسیر طرف مقابل مورد قبول نیست و مرجع، متن مذکرات است.

تاسعاً: وجود پیچیدگی‌ها و ابهام‌ها در متن برجام و نیز گمان نقض عهد و تخلفات و فریب‌کاری در طرف مقابل به‌ویژه آمریکا، ایجاب می‌کند که یک هیئت قوی و آگاه و هوشمند، برای رصد پیشرفت کارها و انجام تعهدات طرف مقابل و تحقق آنچه در بالا بدان تصریح شده است، تشکیل شود. ترکیب و وظایف این هیئت باید در شورای عالی امنیت ملی تعیین و تصویب شود.

با توجه به آنچه ذکر شد، مصوبه جلسه ۶۳۴ مورخ ۹۴/۵/۱۹ شورای عالی امنیت ملی با رعایت موارد یاد شده تأیید می‌شود.

در خاتمه همان طور که در جلسات متعالد به آن جناب و دیگر مسئولان دولتی یادآور شده و در جلسات عمومی به مردم عزیزمان گوشزد کرده‌ام، رفع تحریم‌ها هر چند از باب رفع ظلم و احراق حقوق ملت ایران کار لازمی است، لیکن گشایش اقتصادی و بهبود معیشت و رفع مضطبات کنونی جز با جدی گرفتن و پیگیری همه جانبه اقتصاد مقاومتی میسر نخواهد شد. امید است که مراقبت شود که این مقصود با جدیت تمام دنبال شود و به خصوص به تقویت تولید ملی توجه ویژه صورت گیرد و نیز مراقبت فرمایید که وضعیت پس از برداشته شدن تحریم‌ها، به واردات بی‌رویه نینجامد، و به خصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا جداً پرهیز شود.

توفیقات جناب عالی و دیگر دست‌اندرکاران را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.^{۲۱}

سید علی خامنه‌ای

۹۴ ۲۹ مهرماه

پی‌نوشت‌ها

۱. ۹۴/۰۶/۰۴ بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسب هفته دولت
۲. ۹۴/۰۶/۱۰ (گزارش خبری) بیانات در دیدار فرماندهان و مسئولان قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء ﷺ ارتش
۳. ۹۴/۰۶/۱۲ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری
۴. ۹۴/۰۶/۱۴ انتصاب اعضای جدید شورای عالی فضای مجازی
۵. ۹۴/۰۶/۱۴ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور قرقیستان و هیئت همراه
۶. ۹۴/۰۶/۱۶ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس و اعضای شورای عالی فضای مجازی
۷. ۹۴/۰۶/۱۷ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس جمهور اتریش و هیئت همراه
۸. ۹۴/۰۶/۱۸ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
۹. ۹۴/۰۶/۲۵ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۰. ۹۴/۰۶/۲۷ پیام به مناسب کنگره عظیم حج چهارم ذی الحجه ۱۴۳۶ مصادف با بیست و هفتم شهریور ماه ۱۳۹۴
۱۱. ۹۴/۰۶/۲۹ بیانات در دیدار جمعی از جانبازان قطع نخاعی و بالای هفتاد درصد
۱۲. ۹۴/۰۷/۰۲ پیام به مناسب هفته دفاع مقدس و روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران
۱۳. ۹۴/۰۷/۰۵ بیانات در ایندای جلسه درس خارج فقه درباره فاجعه منا
۱۴. ۹۴/۰۷/۰۸ بیانات در مراسم دانشآموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران
۱۵. ۹۴/۰۷/۰۹ (گزارش خبری) بیانات در دیدار فرماندهان و مسئولان ارتش
۱۶. ۹۴/۰۷/۱۳ بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری
۱۷. ۹۴/۰۷/۱۵ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریائی سپاه و خانواده‌های آنان
۱۸. ۹۴/۰۷/۲۰ (گزارش خبری) بیانات در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما
۱۹. ۹۴/۰۷/۲۲ بیانات در دیدار شرکت کنندگان در نهمین همایش ملی «نقیچگان فرد»
۲۰. ۹۴/۰۷/۲۷ (گزارش خبری) بیانات در دیدار مسئولان و دست اندکاران حج
۲۱. ۹۴/۰۷/۲۹ نامه به رئیس جمهور درباره الزامات اجرای برجام